

**سفارت رژیم در آلبانی  
مرکز جاسوسی و تروریسم**

**«من چهار سال با آنها بودم»**

**هادی ثانی خانی**

**تیر ۱۴۰۰**

سفارتخانه رژیم ایران در آلبانی مرکز جاسوسی و تروریسم

«من چهار سال با آنها بودم»

هادی ثانی خانی

انتشارات: سازمان مجاهدین خلق ایران

تاریخ انتشار: تیر ۱۴۰۰







## فهرست

- پیشگفتار ..... ۱۱
- نامه هادی ثانی خانی به دبیر کل سازمان ملل ..... ۱۳
- فصل اول - سابقه امر** ..... ۶۳
- چگونگی خروج از سازمان و وصل به رژیم ..... ۶۶
- ابلاغیه قطع رابطه و کمک مالی به هادی ثانی خانی ..... ۷۱
- فصل دوم** ..... ۷۳
- نقش سفارت رژیم در ایجاد شبکه جاسوسی و بکارگیری مزدور**
- گرداندگان ایستگاه اطلاعات سفارت رژیم در آلبانی ..... ۷۵
- هماهنگی «فریدون زندی علی آبادی» با رئیس ایستگاه اطلاعات در عراق ..... ۷۶
- مصاحبه با سایت های وزارت اطلاعات به درخواست سفارت در بهمن ۱۳۹۷ ..... ۷۷
- ارتباط با سایت های وزارت اطلاعات در داخل و خارج ایران ..... ۷۹
- تلاش «فریدون زندی علی آبادی» برای جذب نفرت با سابقه ..... ۸۰
- بکارگیری هادی ناصری مقدم برای جذب مزدور به سفارت ..... ۸۱
- طرح شکست خورده سفارت برای جذب یک بریده ..... ۸۳

۸۵	فصل سوم - دسته بندی مزدوران
۸۷	مزدوران علنی
۹۰	غیرعلنی ها
۹۲	ماموریت های ابلاغ شده به برخی از مزدوران
۹۵	نمونه هایی از یاوه های مزدوران، در برخی از سایت های وزارت اطلاعات
۹۵	مزدور احسان بیدی در آلبانی
۹۸	کنفرانس مطبوعاتی جرجی تاناسی برای آزادی احسان بیدی
۱۰۱	حسن حیرانی مزدور وزارت اطلاعات در آلبانی
۱۰۷	جدال مزدوران با همدیگر برای گرفتن جیره و موجب بیشتر
۱۰۸	دعوی احسان بیدی و غلامرضا شکری
۱۰۹	جاسوسی مزدوران از همدیگر

## ۱۱۱ فصل چهارم

### دستورالعمل ها و شیوه توزیع پول توسط سفارت رژیم

۱۱۳	دستورالعمل سفارت رژیم در آلبانی به بریده مزدوران
۱۱۳	سایر وظایف محوله
۱۱۶	شروع مزدوری
۱۱۷	خانواده ابزار تبلیغ علیه مجاهدین بود
۱۱۸	شیوه ارسال پول توسط وزارت اطلاعات و سفارت به بریده مزدوران
۱۲۱	شیوه های توزیع پول توسط سفارت در سال های اول
۱۲۱	نمونه رسید دریافت پول از سفارت رژیم در آلبانی

## ۱۲۳ فصل پنجم

۱۲۵	کار اصلی سفارت رژیم، ایجاد شبکه جاسوسی و تروریستی علیه مجاهدین بود
-----	--

۱۲۶..... ساختن شبکه جاسوسی از بریده ها

۱۳۰..... مأموریت شناسایی مقرات و مسئولین سازمان مجاهدین

## ۱۳۵..... فصل ششم

### اخراج دیپلمات تروریست ها و مرکز پوششی وزارت اطلاعات

۱۳۸..... کافه فرانک مرکز جاسوسی رژیم در آلبانی

۱۳۹..... دایر کردن یک «کافه» محلی برای جاسوسی و توطئه های تروریستی

۱۴۴..... اجازه کار «کافه» به اسم داشمیر اهل آلبانی

۱۴۷..... کافه فرانک محل تجمع مزدوران و عناصر اطلاعاتی رژیم

۱۵۰..... تولیدفیش های فروش جعلی، برای فعال نشان دادن در کافه حسن حیرانی

## ۱۵۱..... فصل هفتم

### توطئه های رنگارنگ

۱۵۳..... توزیع CD علیه مجاهدین بین شخصیت های آلبانی

۱۵۵..... رابطه مزدور علی اکبر راستگو با فریدون زندی و شبکه جاسوسان در آلبانی

۱۵۶..... تشکیل سایت «نجات یافتگان در آلبانی» توسط علی اکبر راستگو

۱۵۸..... تلویزیون اینترنتی مردم تی وی - پارسا سربی

۱۵۹..... ارزیابی سفارت رژیم از تلویزیون مردم تی وی - پارسا سربی

## ۱۶۵..... فصل هشتم

### هماهنگی سفارت و مزدوران وزارت اطلاعات در خارج کشور

۱۶۷..... برادران خدابنده

۱۶۹..... آمدن «آن سینگلتون» به آلبانی

۱۷۵..... مزدور مصطفی محمدی در آلبانی

۱۷۸ ..... قریبانعلی حسین نژاد در آلبانی

۱۷۹ ..... **فصل نهم**

**بکارگیری مزدوران محلی توسط سفارت و وزارت اطلاعات رژیم**

۱۸۱ ..... اولسی یازچی ( Olsi Jazexhi )

۱۸۷ ..... جرجی تاناسی Gjergji Thanasi مزدور آلبانیایی رژیم

۱۹۳ ..... **فصل دهم**

**اعزام خبرنگاران خارجی به آلبانی**

۱۹۵ ..... آوردن خبرنگاران خارجی به آلبانی در هماهنگی با مزدوران وزارت اطلاعات

۱۹۶ ..... آوردن خبرنگار اشیپگل به آلبانی

۱۹۹ ..... مصاحبه بی بی سی فارسی با غلامعلی میرزایی

۲۰۰ ..... نامه غلامعلی میرزایی برای رفتن به ایران و هماهنگی با وزارت اطلاعات

۲۰۱ ..... دانیال کسرای، خبرنگار یا تروریست مرتبط با رژیم؟

۲۰۷ ..... **فصل یازدهم**

**واکنش های وزارت اطلاعات به گردهمایی سالانه سازمان مجاهدین**

برنامه وزارت اطلاعات در داخل ایران در آستانه گردهمایی سالانه مجاهدین در  
سال ۹۹ .....

۲۱۴ ..... سند برنامه ریزی و ریل برنامه که پارسا سربی به حسن حیرانی داده بود

۲۱۵ ..... **فصل دوازدهم**

**اصل موضوع ترس از سرنگونی رژیم است**

۲۱۷ ..... رفتن من به کرواسی و قطع ارتباط با سفارت

۲۱۸..... وحشت بریده مزدوران از اخراج سفیر رژیم از تیرانا

۲۱۹..... قیام آبان ۹۸، وحشت مزدوران از سرنگونی رژیم

۲۲۳..... **اطلاعیه شورای ملی مقاومت ایران**

افشای جزییات بسیج شیطان سازی و توطئه های جاسوسی و تروریستی  
وزرات اطلاعات و سفارت رژیم در آلبانی علیه مجاهدین



## پیشگفتار

من هادی ثانی خانی هستم. مدتی با سازمان مجاهدین بودم و از آنها جدا شدم. بیش از ۴ سال در شبکهٔ مزدوران سفارت و وزارت اطلاعات رژیم ایران در آلبانی بودم. بنا به دلایلی که در فصل‌های مختلف کتاب توضیح داده‌ام، تصمیم گرفتم خود را از این شبکهٔ جهنمی بیرون بکشم و گوشه‌ای از مشاهدات خودم از نقش سفارت و وزارت اطلاعات رژیم در آلبانی را در ایجاد شبکهٔ جاسوسی و تروریستی افشا کنم.

موقعی که در ایران بودم، اطلاعات عمومی و شناخت من از موضوعات مختلف محدود بود. ولی مثل هر جوان ایرانی از ستمگری و سرکوب رژیم ایران بیزار بودم و برایم تحمل‌ناپذیر بود. به همین دلیل تصمیم گرفتم از ایران خارج بشوم، و در بهمن ۱۳۸۱ به ترکیه رفتم.

در ترکیه با سازمان مجاهدین آشنا شدم و به این سازمان در عراق پیوستم. در شهریور ۹۵ به آلبانی منتقل شدم. طی مدتی که در سازمان مجاهدین بودم مقداری مطالعه کردم و از آموزش‌های سیاسی-اجتماعی-مبارزاتی سازمان یاد گرفتم و تجربه کسب کردم.

من هیچ وقت یک مطلب طولانی ننوشته و آشنایی با نحوه نگارش و..... ندارم. لذا از همه کاستی‌ها و اشتباهاتی که در نگارش کتاب حاضر با آن مواجه خواهید شد، پیشاپیش معذرت می‌خواهم.

مسئولیت کلیهٔ مطالبی که در این کتاب آورده شده است برعهدهٔ من است. هر کسی مدعی این مطالب باشد، حاضر در هر دادگاه معتبری شرکت و با جزئیات و مستندات، همه موضوعات را اثبات کند.

این کتاب، تجربهٔ تلخ و طولانی من است که در دام وزارت اطلاعات رژیم افتادم. ولو با تأخیر توانستم خودم را بیرون بکشم.

این کتاب را تقدیم می‌کنم به همه کسانی که با رژیم ستمگر ایران مرزبندی دارند. با تمام توطئه‌های رژیم آگاهانه و هوشیارانه برخورد می‌کنند و تصمیم درست و به موقع می‌گیرند.

هادی ثانی خانی





## نامه هادی ثانی خانی به دبیرکل سازمان ملل

۱۴ فوریه ۲۰۲۱

### عالیجناب آنتونیو گوترز، دبیرکل سازمان ملل متحد

اینجانب «هادی ثانی خانی» ۴۱ ساله، در سال ۲۰۰۳ از ایران به ترکیه و از آنجا به عراق رفته و به سازمان مجاهدین پیوستم و به کمپ اشرف در عراق و سپس کمپ لیبرتی رفتم. در سپتامبر ۲۰۱۶ سازمان مجاهدین ترتیبات انتقال مرا به آلبانی فراهم کرد. دو ماه بعد در نوامبر ۲۰۱۶ چون نمی توانستم به مبارزه ادامه دهم، مجاهدین را ترک و نزد کمیساریا رفتم. دو هفته بعد به سفارت رژیم ایران در تیرانا رفته و از آن پس به مدت چهار سال در دامی که وزارت اطلاعات و سفارت رژیم ایران در آلبانی برایم گسترده بودند افتاده و به همکاری با مأموران رسمی اطلاعات در سفارت مانند «فریدون زندی علی آبادی» و مزدوران شناخته شده اطلاعات مانند ابراهیم و مسعود خدابنده، غلامرضا شکری و احسان بیدی و در سالهای بعد حسن حیرانی کشیده شدم. آنها مرا در توطئه های شیطان سازی، جاسوسی، جمع آوری اطلاعات و شناسایی برای اقدامات تروریستی علیه سازمان مجاهدین به خدمت گرفتند. از همان اوایل با مشاهده اعمال جنایتکارانه عوامل سفارت و وزارت اطلاعات و مزدوران آنها دچار عذاب وجدان شدم، اما در وضعیتی قرار گرفته بودم که خروج از آن برایم بسیار مشکل بود و می ترسیدم با تهدیدی که از قبل کرده بودند، به سادگی سرم را زیر آب بکنند. اما قیام آبان ماه ۹۸ و کشتار ۱۵۰۰ تن از جوانان قیام آفرین ضربه آخری بود که مرا بر آن داشت تا هر قیمتی که داشته باشد از این باند مافیایی و جنایتکار جدا شوم و تمامی ارتباطاتم را با این شبکه جهنمی قطع کنم و با پوزش از سازمان مجاهدین و پناهندگان ایرانی در آلبانی، با افشای

آنچه در این سال‌ها دیده‌ام بخشی از اعمال گذشته خودم را جبران کنم. ذیلاً بخشی از اقدامات شیطان‌سازی و جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات علیه سازمان مجاهدین که خودم در آنها مشارکت داشته و یا از نزدیک شاهد آنها بودم را به اختصار به اطلاع شما می‌رسانم و خواهشمندم دستور فرمایید کمیساریای عالی حقوق بشر اقدامات مقتضی را برای دفاع از حرمت و حقوق پناهندگان واقعی که عوامل رژیم ایران هرگز سزاوار آن نیستند، انجام دهند. من مسئولیت کامل آنچه را در زیر آمده می‌پذیرم و آماده‌ام تا در هر دادگاه یا مرجع بی‌طرفی آنها را با جزئیات و اسناد و شواهد کافی اثبات کنم:

۱ - من در ۱۹ آبان ۱۳۹۵ (۹ نوامبر ۲۰۱۶) مجاهدین را ترک کرده و خودم را به کمیساریای عالی پناهندگان در تیرانا معرفی کردم تا بدنبال زندگی شخصی‌ام بروم. از همان ماه نوامبر از سازمان مجاهدین درخواست کمک مالی کردم که آنها پذیرفتند و کمک کردند. اما در ۱۰ آوریل ۲۰۱۷ وقتی از ارتباط من با سفارت رژیم مطلع شدند، کمک مالی را قطع کردند.

۲ - چهار روز بعد از ترک مجاهدین، ابراهیم خدابنده مسئول انجمن نجات، وابسته به وزارت اطلاعات از تهران با من تماس گرفت و خارج شدن من از مجاهدین را تبریک گفت و بلافاصله برادرش مسعود خدابنده (مأمور وزارت اطلاعات، مقیم انگلستان) با من ارتباط برقرار کرد. این هر دو نفر از من خواستند که به سفارت رژیم در تیرانا مراجعه کنم. حدود دو هفته بعد به سفارت رفتم و اعلام کردم می‌خواهم به ایران برگردم. سفارت بازگشت من به ایران را مشروط به همکاری با مأموران و مزدوران اطلاعات کرد. پس از اولین مراجعه من به سفارت، مجدداً ابراهیم خدابنده از تهران روی مسنجر فیس‌بوک من نوشت:

«...در جریان قرار گرفتم که به سفارت ایران رفته‌ای، شما می‌توانید کمک زیادی بکنید. با مقاله نویسی شروع بکنید. مطالب را برای من هم بفرستید تا در سایت نجات منتشر کنیم».

من در پاسخ به شرط سفارت، مدتی با اسامی مستعار «زینال شهیدی» و

«سعید زمانی» علیه مجاهدین مقاله می نوشتم که از طریق برادران خدابنده در سایت های وزارت اطلاعات منتشر می شد. سفارت به من هر ماه ۵۰۰ یورو می داد تا کارهایی که مشخص می کرد انجام بدهم.

۳ - اولین نفری که در سفارت با او صحبت کردم خودش را حاجی معرفی می کرد که بعدها فهمیدم او فریدون زندی علی آبادی، رئیس ایستگاه اطلاعاتی رژیم بود که عنوان دبیر اول داشت. من از مزدوران شنیدم که فریدون زندی از اوایل ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ میلادی) شبکه مزدوران را علیه مجاهدین تشکیل داده بود. او با تلفن ۰۰۳۵۵۶۹۸۶۲۴۵۱ تماس می گرفت و معمولاً از واتساب استفاده می کرد. البته وایبر هم داشت. او برای ساختن این شبکه با رئیس ایستگاه وزارت اطلاعات در عراق با نام مستعار «سجاد»، در ارتباط بود و اطلاعات بریده مزدوران در آلبانی را با او مبادله می کرد. سجاد خود بعضاً مستقیماً نیز با بریده مزدوران در آلبانی تماس می گرفت. وی زمانی که در عراق بود با شماره ۰۰۹۶۴۷۷۰۸۹۰۷۹۹۸ و زمانی که به ایران می رفت با شماره ۰۰۹۸۹۳۵۷۱۳۴۴۰۱ با مزدوران در آلبانی در تماس بود. در دی ۱۳۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷) مصطفی رودکی به جای فریدون زندی به آلبانی آمد که چند ماه بعد از توطئه تروریستی علیه مجاهدین در مارس ۲۰۱۸ (فروردین ۹۷) مصطفی رودکی در دسامبر ۲۰۱۸ به همراه سفیر رژیم از آلبانی اخراج شد.

۴ - در اوایل ۲۰۱۷ (بهار ۱۳۹۶)، زندی مرا مأمور کرد که اطلاعات اماکن مختلف مجاهدین را جمع آوری کرده و از آنها عکس و فیلم تهیه کنم. من بیش از ۳۰۰ عکس و چندین قطعه فیلم از مراکز مجاهدین تهیه کردم. زندی تاکید می کرد باید مکان خانم رجوی و مسئولین مجاهدین را در بیاوری و اینکه چندتا محافظ دارند. دو مزدور دیگر منوچهر عبدی و سعدالله سیفی در این مأموریت با من همراه بودند.

۵ - در اسفند ۱۳۹۵ مرا سرشبکه گروهی از مزدوران کردند. وظیفه این مزدوران مقاله نویسی علیه مجاهدین بود. موضوعات و محورهای مقالات

را زندی و یا برادران خدابنده مشخص می کردند. مطالبی که مزدوران می نوشتند، را به سایت های وزارت اطلاعات مانند انجمن نجات، سایت فراق، سایت راه نو، ایران اینترلیک (متعلق به مسعود خدابنده)، کانون آوا (متعلق به علی اکبر راستگو در آلمان)، سایت «فرقه ها» در پاریس و مزدورانی مثل محمدکرمی و سایرین منتقل می کردم.

۶ - یکی از مأموریت هایی که زندی به ما داد این بود که نفراتی را که در سازمان سابقه بیشتری دارند جذب و اطلاعات بیشتری از مجاهدین کسب کنیم؛ در همین رابطه سفارت بریده ای بنام «هادی ناصری مقدم» را بکار گرفت تا با یکی از بریده هایی که سابقه بیشتری در مجاهدین داشت ارتباط برقرار کرده و ترتیب ملاقات او با زندی را بدهد. هادی ناصری با نام مستعار «اکبر حسنی» علیه مجاهدین مطلب می نوشت. او پس از چند سال مزدوری و اثبات سرسپردگی، شنیدم که در ۲۴ آبان ۱۳۹۹ (۱۳ نوامبر ۲۰۲۰) از بوسنی به ایران رفت و در آذر ۱۳۹۹ سایت های وزارت اطلاعات مصاحبه و عکس های او در ایران را منتشر کردند.

۷ - مزدوران رژیم در البانی به دو دسته تقسیم می شوند، افرادی که به صورت علنی با سفارت ارتباط دارند و بایستی سرسپردگی خود به وزارت اطلاعات را ثابت کنند تا با رفتن آنها به ایران موافقت شود. برخی از این نفرات عبارتند از عظیم میش مست، منوچهر عبدی، سعد الله سیفی، غلامعلی میرزایی، موسی دامرودی، پرویز حیدرزاده، رحمان محمدیان و علی هاجری. این نفرات هر ماه ۵۰۰ یورو موجب از سفارت می گرفتند.

طبق دستورات سفارت این مزدوران موظفند حداقل یک حساب کاربری در فیسبوک و اینستاگرام ایجاد کنند و هر ماه ۱۲مطلب علیه مجاهدین تولید و منتشر کنند و موضوعاتی را که سفارت یا وزارت اطلاعات مشخص می کند، بصورت زنجیره ای باز نشر کنند.

دسته دوم نفراتی که غیرعلنی برای سفارت و ایستگاه اطلاعات به جاسوسی و جمع آوری اطلاعات و شناسایی مراکز مجاهدین کار می کنند. این مزدوران

ماهانه ۳۰۰ یورو می گیرند و اگر کارهای بیشتری انجام دهند به آنها پول بیشتری می دهند. افرادی مثل رئوف فرامرزی، محمد تورنگ، باقر محمدی، رضا مزگی، خلیل انصاریان، منصور براهویی و..... در این شمار بودند. برخی از مزدوران مانند محمد تورنگ و رئوف فرامرزی و هادی ناصری تظاهر به ضدیت با رژیم می کردند. و پس از مدتی بدون اطلاع به نزدیکترین دوستان خود به ایران رفتند. باقر محمدی و رضا مزگی و خلیل انصاریان و منصور براهویی در حالی که هنوز از مجاهدین کمک هزینه می گرفتند مخفیانه برای سفارت کار می کردند. اما وقتی مجاهدین از روابط مخفی آنها با سفارت مطلع شدند، کمک خود را به آنها قطع کردند.

۸- برای یک دوران موجب بخشی از مزدوران را در سفارت و یا در مغازه هایی که شرایط امنیتی آن از قبل چک می شد، به من پرداخت می کردند و من آنها را بین نفرات توزیع می کردم. این مبلغ هر ماه حداقل ۱۵ هزار یورو بود. در آوریل ۲۰۱۷ زندگی به من اطلاع داد که برای گرفتن پول ماهانه افراد شبکه سر قرار او در «مجموعه تجارتي تگ» بروم و خواست از قبل محلی را در این مجموعه انتخاب کنم که دورین نداشته و از نظر امنیتی مناسب باشد. با محل خوردن قهوه در کافه ای که در جلوی فروشگاه ZARA قرار داشت رفتیم و او مبلغ ۱۵۰۰۰ یورو را در پاکتی به من تحویل داد. او هم چنین یک پاکت حاوی ۸۰ عدد سی دی را هم با خودش آورده بود که به من تحویل دهد.

با هم داخل فروشگاه ZARA شده و هر یک پیراهنی انتخاب کرده و به اتاق پرو رفتیم و آنجا زندگی سی دی ها را در کیف من گذاشت. این سی دی ها شامل تبلیغات وزارت اطلاعات برعلیه رهبری مجاهدین بود. تا مدت ها کار من ارسال پستی این سی دی ها بود. با توجه به اینکه ارسال یک باره آنها شک برانگیز بود، هر بار ۱۰ عدد سی دی را برای پارلمانترها، خبرنگاران و... پست می کردم. در جریان این کار متوجه شدم که علی اکبر راستگو (مزدور وزارت اطلاعات در آلمان) و سایر مزدوران نیز دست اندرکار توزیع همین

سی دی یا سی دی‌های مشابه علیه مجاهدین در کشورهای مختلف هستند. من باید هر روز به راستگو گزارش می‌دادم که چه تعداد سی دی به چه کسانی ارسال کرده‌ام. در این ماجرا روشن شد که مسعود خدابنده در انگلستان، علی راستگو در آلمان و ابراهیم خدابنده در ایران مستقیماً با سفارت رژیم در آلبانی ارتباط دارند و کارهایشان علیه مجاهدین در آلبانی را هماهنگ می‌کنند.

۹ - اسامی و مأموریت‌های و شماره تلفن برخی از مزدوران در ارتباط با وزارت اطلاعات از طریق سفارت رژیم ایران در آلبانی به قرار زیر است:

• **غلامرضا شکری** - حدوداً از ۱۳۹۵ با سفارت در آلبانی مرتبط است. او با تلفن ۰۰۳۵۵۶۹۹۳۴۷۵۷۵ با داخل و سفارت رژیم ارتباط می‌گرفت. او هم چنین از طریق خواهرش بنام «ماریا» به وزارت اطلاعات در داخل وصل است. ماریا ماهانه حدود دو میلیون تومان از وزارت اطلاعات دریافت می‌کرد. غلامرضا شکری به دلیل کارهای خلاف قانون در شهریورماه ۱۳۹۹ (سپتامبر ۲۰۲۰) در آلبانی دستگیر و زندانی شد.

• **عبدالرحمان محمدیان** - از سال ۱۳۹۶ از طریق سفارت با وزارت اطلاعات همکاری می‌کند و شماره تلفن او ۰۰۳۵۵۶۹۷۸۳۹۵۸۰ بود.

• **علی هاجری** - از ۱۳۹۷ با وزارت اطلاعات ارتباط دارد. خواهر او بنام «شهبین هاجری» و برادرش بنام «محمود هاجری» از مأموران وزارت اطلاعات در ایران هستند. شماره تلفن او ۰۰۳۵۵۶۹۸۷۷۷۹۷۸ بود.

• **مالک بیت مشعل** - از اواسط ۱۳۹۶ در ارتباط با سفارت و وزارت اطلاعات و به نوشتن مقاله و انتشار اکاذیب علیه مجاهدین مشغول شد. شماره تلفن او ۰۰۳۵۵۶۹۳۳۳۰۱۴۳ بود.

• **حسن شهباز** - از ۱۳۹۷ در سفارت به خدمت وزارت اطلاعات در آمد و مأموریت او نوشتن مقاله و شیطان‌سازی در فیسبوک و سایت‌ها است. شماره تلفن او ۰۰۳۵۵۶۹۹۷۴۴۵۷۶ بود.

• **پرویز حیدرزاده** - از اواسط ۱۳۹۶ در ارتباط با وزارت اطلاعات قرار گرفت. مأموریت او، مصاحبه و نوشتن مقالات علیه مجاهدین و ارتباط با انجمن

نجات در وزارت اطلاعات است. شماره تلفن او ۰۰۳۵۵۶۹۷۷۹۲۷۲۸ است.  
• **رضا اسلامی** - از ۱۳۹۶ در ارتباط قرار گرفت و شماره تلفن او ۰۰۳۵۵۶۹۲۱۰۲۸۹۶ است.

• **موسی دامرودی** - از ۱۳۹۷ به خدمت مشغول شد. او در ارتباط فعال با تلویزیون "مردم تی وی" و یک مأمور اطلاعات به نام پارسا سربی است. شماره تلفن دامرودی ۰۰۳۵۵۶۹۵۶۲۲۴۹۹ بود.

• **احسان بیدی** - از اولین مزدوران اطلاعات در آلبانی است. او در سال ۱۳۹۱ خود را در لیبرتی به نیروهای عراقی تسلیم کرد و به هتل مهاجر بغداد که زیر کنترل سجاد رئیس ایستگاه وزارت اطلاعات رژیم در عراق بود، منتقل شد. وی در مهر ۹۲ با یک پاسپورت ایرانی به آلبانی منتقل شد. او در ارتباط با زندی قرار گرفت و هر ماه هزار یورو از سفارت دریافت می کرد. شماره تلفن احسان بیدی ۰۰۳۵۵۶۹۲۵۹۲۴۳۹ بود.

۱۰ - من در بهمن ۱۳۹۷ چون دیگر از همکاری با رژیم به ستوه آمده بودم تصمیم به خروج از آلبانی گرفتم. اما در کروواسی دستگیر و مجبور به بازگشت به آلبانی شدم. سفارت رژیم ایران مرا توییح کرد و خودم و خانواده ام را تهدید جانی کردند. آنها از من خواستند با اسم واقعی خودم علیه مجاهدین مصاحبه کنم که بصورت گسترده در سایت های وزارت اطلاعات منتشر شد. از آن تاریخ سفارت مرا از سرشبهه بودن کنار گذاشت و این نقش را به حسن حیرانی و اگذار کرد.

۱۱ - حسن حیرانی در فروردین ۱۳۹۷ به دلیل شک اطلاعاتی - امنیتی از سازمان مجاهدین اخراج و در فاصله بسیار کوتاهی در شبکه جاسوسی رژیم در آلبانی جا گرفت. بعد از اخراج سفیر و رئیس ایستگاه اطلاعاتی رژیم در آلبانی در آذر ۱۳۹۷، حسن حیرانی در ارتباط مستقیم با وزارت اطلاعات در تهران قرار داشت. او از شماره تلفن های متعددی برای ارتباط با مزدوران و وزارت اطلاعات و سفارت استفاده می کند. یکی از این تلفن ها شماره ۰۰۳۵۵ ۶۹۹۵۱۶۴۳۵ بود. حیرانی ۱۵۰۰ یورو حقوق ثابت ماهانه از وزارت

اطلاعات می گیرد. علاوه بر این او برای هزینه های کافه ای هم که به دستور وزارت اطلاعات به مثابه پاتوق مزدوران راه انداخته، هرماه ۱۵۰۰ یورو از وزارت اطلاعات دریافت می کند. و اگر هزینه دیگری هم داشته باشد به وزارت اطلاعات صورت حساب می دهد و پول دریافت می کند.

۱۲- در دسامبر ۲۰۱۸ بعد از اخراج مصطفی رودکی رئیس ایستگاه اطلاعات رژیم ایران از آلبانی، حسن حیرانی موظف شد یک مکان با پوش بزینس تهیه کند تا سرپل و مرکز ارتباطات مزدوران باشد. در مهر ۹۸ (اکتبر ۲۰۱۹) حیرانی به کمک سفارت یک «کافه» بنام «فرانک» در منطقه فرزکو تیرانا دایر کرد. تمامی هزینه های راه اندازی و اداره این کافه از جمله اجاره ماهانه محل که ۵۰۰ یورو است توسط وزارت اطلاعات پرداخت می شود. بعد از اخراج دومین سری دیپلمات های رژیم از آلبانی در دی ۱۳۹۸، موجب مزدوران مستقیماً از ایران می آمد. هر ماه وزارت اطلاعات از داخل ۲۰ الی ۲۵ هزار یورو از طریق «وسترن یونیون» برای حسن حیرانی ارسال می کرد تا به مزدوران پرداخت کند. برخی از پول ها از طریق کشورهای ترکیه-عراق-کویت ارسال می شد.

۱۳- در ۲۰۱۷ زندگی از طریق چت به من گفت می خواهیم یک سایت قوی درست کنیم که به زبان آلبانیایی هم مطالب را منتشر کند. او از من خواست که هزینه تاسیس و اداره آن را برآورد کنم. من با کمک یکی از بریده ها این برآورد را انجام دادم اما زندگی آن را منتفی کرد و به جای آن سایت «نجات یافتگان در آلبانی» راه انداختند. این سایت توسط علی اکبر راستگو، مأمور وزارت در آلمان اداره می شود و در کارلسروهه در آلمان به ثبت رسیده است. (اسناد آن موجود است). علاوه بر راستگو مزدورانی مانند محمد کرمی و محمد حسین سبحانی برای این سایت کار می کنند.

۱۴- سایت «نجات یافتگان در آلبانی» و سایت های دیگری که علیه مجاهدین کار می کنند، تحت نظارت مستقیم وزارت اطلاعات، توسط مزدورانی مانند محمد کرمی، محمد حسین سبحانی، علی اکبر راستگو،



مسعود خدابنده و..... اداره می شوند . آنها موضوع و محورهای مقالات را مشخص می کنند و مزدوران در آلبانی می نویسند. اداره کنندگان سایت ها نسبت به سایر مزدوران حقوق بسیار بیشتری از اطلاعات دریافت می کنند. ۱۵ - زندی به من گفت پارسا سربی گرداننده تلویزیون اینترنتی "مردم تی وی" نفر ما و مجری کارهایی است که از طریق راستگو و محمد کرمی برای او مشخص می کنیم . وزارت اطلاعات موجب سربی را از طریق راستگو می پردازد. سفارت رژیم در تیرانا ترتیب مصاحبه بریده مزدوران با این تلویزیون را می داد. کرمی و راستگو اسامی مزدورانی را که سفارت مشخص می کرد از یک هفته قبل همراه با سؤالات به سربی می دادند. سؤالات و پاسخ ها را هم به بریده مزدور مورد نظر می دادند تا برای روز مصاحبه حفظ کند یا از رو بخواند. سربی از قبل آگهی می کرد . در این مصاحبه ها، همه چیز حتی کلمات نیز توسط مأموران وزارت اطلاعات مشخص می شد و مزدوران همه آن حرف ها را علیه مجاهدین می گفتند.

۱۶ - یکی از شرایط وزارت اطلاعات برای تایید برگشت بریده مزدور به ایران مصاحبه با سربی بود. سفارت رژیم توجیه و آماده کردن مزدور منوچهر عبدی را به من واگذار کرد و نتیجه کار برای وزارت خوشآیند بود و پس از آن با رفتن عبدی به ایران موافقت کردند. پس از این مصاحبه، زندی مسئولیت انتخاب بریده ها برای مصاحبه با سربی را به عبدی واگذار کرد و او تا زمان رفتن به ایران، در ارتباط با محمد کرمی و علی اکبر راستگو این کار را انجام می داد. با توجه به اینکه تعداد نفراتی که بطور آشکار حاضر به مزدوری بودند زیاد نبود، لذا مجبور بودیم هر نفر را چندین بار برای مصاحبه بفرستیم. متأسفانه خود من در فوریه ۲۰۱۹ با این تلویزیون مصاحبه کردم. بعد از مصاحبه از وزارت با من تماس گرفته و از مصاحبه ابراز رضایت کردند. ارزیابی سفارت رژیم در آلبانی این بود که یک مصاحبه با سربی به اندازه چند مقاله در ماه است و این را نیز در پرداخت پول به مزدوران محاسبه می کردند. مأموران اطلاعاتی مستقر در سفارت برای تشویق بریده ها به

مصاحبه، پرداختی ماهانه به آنها را افزایش می دادند و حتی به من می گفتند کسی که در ماه یک یا دوبار با سربی مصاحبه می کند ارزشش بیشتر از کسی است که ۱۲ مقاله در سایت می نویسد.

۱۷ - در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۰ حیرانی با سربی مصاحبه داشت. موضوع مصاحبه در رابطه با نامه نگاری خانواده های مجاهدین به دولت آلبانی برای ملاقات با نفرات اشرف در آلبانی بود. صبح همان روز مأمور اطلاعات از تهران به حیرانی که در کافه بود زنگ زد و او را توجیه کرد. حسن حیرانی نکات توجیهی را یادداشت می کرد تا همان ها را در مصاحبه با سربی بگوید.

۱۸ - موضوعاتی که سفارت و وزارت به صورت سوال و جواب برای مصاحبه با سربی یا به صورت محور برای نوشتن مقاله در سایت های وزارت اطلاعات می فرستاد، شامل موارد زیر بود: شکنجه ناراضیان، نبودن آزادی در مناسبات مجاهدین، شستشوی مغزی، اعتراف به موضوعات و لحظات جنسی، قطع روابط با دنیای بیرون، طلاق های اجباری، قتل های مشکوک در درون مجاهدین، کشتن اکراد و شیعیان در عراق، گرفتن پول از آمریکا و اسرائیل و عربستان و این که اطلاعات اتمی خود را هم از اسرائیل گرفته اند و هیچ پایگاه و پشتیبانی مردمی در ایران ندارند.

۱۹ - من که حدود ۱۴ سال در مناسبات مجاهدین بودم می دانستم که یک کلمه از این حرف ها واقعیت نداشت و این دروغگویی مستمر یکی از موضوعات عذاب وجدان من بود. بخصوص که سر شبکه بودم و ارتباطات مزدوران را برقرار می کردم و احساس می کردم که گناه بزرگی مرتکب می شوم. من به عنوان یک شاهد زنده می توانم در هر دادگاهی شهادت بدهم که این مصاحبه ها و مقاله ها تماما طرح و برنامه وزارت اطلاعات می باشد. من شاهد بودم که همه این دروغ ها توسط وزارت به بریده مزدورها دیکته می شد و آنها در سایت ها و تلویزیون های دست ساز اطلاعات تکرار می کردند.

۲۰ - مسعود خدابنده و زنش ان سینگلتون خدابنده نقش اصلی در توجیه

و اعزام خبرنگار به آلبانی و مصاحبهٔ مزدوران با این خبرنگاران را داشتند. او برای این کار مزدوران محلی مانند اولسی یازچی را بکار می گرفت. خداینده مرا به اولسی یازچی وصل کرد.

۲۱ - در نوامبر ۲۰۱۷ زندگی به من پیام داد که «آن سینگلتون» به تیرانا آمده است و تو باید بریده‌ها را پیش او ببری تا از شکنجه‌ها و نبودن آزادی در مناسبات مجاهدین و طلاق اجباری مفصل توضیح بدهند. من چند نفر از جمله منوچهر عبدی، سعدالله سیفی، هادی ناصری مقدم، غلامرضا شکری و برخی دیگر را در رستوران فروشگاه تاپفونی به ملاقات سینگلتون بردم. او با برخی از آنها که روابطشان با سفارت علنی بود عکس گرفت و در سایت‌های وزارت منتشر شد. سینگلتون آنها را تشویق به افشاگری بیشتر می کرد. وی بعداً جداگانه با احسان بیدی نیز ملاقات کرد و عکس گرفت. سینگلتون ۴ روز در هتل اینترنشنال ساکن بود و زن اولسی یازچی او را همراهی می کرد.

۲۲ - در تیرماه ۹۷ (ژوئیه ۲۰۱۸) وزارت اطلاعات مزدور مصطفی محمدی را به مدت سه ماه به همراه همسرش به آلبانی فرستاد تا برعلیه مجاهدین اقدام کند. از طرف سفارت حیرانی موظف شد به او کمک کند. سفارت برای او وکیل هم گرفت.

این مزدور که رابطه نزدیکی با وزارت اطلاعات در ایران و در کانادا دارد در مدتی که در آلبانی بود، با مسعود خداینده ارتباط فعال داشت. سفارت همه هزینه‌های اقامت چندماهه او و دستمزد وکیل را که بگفته حیرانی حداقل ۳۰۰۰۰ یورو می شد، تماماً به صورت نقد می پرداخت.

۲۳ - در سپتامبر ۲۰۱۸ از سفارت به ما گفتند که خبرنگار اشیپگل به آلبانی خواهد آمد و برای مصاحبه نزد او بروید. خبرنگار مذکور یک خانم ۳۰ساله بنام لویزا هومریش بود که بعداً فهمیدم در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در دانشگاه تهران در زمینه معارف اسلامی درس خوانده و با بسیجیان رژیم نیز مرادواتی داشته است. با تعدادی از بریده‌های مرتبط با سفارت در

محیط رمسا واقع در میدان زاگوزی در کافه‌یی جمع شدیم و با خبرنگار اشپیگل ملاقات کردیم و هر کدام براساس توجیهات قبلی دروغ‌هایی علیه سازمان گفتیم. ارتباط من با این خبرنگار تا سه ماه بعد نیز ادامه داشت و هر ازگاهی سئوالاتی در باره سازمان مجاهدین می‌کرد و من هم از سفارت سوال می‌کردم و به او پاسخ می‌دادم.

گزارش اشپیگل در تاریخ ۲۷ بهمن ۹۷ (۱۶ فوریه ۲۰۱۹) تحت عنوان «زندانیان شورش» منتشر شد، جالب اینکه قسمتی از این گزارش دو ماه و نیم قبل از آن در پنجم آذر ۹۷ به صورت مصاحبه با غلامرضا شکری در سایت «انجمن نجات استان کرمانشاه» با عنوان «سرگذشت غم‌انگیز یک بریده» منتشر شده بود.

۲۴- در ۳ سپتامبر ۲۰۲۰ به مناسبت سالگرد جنگ رژیم با عراق، مسعود خدابنده خبر داد که با تلویزیون بی بی سی هماهنگ کرده تا در این رابطه با غلامعلی میرزایی (که اسیر جنگی بود) مصاحبه کند. میرزایی از اوایل ۱۳۹۷ در ارتباط با سفارت و وزارت اطلاعات بوده و علیه مجاهدین مقاله می‌نوشت و با خبرنگاران مصاحبه می‌کرد و مترجم بقیه هم بود.

من که با وی در یک خانه زندگی می‌کردم شاهد بودم که روز ۴ سپتامبر قبل از انجام مصاحبه، مسعود خدابنده او را پیرامون موضوعاتی که باید بگوید، توجیه کرد و تاکید کرد که روی موضوعاتی حرف بزند از قبیل اینکه در اردوگاه اسرا در عراق مرا گول زدند و بدون اطلاع صلیب سرخ به اشرف بردند و ۳۰ سال اجازه ندادند خانواده‌ام را ببینم. او در این مصاحبه که لازمه موافقت وزارت برای رفتنش به ایران بود، هرچه می‌توانست دروغگویی و یاهو بافی کرد تا رفتنش به ایران تسریع بشود. شماره تلفن غلامعلی میرزایی که با وزارت و بریده‌ها ارتباط می‌گرفت ۰۰۳۵۵۶۹۹۵۱۶۴۹۹ بود. پنج ماه پس از این مصاحبه، سایت‌های وزارت اطلاعات اعلام کردند که میرزایی به ایران برگشته است.

۲۵- مزدوران محلی - در مدتی که من با سفارت و وزارت کار می‌کردم،

با شماری از مزدوران محلی رژیم آشنا شدم. یکی از این مزدوران اولسی یازچی Olsi Jazexhi بود. وی ۴۲ ساله است. او در کوالالامپور (مالزی) رشته ارتباطات جمعی درس خوانده است و تحت پوشش روزنامه نگار و مقاله نویس از قدیم برای رژیم ایران کار می کند. زمانی که من سرشیکه مزدوران بودم یازچی بیشترین ارتباط را با من داشت. او سایتی بنام ایمپکت داشت که اولین بار در مهرماه ۱۳۹۶ (سپتامبر ۲۰۱۷) با عبدی و بیدی مصاحبه کرد.

در بهمن ۱۳۹۶ مسعود خداینده به من گفت نفرات مناسب را برای مصاحبه با تلویزیون تاپ چنل آماده کن. بعداً فهمیدم همه هماهنگی ها را اولسی یازچی از طریق یک خانم خبرنگار انجام داده است. خداینده همه خبرنگاران خارجی را که به آلبانی می فرستاد به یازچی وصل می کرد و از طریق او خطوط وزارت اطلاعات را پیش می برد.

پس از اخراج سفیر رژیم از آلبانی، ارتباطات خداینده با یازچی زیادتز شد و او مرتب به کافه فرانک متعلق به حسن حیرانی تردد داشت و همانجا با مزدوران مصاحبه می کرد. زن یازچی نیز به عنوان وکیل مزدوران فعالیت می کرد.

جرجی تاناسی Gjergji Thanasi مزدور دیگر آلبانیایی رژیم است. تاناسی علاوه بر ارتباطات مستمر با سفارت و مزدور خداینده، مرتباً به ایران سفر می کند و خط و خطوط کار علیه مجاهدین را مستقیماً می گیرد. تصاویر او در مقرات پاسداران و کنار نفربرهای زرهی سپاه پاسداران در تهران وجود دارد. تاناسی را چند بار در «کافه» حیرانی دیدم و با او صحبت کردم. او به غایت پول پرست است و به خاطر پول حاضر بود هرکاری انجام بدهد و اهداف رژیم آخوندی را پیش ببرد. اکثر مواقع به «کافه» می آمد و با بریده ها صحبت می کرد.

حسن حیرانی در گفتگوی خصوصی به من گفت جرجی تاناسی و اولسی

یازچی هرماه بیش از ۱۰۰۰ یورو از رژیم پول می‌گیرند و بارها من خودم این پول را در پاکت گذاشته و در خانه شان به آنها تحویل داده‌ام. مطالب او کلیشه‌ای از مطالب مسعود خدابنده و وزارت اطلاعات بود که در فیسبوک و فضای مجازی می‌گذاشت. ضمن اینکه آنها همه کارهای غیر قانونی حسن حیرانی و احسان بیدی و غلامرضا شکری را رفع و رجوع می‌کردند. من برای هرگونه توضیحات ضروری و افزوده در دسترس شما هستم.

با تقدیم احترام

هادی ثانی خانی

۱۴ فوریه ۲۰۲۱

### رونوشت :

- کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد
- کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد
- دبیرکل سازمان عفو بین الملل
- فدراسیون بین المللی جوامع حقوق بشر
- گروه دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا
- وزیر کشور و مدیر کل پلیس آلبانی
- شورای ملی مقاومت ایران کمیسیون امنیت و ضدتروریسم

14 فوریه 2021

عالیناب آنتونیو گوترز دبیر کل سازمان ملل محترم

ایجنده هادی ثانی خانی / 11 ساله در سال 2013 از ایران به ترکیه و از آنجا به عراق رفته و به سازمان مجاهدین میوستم و به کمپ اشرف در عراق و سپس کمپ لیبی رفتیم در سپتامبر 2015 سازمان مجاهدین ترتیبات انتقال من را به آلبانی فراهم کرد دو ماه بعد در نوامبر 2015 چون نمی توانستم به مبارزه ادامه دهم مجاهدین را ترک و نزد کیسا رفتم دو هفته بعد به سفارت رژیم ایران در قطر رفتم از آن پس به مدت چهار سال در دمامی که وزارت اطلاعات و سفارت رژیم ایران در آلبانی برای من گمرک بودند امتحان و به همکاری باها موافق روسی اطلاعات در سفارت مانند نر بیرون زدن علی آبادی و نزدوران شناخته شده اطلاعات مانند ابراهیم و مسعود خداندی ، غلامرضا سلمی و احسان بیری و در سالهای بعد حسن حیلانی سید همدان نام در توطئه های سیلان سازی - جاسوسی - جمع آوری اطلاعات و سانسائی برای اقدامات تروریستی علیه سازمان مجاهدین به خدمت گرفتند .

از همان اوایل با شاهده اعمال جنایتکارانه عوامل سفارت و وزارت اطلاعات و فردوران آنها دچار عذاب وجدان شدم اما در وضعیت تکرار گرفته بودم که خروج از آنجا برای من مشکل بود وی ترسیدم با تهدید می کرد که از قبل کرده بودند به سادگی سرگراز زیر آب کنند اما تیار آنجا ماه 98 و شماره 501 تن از جوانان تیار آفرین صبر به آخری بود که مرا به آن دانت تاهر قیمتی که در دستم باشد از این باند مانیکی <sup>و جنایتکار</sup> چه اثم و عاصی ارتبا طلام را با این شبکه جنینی قطع کنم و با پیوزش از سازمان مجاهدین و بنها هندوک ایران در آلبانی با اتمائی آنچه در این سالها دیده ام سختی از اعمال گذشته خود را جبران کنم .  
ذیلا نمی از اقدامات سیلان سازی و جاسوسی و جمع آوری اطلاعات علیه سازمان مجاهدین که خودم در آنها شرکت داشتم و یا از نزدیک شاهد آن بودم را به اختصار به اطلاع شاهی رسانم و خواهش می کنم که دستور فرمایید کیساریای عالی حقوق بشر اقدامات مقففی را برای دفاع از حرمت و حقوق پناهندگان واقعی که عوامل رژیم ایران هرگز سزاوار آن نیستند انجام دهند عن مسکوت کامل آنچه را در زیر آمده



ی پیویر کوه آه، ره آه در هر دادگاه و یا مرجع بی طرفین آنها را با فرضیات و اسناد و شواهد کافی اثبات  
 کنم.

1- من در 19 آبان 1395 (9 نوامبر 2016) بمبهدین را ترک کرده و خودک را به کمیساریای عالی  
 پناهندهگان در تیرانا معرفی تا به دنبال زندگی شخصی خود بروم و از ماه نوامبر از سازمان بمبهدین  
 درخواست کمک مالی کردم و آنها نیز بر تهنه رنجگم کردند و اسامی 15 آذر 2017 وقتی  
 از ارتباط من با سفارت رژیم مطلع شدند کمک مالی را قطع کردند

2- چهار روز بعد از ترک بمبهدین ابراهیم خداینده مسئول امنیتی محلات وابسته به وزارت  
 اطلاعات از تهران با من تماس گرفت و خارج شدن من از بمبهدین را تبریک گفت و بلافاصله  
 برادرش سعید خداینده (مسئول وزارت اطلاعات متعمق انگلیس) با من ارتباط برقرار کرد این  
 هر دو نفر از من خواستند که به سفارت رژیم در تیرانا مراجعه کنم حدود دو هفته بعد به سفارت رژیم  
 و اعلام کرد که میخواهم به ایران برگردم سفارت بازگشت من به ایران را فقط به همکاری با مأموران  
 و مزدوران (اطلاعات) کرد پس از این مراجعه من به سفارت مجدد ابراهیم خداینده از تهران بیرون  
 مسیبر منین بوک من نوشت در جریان قرارگیری آگاه سفارت ایران رفته ای تمامی توانی کمک  
 زیادی کنی با مقاله نویسی شروع کنی مطالب را برای من بنویسی تا در سایت محلات نشر کنیم من در  
 پاسخ به شروط سفارت مدعی باشم سفار ژنیال سهید تمام سعید زمانی علیه بمبهدین مقاله  
 مانتوسم که از طریق سرداران خداینده در سایت های وزارت اطلاعات نشر می شود.

سفارت همراه به من 500 یورو مادیار تا کارهایی که میخواهم میگردانم میگردانم بگیرم.

3- اولین ترمی که در سفارت با او صحبت کردم خودش را حامی من میگردانم که بعد همانند آنکه  
 او فریبون زندگی علی آباوی است که رئیس اطلاعات رژیم بود که عنوان دبیر اول داشت  
 من از مزدوران شنیدم که فریبون ژنیال از اوایل 1394 (2014) شبکه مزدوران را علیه  
 مجاهدین تشکیل داده بود او با تلفن +355 569 86 245 00 تماس میگرفت و سعید  
 1: واتساپ استفاده می کرد البته و این هم داشت او برای ساختن این شبکه با من ارتباط داشت.



وزارت اطلاعات در عراق بانام مستعار «لا معاد» در ارتقا طیود و اطلاعات بریده مزدوران در آلبانی را با او مبادله میکرد. سجاد خود عیناً مستقیماً نیز با بریده مزدوران در آلبانی تماس میگرفت وی زمانی که در عراق بود با شماره ۰۵۹۸۹۳۵۷۱۳۴۴۰۱ با مزدوران در آلبانی در تماس بود در آذر ۱۳۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷) مصطفی رودکی به جای فریدون زندی به آلبانی آمد که چند ماه بعد از توسط تئوریستی علیه مجاهدین در مارس ۲۰۱۸ در دسامبر ۲۰۱۸ به همراه سفیر ایران در آلبانی افراج شد.

۴- در اوایل ۱۳۹۶ (بهار ۲۰۱۷) زندی اما مورد کرد که اطلاعات اماکن مجاهدین را جمع آوری کرده و از آنجا عکس و فیلم تهیه کنم من پس از ۳۵۵ عکس و چندین حقه فیلم از مراکز مجاهدین تهیه کردم زندی تأکید داشت باید مکان خانم رجوی و مسئولین مجاهدین را در پیآوری و اینکه چندتا محافظ دارند و فرودوردیگر منو میپرهیزی و بعد از آن منی در این مأموریت با من همراه بودند.

۵- در اسفند ۱۳۹۵ مراسم شبکه کردهای از مزدوران کردند و طی این مقاله من مقاله نویسی علیه مجاهدین بود مضمونهای متفاوتی مقالات را زندی و یا برادران خواننده منحن می کردند مطالبی که مزدوران می نوشتند را به سایت های وزارت اطلاعات مانند این چنین بجات سایت فراف - سایت راه نو - ایران اینترنیک (معلق به مسعود خواننده) - کانون آوا معلق به (علی ابرار استکو) در آلمان سایت فرقه ها در پاریس و فرودانی مثل ممدکوی و سایرین منتقل می کردند.

۶- یکی از مأموریت های که زندی به ماداد این بود که فزائی که در سازمان سایه بستری دارند جذب و اطلاعات بستری از مجاهدین کسب کنیم در این رابطه سفارت بریده ملی به نام هادی مامری مقدم را یکبار گرفت تا با یکی از بریده های که سایه بستری در مجاهدین داشت

ارتباط برقرار کرده تا ترتیب ملاقات او با زندگی را بر حد هادی ناصری با اسم مستعار اکبر  
حنی علیه مجاهدین مطلب می نوشت او پس از چند سال نزدی و اثبات سرسپردگی  
شاید که در 24 آبان 1399 (14 اکتبر 2020) از جوسی به ایران رفت  
و در آذر 1399 سایه ای وزارت اطلاعات مصاحبه و عملهای او در ایران را منتشر کردند.

7- فردوان رژیم در آلبانی به دو دسته تقسیم می شوند افرادی که به صورت علنی با سفارت

ارتباط دارند و بایستی سرسپردگی خود به وزارت اطلاعات را اثبات کنند تا با رئیس آنها  
به ایران موافقت شود بر طرف از این نفقات عبارتند از - عظیم مسین مت - مؤید میری  
محمدالله بیگی - غلامعلی میرزائی - پرویز حیدرزاده - موسی دامودی در مکان محمدیان

و علی حاجی این نفقات هر ماه 500 یورو مواجیب از سفارت می گرفتند مبلغ دستورات  
سفارت این فردوان موظفند حداقل یک حساب کاربری در فیس بوک یا اینستاگرام  
ایجاد کنند و هر ماه 12 مطلب علیه مجاهدین تولید و منتشر کنند موضوعاتی روزگزارت اطلاعات  
مستحق می کند بصورت زنجیره ای باز نشر کنند.

دسته دوم نفقاتی که غیر علنی برای سفارت و ایستگاه اطلاعات به جاسوسی و جمع آوری

اطلاعات و شناسائی مراکز مجاهدین کار میکنند این فردوان ماهیانه 300 یورو  
میکوبندند و اکثر کارهای بیتری آنها آگهی حقوق بیتری میکنند افرادی مثل رفوف  
مرازمی - محمدتورنگ - باقر محمدی - رضا فرخی - خلیل اضاریان - منصور برادرئی

در این شمار بودند برخی از فردوان مانند محمدتورنگ - رفوف مرازمی و هادی ناصری  
تلاش به ضدیت با رژیم میکنند و پس از مدتی بدون اطلاع با نزدیک ترین دوستان  
خود به ایران رفتند باقر محمدی - رضا فرخی - خلیل اضاریان - منصور برادرئی

در حالیکه هنوز از مجاهدین کمک مالی می گرفتند مخفیانه برای سفارت کار می کردند.

- علامه ضاکری - حدوداً از 1395 با سفارت در آلبانی مرتبط است او با شماره تلفن 00355699347575 با داخل و سفارت رژیم ارتباط می گرفت. او همچنین از طریق خواهرش ماریا به وزارت اطلاعات در داخل و صلات ماریا ماهانه حدود 2 میلیون تومان از وزارت اطلاعات دریافت می کرد علامه ضاکری بدلیل کارهای خلاف قانون در شهر بورما 1399 (تپامبر 2020) در آلبانی دستگیر و زندانی شده.
- عبدالرحمان مهدیان از سال 1396 از طریق سفارت با وزارت اطلاعات همکاری داشته و شماره تلفن او 00355697839580 بود.
- علی حاجری - از سال 1397 با وزارت اطلاعات ارتباط دارد خواهر او بنا آسین حاجری و برادرش به نام محمود حاجری از مأموران وزارت اطلاعات در ایران هستند شماره تلفن او 00355698777978 بود.
- مالک بیت مشعل - از سال 1396 در ارتباط با سفارت و وزارت اطلاعات و به نوشتن مقاله و انتشار اکاذیب علیه مجاهدین مسئول نشر شماره تلفن او 00355693330143 بود.
- گلشن شهباز - از 1397 در ارتباط با سفارت و وزارت اطلاعات در آلود و مأموریت او نوشتن مقاله و تسلان سازی در فیسبوک و سایر ات شماره تلفن او 00355699744576 بود.
- پرویز حیدرزاده - از اواسط 1396 در ارتباط با سفارت و اطلاعات قرار گرفت مأموریت او مصاحبه و نوشتن مقالات علیه مجاهدین و در ارتباط با انجمن غبات در وزارت اطلاعات است شماره تلفن او 00355697792728 بود.
- رضا اسلامی از سال 1396 در ارتباط قرار گرفت و شماره 00355692102896 است

اما وقتی مجاهدین از روابط منفی آنها با سفارت مطلع شدند، خود را به آنها مطلع کردند.  
8- برای یک دوران مواجبت بخشی از مزدوران را در سفارت و یا در مغازه‌های کمی که شرایط  
امنیتی آنها از قبل چک می‌شد به من پرداخت می‌کردند و من آنها را به مغزات توزیع می‌کردم.  
این مبلغ هر ماه 5 هزار یورو بود در آوریل 2017 زنی به من اطلاع داد برای گرفتن  
پول ماخانه انزاد سرقرار او بروم که در مجموعه تجاری تکک و خواست از قبل محلی را در این  
مجموعه انتخاب تم که در بین نداشتن و از لحاظ امنیتی مناسب باشد با محل خوردن ماهو  
دکانه‌ای که در جلوی فروشگاه ZARA قرار داشت رفتم و او مبلغ 5000 یورو در  
پاکتی به من تحویل داد او همچنین یک پاکت حاوی 80 یودی را هم با خودش آورده  
بود که به من تحویل دهم با هم داخل فروشگاه ZARA شده و هر یک پیراهنی انتخاب کرد  
به اتفاق پروتجه و زندی یادی ها را در کیف من گذاشت این سی‌دی‌ها شامل تبلیغات  
وزارت اطلاعات بر علیه رهبری مجاهدین بود تا مدت‌ها که من ارسال بی این سی‌دی‌ها بود.  
با توجه به اینکه ارسال یکبارگی آنها سخت بر آنلیتر بود هر بار 10 عددی دیرا برای  
به راه‌اندازیها - خبرنگاران و ... است می‌کردم در جریان این کار متوجه شدم که علی‌البراسته  
از مزدور وزارت اطلاعات در آلمان) و سایر مزدوران نیز دست‌اندر کار توزیع همین سی‌دی‌ها  
مشتاب علیه مجاهدین در کشورهای مختلف هستند من باید هر روز به راستگو گزارش می‌دادم که  
چه تعدادی دی به چه کسانی ارسال کردم. در این ماجرا روشن شد که مسعود خدائنده در  
انگلستان علی‌راستگو در آلمان ابراهیم خدائنده در ایران مستقیماً با سفارت روم در آلبانی  
ارتباط دارند و کارهایی که علیه مجاهدین در آلبانی راه‌انداز می‌کنند.  
9- اسامی و ماهوریه‌های دشمنه تلفن برخی از مزدوران در ارتباط با وزارت اطلاعات  
از طریق سفارت روم ایران در آلبانی به قرار زیر است.



- موسی دامرودی - ارسال 1397 به خدمت مسئول شد و در ارتباط با فعال با مردمانی وی

ویک مأمور اطلاعات به نام پاسدار سرپی است شماره تلفن او 00355695622449

- احسان بیدی - از اولین مردمان اطلاعات در آلبانی است او در سال 1391 در

لیبری خود را تسلیم نیروهای عراق کرد و به محل مهاجر بغداد که زیر نظر سجاد رئیس استگاه

وزارت اطلاعات در عراق بود منتقل شد وی در مهر 99 با یک پاسپورت ایرانی به آلبانی

منتقل شد و در ارتباط با بازندی ترانزیت هر ماه 1000 یورو از سفارت دریافت میکرد

تلفن احسان بیدی 00355692592439 بود

10- من در بهمن 1397 چون دبیر ان همکار رژیم به ستوه آمده بود تصمیم به خروج از

آلبانی گرفتم اما در روستای دستگیر و مجبور به برگشت به آلبانی شد سفارت ایران مرا

تو بیخ کرد و خرداکو خانواده آرا مخدیه جانی کردند آنها از من خراسند با اسم واقعی خودم

علیه مجاهدین مصاحبه کنم که به صورت گسترده در سایتهای وزارت اطلاعات منتشر شود

از آن تاریخ سفارت مرا از سرشکله بودن کنار گذاشت و این نفس را به حسن حیرانی

والنذار کرده

11- حسن حیرانی در فروردین 1397 به دلیل تک امیسی اطلاعاتی از سازمان مجاهدین

اخراج و در فاصله بسیار کوتاهی در شبکه جاسوسی رژیم در آلبانی جای گرفت بعد از افرام مغیر

و رئیس اطلاعات رژیم در آلبانی در آذرماه 1397 حسن حیرانی در ارتباط مستقیم با

وزارت اطلاعات در تهران قرارداد است اواز شماره تلفن های متعددی برای ارتباط

با مزدوران و وزارت اطلاعات و سفارت استفاده میکنند یکی از این شماره تلفن ها

00355699516435 بود حیرانی 1500 یورو حقوق ثابت ماهیانه

از وزارت اطلاعات میگیرد و علاوه بر این او برای هزینه های کافی ای هم به

دستور وزارت اطلاعات.

به مثابه باوق فردوران راه انداخته هر ماه ۱۵۰۰ یورو از وزارت اطلاعات دریافت میکند  
و آن هزینه دیگری هم داشته باشد به وزارت اطلاعات صورتحساب میدهد و پرول دریافت  
میکند.

۱۲- در دسامبر ۲۰۱۸ بعد از اوج رفتن رئیس اینکده اطلاعات در آلبانی حسن حیرانی  
موظف شد که مکان یا پویش بیزینس تهیه کند تا سرچل و مرکز اطلاع ارتباطات  
مزدوران باشد در مهر ۹۸ (اکتبر ۲۰۱۹) حیرانی به کمک سفارت یک کافه بنا کرد فرانک در  
مسلطه فرنگه تیرانا دایر کرد تمامی هزینه های راه اندازی و اداره این کافه از جمله اجاره  
ماهیانه محل که ۵۰۰ یورو است توسط وزارت اطلاعات پرداخت میشود بعد از اخراج  
دو مین سری از دیپلماتهای رژیم در آلبانی دردی ۱۳۹۸ موجب مزدوران مستقیم از ایران  
بی آمد هر ماه وزارت اطلاعات از داخل ۲۰۰ الی ۲۵ هزار یورو از طریق وسترپونین  
برای حسن حیرانی ارسال میکرد تا به مزدوران پرداخت شد برخی از این پولها از طریق  
ترکیه - عراق - کویت ارسال میشود

۱۳- در ۲۰۱۷ زندگی از طریق چت به سن لغت می خواهم یک سایت فری در دست لیم که به  
زبان آلبانیایی هم مطالب را منتشر کنیم او از من خواست هزینه تأمین و اداره آن را  
بر آوردنم و من با کمک یکی از این بریده ها این برادر را انجام داد اما زندگی آن را مستقیم کرد  
و بجای آن سایت نبات یا آستان در آلبانی را مورد استفاده قرار دادند این سایت توسط  
علی اکبر راستگو مأمور وزارت اطلاعات در آلمان اداره میشود و در کنار او هم در آلمان به ثبت رسیده  
است (استاد آن موجود است) علاوه بر راستگو مردورانی مانند محمد کرمی و محمد حسین سجانی  
برای این سایت کاری کنند.

۱۴- سایت نبات یا آستان در آلبانی و سایت های دیگری که علیه مجاهدین کاری شده تحت نظارت  
مستقیم وزارت اطلاعات توسط مزدوران مانند محمد کرمی - علی اکبر راستگو - مسعود حوا بند  
محمد حسین سجانی

و ... اداره مسوود آنها موضوع و محورهای مقالات را مشخص می کنند و فردوران در کتابی می نویسند اداره کنندگان سابقاً به مراتب از سایر فردوران حقوق بسیار بیشتری از اطلاعات دریافت می کنند.

15- زندی به من گفت با راسسری گرداننده تلویزیون اینترنتی مدار می وی سفرها و مچری کارهای ما است که از طریق راستگو و محمد کرمی برای او مشخص می کنیم وزارت اطلاعات مواجب سسری را از طریق راستگو می پردازد.

سفارت رژیم در تیرانا ترتیب مصاحبه بریده فردوران را با این تلویزیونک میداد کرمی و راستگو اسامی فردورانی که سفارت مشخص می کرد از وی حقیقه قبل هر ماه با سؤالات راجع سسری می دادند و پاسخ می دادیم به بریده فردور مورد نظر میدادند تا برای روز مصاحبه حفظ کنند یا از رو بخوانند سسری از قبل آگهی می کرد در این مصاحبه ها چه چیز حتی کلمات نیز توسط ما فردوران وزارت اطلاعات مشخص می شد و فردوران هم آن را علیه ما هیدن می کنند.

16- یکی از شرایط اطلاعات برای تأیید برکت بریده فردور به ایران مصاحبه با سسری بود. سفارت رژیم توجیه و آماده کردن فردور منوچهر عبیدی را به من و آلان کرد و نتیجه کار برای وزارت اطلاعات خوب نبود و پس از آن بارنتن عبیدی به ایران موافقت کردند. پس از این مصاحبه زندی مسوولیت استجاب بریده ها برای مصاحبه با سسری را به عبیدی دادند و آلان کرد و او تا زمان زدن به ایران در ارتباط با محمد کرمی و راستگو بود و این کار را انجام میداد. با توجه به اینکه تعداد نفراتی که بطور آشکارا حاضر به فردوری بودند زیاد نبود لذا میبوردیم هر نفر را چیزی نبار برای مصاحبه بفرستیم مسافران خود من در فوریه 2019 با این تلویزیونک مصاحبه کرد بعد از مصاحبه از وزارت ما من تماس گرفته و ابراز رضایت کردند. از بیای سفارت در کتابی این بود که یک مصاحبه با سسری به اندازه چند مقاله در ماه است.

و این را نیز پرداخت پول به مزدوران محاسبه می کردند ما موران اطلاعات حاضر در  
سفارت برای تسوین برپیره ها به مصاحبه پرداختی ماهیانه آنها را اغراض می دادند  
و حق به من می گفتند که که در ماه یک یا دو بار مصاحبه با سرب می کنند ارزش بسیار کمی است  
که 12 مقاله در سبب می نویسد.

17- در 12 ژوئن 2020 حیرانی به سرب مصاحبه داشت موضوع مصاحبه در رابطه  
با نامه نگاری خانواده های مجاهدین به دولت آلبانی برای ملاقات با نقات اشرف در آلبانی  
بود همچنین روز مأمور وزارت اطلاعات از تهران به حیرانی که در کافه بود زنگ زد و  
او را توجیه کرد حسن حیرانی نکات توجیه را یادداشت می کرد تا همان ها را در مصاحبه با  
سرب بگوید.

18- موضوعاتی که سفارت و وزارت بصورت سؤال و جواب برای مصاحبه با سرب می یاب  
بصورت محور برای نوشتن مقالات در سببهای وزارت اطلاعات میفرستاد شامل مولد زینر  
بود.

تکلیف ناراضیان - نبودن آزادی در مناسبات مجاهدین - تسوین مغزی - اعتراف به  
موضوعات و محفلات جنسی قطع روابط با دنیای بیرون - <sup>اطلاعاتی</sup> منطقی اجباری -

قتل های مشکوک در درون مجاهدین - کشتن آراد و سبعمان در عراق - گرفتن پیران از

آمریکا - اسرائیل و عربستان - دانیکه اطلاعات امنی حذر از اسرائیل گرفته اند -  
و جمع پانگه و سببانی در ایران ندارند .

19- من که حدوداً 10 سال در مناسبات مجاهدین بودم می دانستم که یک لکه از این جنها

واقعیّت زیادت و این در معلومی مستمر یکی از موضوعات عذاب و حبران من بود مخصوص

که سر شبکه بودم و ارتباطات میده ادم را در قاره کردیم - او اسرار را می دانست



بزرگی مرتب می شود. من به عنوان یک شهروند می توانم در هر دو ادای سبقت بپرسم  
که این مصاحبه ها و مقالات تماما طرح و برنامه وزارت اطلاعات می باشد. من می هد بروی  
که همه این دروغ ها توسط وزارت اطلاعات به بریده مزدورها دیکته می شود و آنها در سایت ها  
و تلویزیون های دست ساز اطلاعات تکرار می کردند.

20 - مسعود خدایزه و رئیس آن سیکلئون خدایزه نقش اصلی در توجیه و انزمام  
خبرنگاران را داشتند او برای این کار مزدوران محلی به ناک اولی یا زچی را بکار می گرفت  
خدایزه مراب اولی با زچی وصل کرد

24 - در نوامبر 2017 زنی به من پیام داد که آن سیکلئون به تیرانا آماره است  
و تو باید بریده ها را پس او ببری تا از تکلیف ها و بنود آزادی در ناسات مجاهدین  
و صلاح اجباری مفضل توفیح دهند من چند نفر از جمله منوچهر عبیدی - سعدالله سیفی  
هادی نامری مند آو ضلع رضا شیری و برخی دیگر را در دستورالعمل فرستاده تا به تانی  
به ملاقات سیکلئون بروم او بر فراز کوه ها که روابط بسیار با سفارت علی بود  
عکس گرفت و در مسائلی وزارت اطلاعات منتشر شد. سیکلئون آنها را سوتون به  
انگلیسی بیست می کرد و با بعد آ با احسان عبیدی نیز ملاقات کرد و عکس گرفت.  
سیکلئون 4 روز در هتل اینستدنتال ساکن بود و زن ک لوسی یا زچی او را  
همراهی می کرد

22 - در تیرماه 97 (ژوئیه 2018) وزارت اطلاعات مزدور مصطفی محمدی را به  
مدت سه ماه بجهت همسرش به آلبانی فرستاد تا بر علیه مجاهدین اقدام کند از طرف  
سفارت حیرانی موظف شد به او کمک کند سفرت برای او وکیل هم گرفت این مزدور  
که رابطه نزدیکی با وزارت اطلاعات در ایران و در کانادا دارد.

در مدتی که در آلبانی بود با سعید خانبهزه ارتباط فعال داشت سارت ماهزنیهای اقامت چند ماهه او در سنزد وکیل را که به گفته حسن حیرانی 30000 یورو می‌رسد تماماً עבורت تقدیم پرداخت.

23 - در سپتامبر 2018 از سفارت به مالفتند که خبرنگار اسپیل به آلبانی خواهد آمد و برای مصاحبه نزد او برود خبرنگار منزکوویک خانم 30 ساله به ناکر لوئیز اعمروس بود که بعدها فهمید که در سالهای در دانشگاه تهران در زمینه معارف اسلامی درس خوانده و با سیدان دریم نیز مراداتی داشت با تعدادی از بریده‌های مرتبط با سفارت در ویلاک رمسا واقع در میدان زاکوزی در کافه‌ای جمع شدیم و با خبرنگار اسپیل ملاقات کردیم، و هر کدام بر اساس توجهات قبلی درو عملی علیه مجامعین گفتیم ارتباطین با این خبرنگار تا 3 ماه ادامه داشت و هر از گاهی سؤالاتی درباره مجامعین می‌کرد و من هم از سفارت سؤال میکردم و به او پاسخ میدادم.

کتابش اسپیل در تاریخ 27 بهمن 97 تحت عنوان زندانیان شرش منتشر شد جالب اینکه قسمتی از این مصاحبه دو ماه پیش قبل از آن در پنجم آذر 97 بصورت مصاحبه با غلامرضا گوری در سایت انجمن خات کرمانشاه با عنوان سرگذشت غم انگیز یک بریده منتشر شد.

24 - در 3 سپتامبر 2020 به مناسبت سالگرد حبس دریم با عراق سعید خانبهزه خبر داد که با تلویزیون بی بی سی هماهنگ کرده تا در این رابطه با غلام میرزائی که اسیر حبلی بود مصاحبه کند میرزائی از اوایل 1397 در ارتباط با سفارت و وزارت اطلاعات بوده و علیه مجامعین مقاله‌ای نوشت و با خبرنگار را که مصاحبه کرد و مترجم بقیه هم بود من که با روی در یک خانه زندانی می‌کردم شاهد بودم که.

روز 4 سپتامبر قبل از آنجا مصاحبه مسعود خدائنده اورا پیرامون موضوعاتی که باید  
حرف بزنند تهیه کرد تا آنکه در وی موضوعاتی حرف بزنند از قبیل اینکه در اردو ۶۰  
اسرا در عراق را کول زدند و بدین اصطلاح صلیب سرخ به اشرف بردند و ۵۰ سال  
اجازه ندادند که خانواده اگر این مصاحبه که لازم موافقت وزارت برای  
رفتن به ایران بود در هر چه می توانست دروغ نویی و یاوه پائی کرد تا رفتن به ایران تسریع  
شود شماره تلفن علامتی میرزائی که با سفارت و اطلاعات و بریده هار ارتباط میگرفت  
۱۶۴۹۹۶۶۹۹۵۳۵۵ بود پنج ماه بعد از این مصاحبه ساتیای وزارت اطلاعات  
اعلا کردند که میرزائی به ایران برگشته است.

25 - مردودان محلی ژرمنی که من با سفارت و وزارت اطلاعات کار میکردم با نامی  
از مردودان محلی رژیم آگت شد یکی از این مردودان اولیایازچی *Asi Jazephi*  
بود وی 42 ساله است که در کوالالمپور مالزی رسته ارتباطات همی درس خوانده  
است و تحت پوشش روزنامه نگار و مقاله نویس از قیام برای رژیم ایران کار میکند.  
زمانی که من سرنگه مردودان بودم یازچی بیشترین ارتباط را با من داشت که اولین  
بار در مهر ۱۳۹۶ (سپتامبر ۲۰۱۷) با عبوری و عبوری مصاحبه کرد

در بهمن ۱۳۹۶ مسعود خدائنده به من گفت نفرت منسب را برای مصاحبه با تکویر بیرون  
تاب چهل آماده کنم بعد هاننیدم که همه هاننیدی ما را اولی یازچی از طریق یک خاتم  
خبر نگار انجام داده است و همه خبر نگاران خارجی را که به آلبانی میفرستاد به یازچی  
وصل میکرد و از طریق او خطوط وزارت اطلاعات را پس میدهد پس از افرایج  
سفیر رژیم از آلبانی ارتباط خدائنده با یازچی زیادتر شد است او مرتب به ما نامه  
فرانک متعلق به من میداد و ما بخایه مردودان مصاحبه میکرد

ژن یازچی نیز به عنوان وکیل بریده مزدوران مخالفت میکرد  
جرم‌تانی Jerzitanisi مزدور دیگر آلبانیایی رژیم است تانی علاوه بر

ارتباط مستقیم با سفارت و مزدور خدائنده و ارتباطاً به ایران سفر میکرد و خط و  
خطوط کار علیه مجاهدین راستیاً میکرد و تقاضای او در مقام پاسداران  
در کنار تفریر زهی پاسداران در تهران موجود است تانای را چند بار در کافه  
فرانک دیدم با او صحبت کردم او بختی پول پرت است خاطر پول همکاری حاضر  
بود انجام دهد و اهداف رژیم آخوندی را پس ببرد اگر به کافه می آمد و با  
بریده مزدوران صحبت میکرد حسن حیرانی در گفتگوهای خصوصی با من می گفت  
اولی یازچی و تانای هر کدام ماهانه 1000 یورو دریافت میکنند بارها من  
خودم هم این پول را در پاکت گذاشته و در خانه شان به آنها تحویل داده ام  
او کلیتاً ای از سعود خدائنده در وزارت اطلاعات بود که در پیش بزرگ  
و فضای مجازی میگذشت من آنکه آنها کارهای غیر قانونی حسن حیرانی  
و اصمان بیدی و غلامرضا تگری رفع و رجوع میکردند من برای هرگونه توضیحات  
ضروری و افزوده در دسترس شما هستم

یاقتیر احمد آ

هادی تانی ضانی

14 فوریه 2021



رونوشت

- کمیسر حقوق بشر ملل متحد
- کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد
- دبیرکل سازمان عفو بین الملل
- فدراسیون بین الملل جوامع حقوق بشر
- گروه دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا
- وزیر کشور و مدیرکل پلیس آلبانی
- شورای ملی مقاومت ایران کمیسیون امنیت ضد تروریسم

هادی ثانی خانی

۱۴ - فوریه - ۲۰۲۱



**February 14, 2021**

**The Honorable António Guterres,  
United Nations Secretary-General  
The United Nations  
New York, NY 10017**

**Excellency,**

My name is Hadi Sani-Khani and I am 41 years old. I left Iran for Turkey in 2003 and then went to Iraq and joined the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI/MEK) in Camp Ashraf and was subsequently relocated to Camp Liberty in Iraq. In September 2016, the PMOI facilitated my relocation to Albania. Two months later in November 2016, because I could not continue the struggle, I decided to quit the ranks of the PMOI and went the office of the UN Refugee Agency in Tirana. Two weeks later, I went to the Iranian embassy in Tirana. For four years I fell into a trap set by the Iranian regime's Ministry of Intelligence and Security (MOIS) and its Iranian embassy in Albania. During this period, I began to collaborate with official agents of the MOIS in the Embassy in Albania, such as Fereidoun Zandi Ali-Abadi and notorious MOIS agents, including Ebrahim and Massoud Khodabandeh, Gholamreza Shekari and Ehsan Bidi and later Hassan Heyrani. They used me in demonization, espionage, intelligence gathering, and reconnoitring schemes to carry out terrorist actions against the PMOI.

From the onset, I was witness to the criminal activities perpetrated by the embassy's officials and agents of the MOIS. I was not at ease with my conscience for being part of these activities. Nevertheless, because of my predicament it was extremely difficult for me to part ways with those agents. I was also fearful of being eliminated in view of the fact that they had threatened me. But, the November 2019 uprising and the slaughter of young protesters was the last straw and prompted me to leave this criminal and Mafia-type gang and end all my contact with this sinister network no matter what the cost. I want to apologize to the PMOI and Iranian refugees in Albania and want to make amends for my actions by exposing what I have been witness to in previous years.

To this end, below I will bring to your attention, albeit briefly, parts of the activities in which I participated or was personally witness to with the objective of demonizing, spying and collecting intelligence on the PMOI. I request that you use your good offices so that the UN High Commissioner for Human Rights takes appropriate and necessary steps to protect the dignity and the rights of genuine refugees, and not agents of the Iranian regime who do not deserve such rights. I take full responsibility for everything in the foregoing pages and am prepared to testify before any court or impartial authority and provide them with the details as well as sufficient evidence and documents.

1. I left the PMOI in November 9, 2016 to pursue my personal life, and introduced myself to the UNHCR in Tirana. I asked the



PMOI for financial support in the same month of November, to which they agreed and provided such support. But this support ended on 10th April 2017, when they found out that I am in contact with the Iranian regime's embassy.

2. Four days after I left the PMOI, I received a phone call from Ebrahim Khodabandeh in Tehran, who congratulated me for leaving the PMOI. He is in charge of the Nejat association, which is tied to the regime's Ministry of Intelligence and Security (MOIS). Immediately after, his brother Masoud Khodabandeh (agent of the MOIS based in the UK) contacted me. These two brothers suggested that I should go to the Iranian regime's embassy in Tirana. About two weeks after, I visited the embassy. There, I told them that I wanted to go back to Iran. The embassy conditioned my return to Iran upon my cooperation with the officers and agents of the Ministry of Intelligence.

After my first visit to the embassy, Ebrahim Khodabandeh from Tehran once again contacted me, this time on my Facebook messenger: "I was informed that you have visited the embassy. You can be a lot of help. You can begin by writing articles and forward them to me as well, so we can publish them on our Nejat website". In response to the embassy's condition, I wrote articles against the PMOI for some time under the pseudonyms of "Zeinal Shahidi" and "Saeid Zamani". The Khodabandeh brothers subsequently published these articles on the MOIS websites. I was

paid 500 euros a month by the embassy to carry out what they instructed me to do.

3. The first person to whom I spoke in the embassy introduced himself as Haji. I later found out that his real name was Fereidoun Zandi Aliabadi, and that he was the head of the intelligence station of the regime and worked under the title of the first attaché in the embassy. I found out through the agents, that Fereidoun Zandi had formed a network of agents against the PMOI since 2014 in close cooperation with the head of the intelligence station of the regime in Iraq whose nom de guerre was Sajjad. He usually used the whatapp application with the following number: 0035569862451. He occasionally also used Viber. He regularly shared information with Sajjad about those who had left the PMOI and now were collaborating with the regime. At times, Sajjad would also directly contact these individuals in Albania. He used the number 009647708907998 when he was in Iraq and used 00989357134401 whenever he was in Iran when he contacted agents of this network in Albania. In December 2017, Mostafa Roudaki replaced Fereidoun Zandi in Albania. Roudaki was expelled together with the regime's ambassador to Albania by the Albanian government as a persona non grata, several months after planning a terrorist attack against the PMOI in March 2018.

4. In the spring of 2017, I was ordered by Zandi to gather information including videos and pictures from different locations

where the PMOI members lived. I provided him with over 300 pictures and several videos from the PMOI locations. Zandi insisted that I should find out and gather information about the whereabouts of Mrs. Maryam Rajavi and senior PMOI officials. He was specifically interested in knowing where they stayed and how many bodyguards they had. Two other agents, Manouchehr Abdi and Sa'adollah Seifi, assisted me in this intelligence gathering operation.

5. In March 2016, I was tasked to lead a network of some agents. The main responsibility of this group was to write articles against the PMOI. The Khodabandeh brothers and Zandi would select and decide the main topics and talking points for these articles. I would then send the articles written by the agents to be published on MOIS-affiliated websites like the Nejat Association, Faragh website, Rah-e-No'e Site, Iran Interlink (run by Masoud Khodabandeh)- Kanoon Ava (run by Ali-akbar Rastgoo in Germany) – the “Sects” in Paris. I also sent them to agents like Mohammad Karami and others.

6. One of the missions that Zandi gave us was to attract people who have more experience in the organization and get more information about the PMOI. In this regard, the embassy used a defector named “Hadi Nasser Moghaddam” to contact one of the defectors who had more experience in the PMOI and to arrange for him to meet with Zandi. Hadi Nasser wrote articles against

the PMOI under the pseudonym “Akbar Hassani”. After several years of being an agent and proving his allegiance, I heard that on October 14, 2020, Nasserri went to Iran through Bosnia, and in December 2020, websites of the Ministry of Intelligence published his interviews and photos in Iran.

7. The regime’s mercenaries in Albania are divided into two groups. In the first group are those who are openly in contact with the embassy and must prove their allegiance to the Ministry of Intelligence so that they can gain permission to go to Iran. Some of these people include Azim Mish Mast, Manouchehr Abdi, Saadollah Seifi, Gholam Ali Mirzaei, Mousa Damroudi, Parviz Heidarzadeh, Rahman Mohammadian and Ali Hajari. These people received 500 euros a month from the embassy. According to the embassy’s orders, these mercenaries are required to create at least one account on Facebook and Instagram, and to produce and publish 12 articles against the PMOI every month, and to continuously relay and republish topics and content identified by the embassy or the Ministry of Intelligence.

The second group of people work secretly for the embassy and the regime’s intelligence station to spy and gather information about and identify PMOI centers. These mercenaries are paid 300 euros a month and will be paid more if they do more work. People like Raouf Faramarzi, Mohammad Tourang, Baqer Mohammadi, Reza Mazegi, Khalil Ansarian, Mansour Brahoui and others were in this group.

Some mercenaries, such as Mohammad Tourang, Raouf Fara-

marzi, and Hadi Nasseri, pretended to oppose the regime. And after a while, they went to Iran without informing even their closest friends. Baqer Mohammadi, Reza Mazegi, Khalil Ansarian, and Mansour Brahoui worked secretly for the regime's embassy while also receiving monetary allowances from the PMOI. But when the PMOI learned of their secret relationship with the embassy, they cut off their aid.

8. For a while, the money for a number of the mercenaries was given to me either at the embassy or in public commercial stores whose security conditions were previously checked. I then distributed the money among the agents. The total amount was at least 15,000 euros per month. In April 2017, Zandi asked me to go to the Tag Business Complex to get the monthly funds for the people in the network. He asked me to choose a place in the complex in advance that did not have cameras and was suitable for security reasons. We used the pretext of getting coffee to go into the cafe in front of the ZARA store, where he handed me 15,000 euros in an envelope. He also gave me an envelope containing 80 CDs which he had brought with him. Together we entered the ZARA store and we each picked up a shirt and went to the fitting rooms. There, Zandi put the CDs in my bag. These CDs included the Ministry of Intelligence's propaganda against the PMOI leadership. For a long time, my job was to mail out these CDs. Due to the fact that sending them at once would appear suspicious, I posted 10 CDs each time for parliamentarians, journalists, and so on. In the course of doing this work, I found out that Ali Akbar

Rastgoo (a mercenary of the Ministry of Intelligence in Germany) and other mercenaries are also involved in distributing these CDs or similar ones against the Mojahedin in different countries. I had to report every day to Rastgoo on how many CDs I had sent out and to whom. While doing this, it became clear that Massoud Khodabandeh in the UK, Ali Rastgoo in Germany and Ebrahim Khodabandeh in Iran were in direct contact with the regime's embassy in Albania and were coordinating their activities against the PMOI in Albania.

9. The names, missions and telephone numbers of some of the mercenaries in contact with the Ministry of Intelligence through the Embassy of the Iranian regime in Albania are as follows:

-Gholamreza Shekari has been in contact with the embassy in Albania since about 2016. He used 00355699347575 phone number to contact Iran and the embassy of the regime. He is also connected to the Ministry of Intelligence inside Iran through his sister Maria. Maria received about two million tomans a month from the Ministry of Intelligence. Gholamreza Shekari was arrested and imprisoned in Albania in September 2020 for conducting illegal activities.

-Abdol Rahman Mohammadian has been cooperating with the Ministry of Intelligence through the embassy since 2017, and his telephone number was 00355697839580.

-Ali Hajari has been in contact with the Ministry of Intelligence since 2018. His sister Shahin Hajari and his brother Mahmoud

Hajari are Ministry of Intelligence agents in Iran. His telephone number was 00355698777978.

-Malek Beit Mashal started his connection with the embassy and the Ministry of Intelligence since the latter part of 2017, and began writing and publishing articles and lies against the PMOI. His telephone number was 00355693330143.

-Hassan Shahbaz was recruited by the Ministry of Intelligence at the embassy since 2018. His task is to write articles and to continue the demonization campaign on Facebook and websites. His telephone number was 00355699744576.

-Parviz Heidarzadeh has been in contact with the Ministry of Intelligence since the latter part of 2017. His mission is to conduct interviews and write articles against the PMOI and to liaise with the Nejat Association in the Ministry of Intelligence. His telephone number is 00355697792728.

-Reza Eslami established contact in 2017 and his phone number is 00355692102896.

-Mousa Damroudi has been serving the regime since 2018. He is actively in contact with Mardom TV and an intelligence agent named Parsa Sorbi. Damroudi's phone number was 00355695622499.

-Ehsan Bidi is one of the regime's first intelligence agents in Albania. He surrendered himself to Iraqi forces from Camp Liberty in 2012 and was transferred to the Mohajer Hotel in Baghdad, which was under the control of Sajjad, the head of the regime's Ministry of Intelligence station in Iraq. He was transferred to Albania in October 2013 with an Iranian passport. He got in contact

with Zandi and received 1,000 euros a month from the embassy. Ehsan Bidi's phone number was 00355692592439.

**10.**In February 2019, because I was sick and tired of cooperating with the regime, I decided to leave Albania. But I was arrested in Croatia and forced to return to Albania. The Iranian regime's embassy reprimanded me and threatened me and my family. They asked me to give interviews with my real name against the PMOI, which were widely published on the websites of the Ministry of Intelligence. From that date on, the embassy removed me as the head of the network and handed the role over to Hassan Heyrani instead.

**11.**Hassan Heyrani was expelled from the PMOI in April 2018 due to intelligence and security suspicions. He was quickly placed in the regime's spy network in Albania. After the expulsion of the ambassador and head of the regime's intelligence station in Albania in December 2018, Hassan Heyrani was in direct contact with the Ministry of Intelligence in Tehran. He uses multiple telephone numbers to communicate with mercenaries, the Ministry of Intelligence and the embassy. One of these phone numbers was 00355699516435. Heyrani receives a fixed monthly salary of 1,500 euros from the Ministry of Intelligence. Heyrani receives a steady stipend of 1,500 euros a month from the Ministry of Intelligence. In addition to this, he receives an extra 1,500 euros a month from the Ministry of Intelligence in order to cover the expenses of running a coffee shop that the Ministry of Intelligence



has ordered him to set up as a hangout location for its agents. If he has any other expenses, he would provide the bill to the Ministry of Intelligence, which would pay him the money.

**12.**In December 2018 after the expulsion of Mostafa Roudaki, the head of the Iranian regime's intelligence station, from Albania, Hassan Heyrani was ordered to set up a business location as a cover for the rendezvous and communications among the regime's agents. In October 2019, with the help of the embassy, Heyrani set up a "café" named "Frank" in the Frezco district of Tirana. All costs of setting up and operating this cafe, including the monthly rent of the place, which is 500 euros, are paid by the Ministry of Intelligence. After the expulsion of the second series of regime diplomats from Albania in January 2020, the mercenaries' payments came directly from Iran. Each month, the Ministry of Intelligence sent between 20,000 and 25,000 euros to Hassan Heyrani through Western Union to pay the mercenaries. Some of the money was sent through Turkey, Iraq or Kuwait.

**13.**In 2017, Zandi told me via chat that they want to create a strong website that also publishes content in Albanian. He asked me to estimate the cost of establishing and running such a website. I gave this estimate with the help of one of the defectors, but Zandi did not approve it. Instead, they launched the "Survivors in Albania" website. This site is operated by Ali Akbar Rastgoo, Ministry of Intelligence agent in Germany, and is registered in Karlsruhe, Germany (documents available). In addition to Rast-

goo, mercenaries such as Mohammad Karami and Mohammad Hossein Sobhani work for this site.

**14.**The “Survivors in Albania” website and other sites that operate against the PMOI, under the direct supervision of the Ministry of Intelligence, are run by mercenaries such as Mohammad Karami, Mohammad Hossein Sobhani, Ali Akbar Rastgoo, and Massoud Khodabandeh. They specify the subject and the focus of the articles and the mercenaries in Albania produce the writings. Those who run the websites receive far greater salaries than other mercenaries from the Ministry of Intelligence.

**15.**Zandi told me that Parsa Sorbi, the director of the Internet TV “Mardom TV”, is one of us and implements the tasks that we specify for him through Rastgoo and Mohammad Karami. The Ministry of Intelligence pays Sorbi’s salary through Rastgoo. The regime’s embassy in Tirana arranged mercenary interviews with this television. Karami and Rastgoo gave the names of the mercenaries instructed by the embassy to Sorbi, along with the questions, a week in advance. Questions and answers were also given to the agent to memorize for the day of the interview. Sorbi advertised these interviews ahead of time. In these interviews, everything, even the words, were determined by agents of the Ministry of Intelligence, and the mercenaries would say all those things against the PMOI.

**16.**One of the conditions set by the Ministry of Intelligence for

agreeing to return a mercenary to Iran was for the agent to conduct interviews with Sorbi. The embassy of the regime wanted me to brief and prepare Manouchehr Abdi, and the ministry was happy with the results. After that, they agreed to Abdi's return to Iran. After this interview, Zandi left the responsibility of selecting the defectors to have interviews with Sorbi to Abdi, and he did this in association with Mohammad Karami and Ali Akbar Rastgoo until he left for Iran. Given that the number of people who were openly willing to become intelligence agents was not large, we had to send each person several times for an interview. Unfortunately, I myself did an interview with this TV in February 2019. After the interview, the ministry called me and expressed their satisfaction with the interview. The regime embassy in Albania calculated that an interview with Sorbi was worth more than several articles a month, and this was also taken into account in the payments to mercenaries. Intelligence officers at the embassy increased monthly payments to defectors in order to encourage TV interviews, and they even told me that someone who interviews with Sorbi once or twice a month is worth more than someone who writes 12 articles on the site.

**17.** On June 12, 2020, Heyrani had an interview with Sorbi. The subject of the interview was the correspondence between families of PMOI members and the Albanian government regarding meetings with Ashraf members in Albania. That same morning, an intelligence officer from Tehran called Heyrani, who was in the cafe, and briefed him. Hassan Heyrani wrote down the talking

points in order to repeat them during the interview with Sorbi.

**18.**The topics that the embassy and the ministry sent to be used for questions and answers for interviews with Sorbi, or topics for writing articles on the websites of the Ministry of Intelligence, included the following: torture of dissidents, lack of freedom in PMOI relations, brainwashing, confessions about sexual topics and thoughts, cutting ties with the outside world, forced divorces, suspected killings within the PMOI, killing of Kurds and Shiites in Iraq, getting money from the United States, Israel and Saudi Arabia, and the idea that they took their nuclear information from Israel and have no base or popular support in Iran.

**19.**I had been in the ranks of the PMOI for about 14 years and knew that not a single word of these utterances was true, and this constant lying became one of the drivers of my psychological torment and bad conscience. Especially since I was the head of the network and coordinating communications among mercenaries, I felt like I was committing a great sin. As a living witness, I can testify in any court that these interviews and articles all stem from the designs and plans of the Ministry of Intelligence. I witnessed all these lies being dictated by the Ministry to the mercenaries, and they repeated them on Ministry of Intelligence-made websites and televisions.

**20.**Massoud Khodabandeh and his wife Ann Singleon Khodabaneh played the main role in briefing and sending reporters to

Albania and helping them to arrange interviews with the agents. He recruited the services of locals like Olsi Yazeji for these activities. Khodabandeh put me in touch with Olsi Jazexhi.

**21.**In November 2017, Zandi sent me a message that Anne Singleton has arrived in Tirana and that I should take the agents to meet her so they can recount in detail the stories of torture, lack of freedom and forced marriages in the PMOI. I arranged a meeting between Anne Singleton and a group including Manouchehr Abdi, Sa'adollah Seifi, Hadi Nasserri Moghaddam, Gholamreza Shekari and some others at the restaurant in the Topfoni shopping center. Anne Singleton took pictures with some of them whose contacts with the embassy were known, and subsequently published them in the MOIS affiliated websites. Anne Singleton encouraged them to come forward with more revelations against the PMOI. She later met separately with Ehsan Bidi and took pictures with him. Singleton stayed in International Hotel for 4 days and Olsi Jazexhi's wife accompanied her during her stay.

**22.**In July 2018, the Ministry of Intelligence sent Mostafa Mohammadi along with his wife to Albania for three months so he could engage in activities against the PMOI. The embassy instructed Heyrani to assist Mohammadi during their stay. The embassy provided him with a lawyer. Mostafa Mohammadi is a known agent with close relations with the MOIS in Iran and Canada. During his stay in Albania, he was in regular and close contact with Masoud Khodabandeh. The embassy paid for all

their expenses in cash during their several-months-long stay in Albania, including their lawyer's fee, which according to Heyrani exceeded 30,000 Euros.

23. In September 2018, we were informed by the embassy that a reporter from the German paper Der Spiegel is set to visit Albania and we were asked to be prepared to meet with the reporter for interviews. The reporter was a 30-year-old woman named Louisa Homerish. I later found out that she studied Islamic studies in Tehran university in 2016 and 2017 and had contacts with the paramilitary Basij members as well. Together with a group of other agents who had previously defected from the PMOI, we met the Der Spiegel reporter in a restaurant in Ramsa district in Zagozi square. Each of us then told her lies about the PMOI which we had been given in preparation of the meeting. I was in contact with this reporter for the next three months. Occasionally she asked me questions about the PMOI which I then raised with the embassy and provided her the response I received.

Der Spiegel published the story as “prisoners of rebellion” on 16th February 2019. Interestingly, part of this report had already been published two-and-a-half months prior, on November 26, 2018, as an interview with Gholamreza Shekari in the website of the “Kermanshah Branch of the Nejat Association” under the title of “the tragic story of a defector”.

24. On September 3, 2020, on the anniversary of the Iran-Iraq

war, Masoud Khodabandeh informed us that he had arranged for Gholamali Mirzaei, who was a POW, to conduct an interview with the BBC TV. Mirzaei had been in contact with the embassy and MOIS since 2018. During this time, he wrote articles against the PMOI, conducted interviews, and acted as a translator for others. I, who at the time was living with Mirzaei in the same home, witnessed first-hand how Masoud Khodabandeh briefed him on September 4th before his interview about what to say. Khodabandeh emphasized that he should particularly say that he had been deceived in the POW Camp in Iraq and taken to Camp Ashraf without the Red Cross being informed and that he was not allowed to see his family for 30 years.

The MOIS had conditioned his return to Iran on this interview. Mirzaei lied and fabricated whatever stories he could during the interview in order to expedite his return to Iran. He used the telephone number 00355699516499 to contact the MOIS and other agents. Five months after this interview, MOIS-affiliated websites reported that Mirzaei had returned to Iran.

**25.** Local agents – I became acquainted with several of the local agents of the regime during the time I worked with the regime's embassy and MOIS. Olsi Jazexhi, 42, who has studied public relations in Kuala Lumpur in Malaysia, was one of them. Under the guise of a journalist and columnist, he has worked for the Iranian regime for many years. When I was leading the network of agents, Olsi Jazexhi was in regular contact with me. He had his own website, IMPACT, and was the first outlet to publish inter-

views with Abdi and Bidi in September 2017.

In February 2018, Masoud Khodabandeh asked me to propose and prepare appropriate candidates for interviews with Albania's Top Channel TV network. I later found out that the interviews were facilitated and arranged by Olsi Jazexhi beforehand through a female journalist. Khodabandeh would connect all the journalists he would send to Albania from abroad with Jazexhi, and thus advanced the MOIS plans through him.

Khodabandeh's contacts with Olsi Jazexhi became more frequent after the expulsion of the regime's ambassador from Albania. Olsi Jazexhi regularly met agents in Frank café shop owned by Hassan Heyrani, and conducted interviews with them there. His wife also worked as a lawyer for the agents.

Gjergji Thanasi is another Albanian agent of the Iranian regime. In addition to having constant contacts with the Iranian embassy in Albania and agent Khodabandeh, he regularly travels to Iran where he is briefed and receives directions for his activities against the PMOI. There are pictures of him visiting IRGC garrisons in Tehran and standing next to their armored vehicles. I met with and talked to Thanasi at Heyrani's coffee shop several times. He worships money and in order to get more of it, he is prepared to do anything and everything to advance the clerical regime's agenda. He was a regular visitor at the "coffee shop" and talked to the agents.



In a private conversation, Hassan Heyrani told me that Gjergji Thanasi and Olsi Jazexhi receive more than 1,000 euros per month from the regime. He said that he had personally put the money in envelopes and dropped it off at their homes. Gjergji's writings were a carbon copy of previously published articles by Masoud Khodabandeh and the MOIS, which he published on his Facebook page and other social media platforms. In addition, these two facilitated all the criminal activities of Hassan Heyrani, Ehsan Bidi and Gholamreza Shekari.

I am prepared to provide more details and answer any further questions that you may have on this matter.

Respectfully,

Hadi Sani Khani



**cc:**

-The Honorable Michelle Bachelet, United Nations High Commissioner for Human Rights;

-The Honorable Filippo Grandi, United Nations High Commissioner for Refugees;

-The Honorable Bledar Çuçi, Minister of Interior of the Republic Albania

-Ms. Julie Verhaar, Acting General Secretary General of the Amnesty International;

-Ms. Alice Mogwe, International Federation of Human Rights;

-Mr. Ardi Veliu, the General Director of State Police;

-The Honorable Milan Zver, MEP and Co-Chair of the Friends of Free Iran Intergroup in the European Parliament; and

-Security and Counterterrorism Committee of the National Council of Resistance of Iran

فصل اول

سابقه امر



آنان که به لب سکوت می‌گردانند  
آتش‌نفسان حرف بی‌پایانند

من هادی ثانی خانی متولد ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ در تهران هستم. تحصیلاتم را در تهران گذراندم. از کودکی علاقه زیادی به فوتبال داشتم و به موفقیت‌هایی هم رسیدم. در تیم‌های باشگاهی مختلفی بازی کردم که آخرین آنها تیم امید سایپا بود و به کاپیتانی این تیم رسیدم. در بهمن ۱۳۸۱ به ترکیه رفتم. در ترکیه با سازمان مجاهدین آشنا شدم. با اختیار و اراده فردی تصمیم گرفته و به مجاهدین پیوستم. سال ۱۳۸۱ وارد عراق شدم و به شهر اشرف مجاهدین رفتم. در تاریخ ۱۹ شهریور ۹۵ به آلبانی منتقل شدم. دو ماه بعد در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۵ (۹ نوامبر ۲۰۱۶) بدون اطلاع به مسئولین مجاهدین از مقر خارج شده و خودم را به کمیساریا معرفی کردم. قبل از خارج شدن از مقر مجاهدین در یک نامه، از زحمات سلسله مراتب مجاهدین تشکر کرده و نوشته بودم که خجالت می‌کشیدم صریحاً بگویم می‌خواهم از مناسبات خارج بشوم و بدنبال زندگی خود بروم.



## چگونگی خروج از سازمان و وصل به رژیم

در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۵ (۹ نوامبر ۲۰۱۶) پس از خارج شدن از مقر مجاهدین بنام «مفید» به هتلی بنام آربریا در تیرانا رفتم. دو هفته پس از خروج از سازمان، در تاریخ ۴ آذر ۹۵ (۲۴ نوامبر ۲۰۱۶) از مجاهدین خلق درخواست کمک مالی کردم و تحت حمایت سازمان مجاهدین قرار گرفتم و همراه کمک مالی دریافت می کردم.

## مراجعه به سفارت رژیم آخوندی در تیرانا، ملاقات با «حاجی» و شبکه سازی علیه مجاهدین

در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۵ (۹ نوامبر ۲۰۱۶) بعد از خارج شدن از مناسبات مجاهدین، با خانواده ام در ایران رابطه برقرار کردم. هنوز چند روز گذشته بود که مزدور وزارت اطلاعات «ابراهیم خدابنده» روی مسنجر فیسبوک به سراغم آمد و با من ارتباط برقرار کرد. از اینکه از سازمان جدا شده ام تبریک



گفت. بعد از چند روز «مسعود خدابنده» از انگلستان هم تماس گرفت. کم کم به فکر رفتن به ایران افتادم و به سفارت رژیم در تیرانا مراجعه کردم. در ورودی سفارت یک دربان ایستاده بود که مرا به داخل برد. یک آدم قد بلندی آمد و مرا به اتاق انتظار که مشرف به بیرون بود راهنمایی کرد. از این اتاق راه پله ساختمان دیده می شد. او گفت اینجا بنشین تا صدایت کنم. بعد از ده دقیقه یک مرد با موهای جوگندمی و کم پشت از پله ها پائین آمد و پس از احوالپرسی، صحبت ها را شروع کردیم. اسم و سمتش را پرسیدم، پاسخ داد مرا به اسم «حاجی» صدا کن. از همان ابتدا، صحبت او حالت بازجویی داشت. از جمله سئوالاتی که مطرح کرد و پاسخی که دادم و در ذهنم باقی مانده به قرار زیر بود:



«حاجی»: چرا اینجا آمدی

جواب: می خواهم به ایران بروم

«حاجی»: از جداشده ها یا منافقین هستی؟

جواب: بله

«حاجی»: شرایط رفتن به ایران سخت است، باید وضعیت مالی خانواده تو

خوب باشد و مشکل قانونی نداشته باشی.... مجاهدین در آلبانی چکار می کنند؟

جواب: آنها در ساختمان هایی در منطقه کاشار زندگی می کنند.

«حاجی»: وضعیت شان چطور است؟

جواب: به دروغ گفتم وضعیت خوبی ندارند و اگر همین طور پیش برود تا

دو سال دیگر از هم می پاشند.

«حاجی»: اشکال ندارد. دو قطعه عکس ۶ در ۴ برای ما بیاورید تا از داخل

ایران موضوع تو را دنبال کنیم و زمانش که رسید بهت اطلاع می دهم.

جواب: عکس را چه زمانی بیاورم...

«حاجی»: شماره سفارت را داد .... الان وضعیت مالی تو چطور است؟



جواب: وضعیت مالی خوبی ندارم، محل استقرارم تحت پوشش کمیساریا است. «حاجی»: چند لحظه صبرکن (او رفت و با یک برگه برگشت) مبلغ ۲۵۰ یورو به من داد و گفت این ۲۵۰ یورو را بگیر و یک رسید به من بده. جواب: تشکر کردم.

(بعد از دو روز دو قطعه عکس را به سفارت بردم.) «حاجی»: آقای هادی ثانی خانی برای اینکه به ایران بروید باید از داخل جواب بیاید تا شما بتوانید به ایران برگردید. ما بلحاظ مالی می توانیم به شما کمک کنیم. تا قبل از رفتن به ایران هر ماه به شما مقداری پول می دهیم ولی شما هم باید کارهایی که سفارت مشخص می کند انجام بدهید از جمله نوشتن مقالات و مصاحبه و..... و به تدریج کارهای مشترک را بیشتر می کنیم. جواب: باشد

«حاجی»: آیا شما با کس دیگری هم در ایران در ارتباط هستید؟ جواب: من با ابراهیم خداینده در ایران و مسعود خداینده در انگلستان در ارتباط هستم.

«حاجی»: این خوب است فقط با همین دو نفر در تماس باش. بعد از دو سه ملاقات که در سفارت داشتم، «حاجی» شماره تلفن شخصی خود را به من داد و گفت می توانی از این به بعد با این شماره با من تماس بگیری. در صورتی که قبلاً شماره تلفن سفارت را داده بود. آدرس و شماره تلفنی که در ابتدای مراجعه به سفارت به من داده بود، شماره تلفن های علنی سفارت بود.

سفارت جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آلبانی  
نشانی: تیرانا - خیابان مصطفی ماتوهیتی - شماره ۲۰  
تلفن: ۲۲۲۷۶۹۸ / ۳۸۴ ۲۲۵۵۰۳۵۵ + نمابر: ۲۲۳۰۴۰۹ ۳۵۵ +



به این ترتیب با این هدف که به ایران برگردم پا در مسیری گذاشتم که پایانی به غایت زشت و ناهنجار داشت یعنی تبدیل شدن به یک مزدور تمام عیار دشمن مردم ایران و رژیم آخوندی. دو سه هفته ای با مسعود خدابنده کارها را هماهنگ می کردم و او خط و خطوط کار را می داد.

هم زمان منتظر بودم که از سفارت به من زنگ بزنند و زمان رفتن من را به ایران بگویند. ولی تماسی از سفارت با من گرفته نشد. من ارتباطم با سفارت را بیشتر کردم و کارهایی که محول می کردند را انجام می دادم (در بخشهای بعدی به تفصیل توضیح خواهم داد).

در تاریخ ۲۱ فروردین ۹۶ (۱۰ آوریل ۲۰۱۷) به دلیل ارتباط من با سفارت رژیم آخوندی در تیرانا، کمک مالی مجاهدین خلق به من قطع شد.

## ابلاغیه قطع رابطه و کمک مالی به هادی ثانی خانی

(برگرفته از سایت «ایران افشاگر» وابسته به مجاهدین)

**JNews.**

<https://www.iran-efshagari.com/%d8%aa%d8%b4%d8%b2%d8%b9%d8%b2%d8%b9>



**Representative of Liberty Residents in Albania**  
**Hasan Nayebogha**

Email: [nayebogha@iran-efshagari.com](mailto:nayebogha@iran-efshagari.com)  
Address: Rruga "Dritan Hoxha", Building Triava, Apartment 104, Triava, Albania

### ابلاغیه قطع رابطه و کمک مالی به هادی ثانی خانی

۱۰ آوریل ۲۰۱۷

هادی ثانی خانی در تاریخ ۹ سپتامبر ۲۰۱۶ بر روی خونهای مجاهدان اشرفی با صرف وقت و انرژی و هزینه زیاد، به آلبانی فرستاده شد و کلیه مخارج او را سازمان مهده دار گردید.  
نامبرده در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۶ اعلام بریدگی کرد و خود را هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد و خواهان کمک مالی برای تأمین هزینه های زندگی شخصی خود شد. رسیده های دریافتی ماهیانه وی تا آوریل ۲۰۱۷ موجود است.

اکنون با توجه به خبرهایی مبنی بر ارتباط نامبرده با وزارت اطلاعات آخوندها، در حالی که متعهد شده بود «از هرگونه ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با رژیم و عوامل و مزدوران آن اجتناب» نماید، هرگونه رابطه و کمک مالی سازمان مجاهدین خلق ایران با نامبرده ننگ و عار سیاسی محسوب و بالکل قطع می شود.  
درخواست کمک مالی و تعهد اجتناب از عوامل و مزدوران رژیم به خط و امضای هادی ثانی خانی ضمیمه است.

نماینده ساکنان در آلبانی - حسن نایب آقا

رونوشت:

- مشاور حقوقی سازمان مجاهدین خلق ایران
- نماینده سازمان مجاهدین خلق ایران
- نماینده مجاهدین در شورای ملی مقاومت ایران



## فصل دوم

نقش سفارت رژیم در ایجاد شبکه  
جاسوسی و بکارگیری مزدور



## گردانندگان ایستگاه اطلاعات سفارت رژیم در آلبانی

اولین نفری که در سفارت رژیم با او صحبت کردم اسم واقعی خود را به من نگفت و تاکید می کرد مرا به اسم «حاجی» صدا کن. او حدود ۵۰ سال سن داشت، قد او حدود ۱۷۰-۱۷۵ بود، موی سرش جوگندمی کوتاه و مقداری ریخته بود و استخوان بندی نسبتاً درشتی داشت. او در قرارهای بیرونی عمدتاً از کت و شلوار طوسی استفاده می کرد. پس از چندین ملاقات با او و صحبت با تعدادی از بریده مزدوران، متوجه شدم نفری که با مشخصات فوق در سفارت با من صحبت کرده و مکالمه تلفنی برقرار می کند، «فریدون زندی علی آبادی» می باشد. در اینترنت سوابق این فرد را جستجو کردم و متوجه شدم که در زمستان ۱۳۹۲ پس از انتقال مجاهدین خلق به آلبانی، وزارت اطلاعات «فریدون زندی علی آبادی» را برای اداره ایستگاه اطلاعاتی به آلبانی اعزام کرده و او را به عنوان «دبیر اول» سفارت ایران در تیرانا معرفی کرده است. براساس صحبت هایی که همان موقع از سایر بریده مزدوران شنیدم، فریدون زندی از اوایل سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ میلادی) با بریده مزدوران ارتباط داشت و در تماس های تلفنی و ملاقات های حضوری خودش را «حاجی» معرفی کرده است. او برای برقراری ارتباط و دیدار با مزدوران در تیرانا، از

شیوه‌های گوناگون از جمله از تاکسی استفاده می‌کرد. اکثر قراردادهای بیرونی خود با مزدوران را در داخل تاکسی‌های زرد رنگ اجرا می‌کرد و بیشتر اوقات، در مسیر میدان اسکندریگ و ننه ترزا تاکسی کرایه می‌کرد. شیوه قرار به این صورت بود که فریدون زندی و یک بریده مزدور در صندلی عقب ماشین می‌نشستند. با گرفتن اطلاعات و گزارش کار از بریده مزدوران مأموریت‌های بعدی آنها را مشخص می‌کرد. شیوه دیگر اجرای قراردادهای او به این صورت بود که بریده مزدور را توجیه می‌کرد یک جای امن که فاقد دوربین‌های کنترلی باشد را پیدا کند و زمان و محل قرار را هماهنگ می‌کرد. شماره تلفنی که فریدون زندی برای ارتباط با مزدوران استفاده می‌کرد، شماره ۰۰۳۵۵۶۹۸۶۲۴۵۱ بود، این شماره تلفن وایبر هم داشت. در آذر ۱۳۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷) مصطفی رودکی به جای فریدون زندی به آلبانی آمد و ارتباط با شبکه بریده مزدوران و فرماندهی آن را برعهده گرفت. مصطفی رودکی نیز به دلیل اقدامات جاسوسی و تروریستی در تاریخ ۲۸ آذر ۹۷ (۱۹ دسامبر ۲۰۱۸) از آلبانی اخراج شد.

## هماهنگی فریدون زندی با رئیس اطلاعات در عراق

قبل از انتقال مجاهدین به آلبانی، رئیس ایستگاه وزارت اطلاعات در عراق شخصی با نام مستعار «سجاد» بود که در هتل مهاجر بغداد نیز با مزدوران در ارتباط بود. از تابستان ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ میلادی) فریدون زندی برای ساختن شبکه جاسوسی برعلیه مجاهدین در آلبانی با «سجاد» در ارتباط بود و اطلاعات بریده مزدوران در آلبانی را با او مبادله می‌کرد. براساس گفته بریده مزدوانی که از اوایل سال ۱۳۹۳ با سفارت رژیم در ارتباط بودند، برخی اوقات «سجاد» مستقیماً با برخی از بریده مزدوران در آلبانی تماس می‌گرفت. شماره تلفن‌های «سجاد» برای تماس با مزدوران



در آلبانی به قرار زیر بود:  
شماره تلفن عراقی ۰۰۹۶۴۷۷۰۸۹۰۷۹۹۸ و زمانی که «سجاد» به ایران می رفت از شماره موبایل ۰۰۹۸۳۵۷۱۳۴۴۰۱ برای تماس با بریده مزدوران در آلبانی استفاده می کرد.

## **مصاحبه با سایت های وزارت اطلاعات به درخواست سفارت در بهمن ۱۳۹۷**

طی دو سال رابطه مستمر با سفارت رژیم (از اسفند ۱۳۹۵ تا بهمن ۱۳۹۷) مأموریت های محوله سفارت را انجام داده و با اسامی مستعار «زینال شهیدی» و «سعید زمانی» مطلب و گزارش در سایت های وزارت اطلاعات می نوشتم و مخفیانه از مقرهای مجاهدین خلق عکس و فیلم تهیه می کردم. در بهمن ۱۳۹۷ سفارت از من خواست با اسم واقعی خودم، با سایت های وزارت اطلاعات مصاحبه کنم. مصاحبه من را به صورت گسترده در سایت های وزارت اطلاعات منتشر کردند. کلیشه چند خبر در این رابطه ضمیمه است.

**نجات یافتگان در آلبانی:**

اجازه ندهید در آلبانی قلعه اشرف ساخته شود

خانه دربار ما    نماس ما    خانواده قربانیان    نجات یافتگان در آلبانی    سایت انگلیسی    سایت



رخمان مخمدیان: سوء استفاده فرقه  
روی از نام و آوازه استاد سخنران



موسی دامسرودی: مگر می شود در زندان  
و اسارتگاه شاد بود؟

**انجمن نجات**

صفحه اصلی    انجمن    خانوادهها    مراکز انجمن    اعضا جانشده از فرقه روی    فرقه روی    چند رسانه‌ای    تلکس

۹۹ صفحه نخست    اعضا جانشده از فرقه روی    از فرقه ی مجاهدین جدا شدم تا بتوانم بعد از ۲۰ سال خانواده ام را ببینم

**از فرقه ی مجاهدین جدا شدم تا بتوانم بعد از 20 سال خانواده ام را ببینم**

ما از حق دیدار با خانواده هایمان کوتاه نمی آییم

سایت نجات یافتگان در آلبانی - چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۱

با سلام بنده یکی از جدا شده هایی هستم که به مدت ۴ سال از فرقه جدا شده و علت جدا شدنم هم دیدن خانواده ام است که نزدیک به ۲۰ سال است که انتظار دیدن خانواده ام را می کشم ولی از مطالب روزگار این است که پای فرقه که به این کشور باز شد همه کشورها حق گرفتن ویزا دارند و می توانند از طرفی به این کشور بیایند برای سیر و سیاحت ولی بالاتر از آن که حق دیدن فامیل اصل این را از تمام ایرانی ها محروم کردند فرقه زمانی که همید کمپینی از طرف خانواده های نجاتش برای امضا گیری و طرح شکایت از دولت آلبانی در سازمان ملل مطرح شده به تکاپو افتاده من نمی دانم که این حق پایین ترین حقوق هر انسانی است که با فرزندانشان در هر کنجی دنیا دیدار داشته باشند ولی متأسفانه فرقه مجاهدین خلق که میباید که خانواده صد ها بار از جنگ و نبرد برایش بیشتر برادر تمام ندهای مملکت برای آمدن خانواده هارا بسته و با دادن پولهای کلان به نرات دولت اینجا که شاید پولها سر به آسمان بکشد دولت آلبانی را مجبور کرده که این حق قانونی را زیر پا بگذارد .



اعلام جدایی آقای هادی ثانی خانی از فرقه مجاهدین در آلبانی  
www.iran-azadi-albania.de

**اعلام جدایی رسمی آقای هادی ثانی خانی از**

**IRAN-INTERLINK**

خانه اخبار برگزیده ها گزارش پیوندها وبلاگ رایگانی صوتی تصویری

**بایه گوئیهای مریم رجوی و مجاهدین خلقش در آلبانی**

۵۷ سایت نجات یافتگان در آلبانی - ایران آذادی - 2019/09/01

بایه گوئیهای مریم رجوی و مجاهدین خلقش در آلبانی

ایمیل: [@](#) [f](#) [t](#) [+](#) [+](#) [+](#) [+](#)

های تانی خانی، نجات یافتگان در آلبانی، اول سپتامبر 2019.... بعضی مواقع به خودم میگویم خدایا در چه فرقه ای بوده ام که تمام کارهایش و اختیاراتش را با سانسور بیش نبودم مگر مریدی وجود نداشتند که این واقعیتها را بمنند و جواب اینها به این مردم چیست شاید در داخل مودشان بدوش را بزنند و افراد از سانسور بی خبر باشند ولی ای کاش که آنها هم دسترسی به اخبار فرقه مجاهدین داشتند که ببینند ۹۰ درصد خیرها سانسور شده هست ما که از خودشان بودیم به حقیقت رسیدیم و حتی بعضی مواقع که ایران رسانه های سانسور شده اینها را نگاه میکنم و اخبار را گوش میدهم خنده ام میگیرد که میگویم یازده سانسور در خیلی جاها هست ولی اینها شورش را در آورده اند و بقدری همتاقت و جواهر گوئی در اخبارهای اینها هست دیگر کسی به سرزاع خواندن اخبار آنها نرسود و اگر هم میرسد بیشتر برای خنده و با جوا دادن مطالب اینها هست . بایه گوئیهای مریم رجوی و مجاهدین خلقش در آلبانی

فرقه رجوی - مجاهدین خلق و بایه گوئیهای

های تانی خانی ، نورانا ، سایت نجات یافتگان از مجاهدین خلق در آلبانی . ایران آزادی . 30.08.2019

سلام عرض میکنم خدمت تمام هواداران ودوستان جدا شده از فرقه رجوی نجاتی که بجز شما هواداران کنسی را ندارند دیروز سری زدم به سایت ایران افشاگر تا ببینم مطالبش را وکسی بخندم من هر چند هفته ای سری به این ایران سانسوگر مزینم ومطالب جالبی نوشته شده بود که یکی از آنها چشم من را گرفت وحتی قلمش را دیدم به خودم گفتم به هر آدم سندی وجه هم نشانی بدی از نگاه کردن تمام بیخشنده حال آدم به هم می خوره . حال به مطالب کاری ندارم بیشتر دویغ کورب و بایه گوئی مجاهدین را که ۱۶ سال در بن آنها بودم را میخواهم بنام کنم مثل اینکه آقای طریف وزیر خارجه دولت ایران به لهستان و سوئد سفری داشته گفتم به نفر و مطلب کاری ندارم حتی اگر عزیزانم هم بد میخواستم حقیقت را بگویم بحث ما الان بحث ضد جاسوسیت است ، اما به مطالب ک... قلمشدا گاشده بدند... گاشده... آرد... طرف... ا... ا... ا...

ایران آزادی - ایران آزادی - ایران آزادی

کادینگانکای اندای باصفت ماری و نتر و سوزر کمپوست پوان رهبر تقدیدی

اعلام جدایی رسمی آقای هادی ثانی خانی از فرقه مجاهدین در آلبانی

بایه گوئیهای مریم رجوی و مجاهدین خلقش در آلبانی

بایه گوئیهای مریم رجوی و مجاهدین خلقش در آلبانی

## ارتباط با سایت های وزارت اطلاعات در داخل و خارج ایران

با روش های متعددی که «فریدون زندی علی آبادی» پیش برد، بعد از گذشت ۴ ماه در اسفند ۱۳۹۵ من سرشبهه بریده ها شدم. از نفراتی که به من وصل بودند، اخبار و اطلاعات و مطالبی را که می نوشتند، تحویل گرفته و به سایت های داخل ایران مثل انجمن نجات، سایت فراق، سایت راه نو و سایت های مزدوران اطلاعات در خارج کشور مثل ایران اینترلیک (متعلق به مسعود خدابنده در انگلستان)، کانون آوا (متعلق به علی اکبر راستگو در آلمان)، سایت «فرقه ها» در پاریس و مزدورانی مثل محمدکرمی و... می دادم. موضوعاتی که باید در مقالات نوشته می شد را «فریدون زندی علی آبادی» و مزدوران وزارت اطلاعات ابراهیم خدابنده در داخل ایران و مسعود خدابنده از انگلستان مشخص می کردند و می گفتند به فلان مناسبت یا موضوعات مهم روز مطلب بنویسیم. وقتی مناسبت خاصی نبود یک موضوع ثابت به همه داده بودیم که روی موضوعات زیر گزارش و مقاله بنویسند:

*خاطرات و مشاهدات از شکنجه و زندانی شدن بریده ها و افراد ناراضی در تشکیلات - مجاهدین فرقه هستند - مغزشویی می کنند - مخالف خانواده هستند - دمکراسی در مناسبات نیست - در نشست های انقلاط چه چیزهایی اتفاق می افتاد - کرد کشی کردند - پول از عربستان و آمریکا می گیرند و...*

این موضوعات ثابتی بود که هر بریده مزدور بایستی در باره آنها می نوشت. خیلی از نفرات هم برای اینکه پول بگیرند دروغ های عجیب و غریب تولید می کردند. وقتی خودمان نیز در جمع بریده ها و مزدوران مطالبی را که راجع به زندان و شکنجه مجاهدین نوشته بودند را می خواندیم به تمسخر و استهزای همدیگر می پرداختیم. چون می دانستیم که این موضوعات اصلا صحت ندارد. من در تمام مدتی که پیش مجاهدین بودم نه زندان دیده بودم و نه زندانی و نه شکنجه و توهین. ولی اصل بر نوشتن مطالبی بود که «فریدون زندی علی آبادی» و ابراهیم و مسعود خدابنده مشخص می کردند

تا در ازا آن هر ماه چند صد یورو دریافت کنند. یکبار حسن حیرانی در صحبت خصوصی به من گفت: «... مسعود خدابنده و همسر او «آن سینگلتون» بابت همکاری و چرخاندن سایت ایران اینترلیک، هر کدامشان ماهیانه ۵۰۰۰ پوند حقوق می گیرند؛ ولی ما باید با پول خیلی کمتری علیه مجاهدین در آلبانی فعالیت بکنیم»

یکبار حدود یک هفته مسعود خدابنده با من تماس نگرفت؛ بعداً که ارتباطمان برقرار شد، سوال کردم کجا بودی و تماس نداشتی؟ پاسخ داد: «رفته بودم فرانسه پیش دوست صمیمی خودم محمد رزاقی تخته نرد بازی کنیم...». در واقع او برای توجیه مزدور محمد رزاقی به پاریس رفته بود.

متعاقباً از مجموعه صحبت هایی که «فریدون زندی علی آبادی» و سایر بریده مزدوران مطرح می کردند و کارهایی که مسعود خدابنده انجام می داد، متوجه شده بودم که او اصلی ترین مأمور وزارت اطلاعات در اروپا می باشد و برای دادن خط کار و پول به مزدوران وزارت اطلاعات، به برخی از کشورهای اروپایی تردد می کند. رفتن او به فرانسه و دیدن محمد رزاقی نیز در همین رابطه بود.

### **تلاش «فریدون زندی علی آبادی» برای جذب نفرات با سابقه**

در اوایل سال ۱۳۹۶ که چند نفر از بریده ها به ما وصل شدند و یک شبکه مزد بگیر رژیم تشکیل دادیم، درخواست های «فریدون زندی علی آبادی» هم بیشتر شد. او فقط دنبال نفرات پایین نبود و هر بار تاکید می کرد که شما باید کسانی را جذب کنید که در مجاهدین سابقه بیشتری دارند. در مقابل اصرار مکرر او، یک بار من گفتم از نفرات قدیمی کسی نبریده است و اگر هم یکی دو نفر بریده که سابقه بیشتری داشته است، بدنبال زندگی خود می رود و به راحتی کنده نمی شوند، چون سال ها ضد رژیم بودند؛ این نوع بریده با ۳۰۰ یا ۵۰۰ یورو جذب نمی شود. «فریدون زندی علی آبادی» گفت نگران

پول نباشید، به آنها بیشتر خواهیم داد، اما باید اطلاعاتی بدهند که بدرد بخور باشد. «فریدون زندی علی آبادی» از یک مقطعی دیگر بدنبال مقاله نویسی نبود. برای او مهم جمع آوری اطلاعات از طریق بریده ها بخصوص بریده هایی بود که سابقه بیشتر داشتند. البته در این کار نتوانست موفق بشود. «فریدون زندی علی آبادی» مکرراً ما را سرزنش می کرد که عرضه جذب یک نفر از اینها را ندارید؟! تا اینکه برای نزدیک شدن به چنین بریده هایی، رژیم از نفراتی که به صورت مخفی با سفارت ارتباط داشتند استفاده کرد.

### **بکارگیری هادی ناصری مقدم برای جذب مزدور به سفارت**

چون من (هادی ثانی خانی) و نفراتی که در شبکه من بودند نتوانستیم از بریده هایی که می خواستند به دنبال زندگی خود بروند کسی را جذب کنیم، لذا سفارت «هادی ناصری مقدم» را بکار گرفت.

هادی ناصری مقدم مدتی در مناسبات مجاهدین بود و وضعیت ناهنجار و مشکوکی داشت. از مقر مجاهدین بنام «مفید» مخفیانه بیرون می رفت. در سال ۱۳۹۵ که هنوز در مناسبات مجاهدین بودم یک بار هادی ناصری مقدم، یک بسته قرص آرام بخش به من داد. پرسیدم این دارو را از کجا آورده ای؟ گفت: این را غلامرضا شکری داده است و با او در مکانی خلوت ملاقات می کنم و این دارو را هم داده که استفاده کنم. بعد از یک هفته از این ماجرا متوجه شدم مجاهدین ناصری مقدم را از مناسبات اخراج کرده اند. وقتی خودم سال ۱۳۹۵ مناسبات را ترک کردم روزی در یک هتل، هادی ناصری را دیدم. بعد از مدتی متوجه شدم که هادی ناصری به صورت مخفی با سفارت رژیم ارتباط دارد. بعداً او نیز جزء شبکه من شد ولی هم چنان ارتباط خود را با سفارت رژیم مخفی نگه می داشت. او قبل از اینکه رابطه خود را با سفارت رژیم و وزارت اطلاعات علنی کند، با نام مستعار «اکبر حسنی» در سایت های وزارت اطلاعات مطلب می نوشت.

او فرد مناسب رژیم برای تماس با بریده‌های جدیدی بود که می‌خواستند به دنبال زندگی خود بروند.

«هادی ناصری مقدم» با لودگی به سراغ نفرات می‌رفت و گزارش آن را به سفارت رژیم می‌داد و طرح و برنامه بعدی برای جذب نفر را در می‌آوردند. او به من گفته بود:

«... برادرم در ایران با وزارت اطلاعات کار می‌کند و خانواده‌ام با انجمن نجات استان گلستان در ارتباط هستند. اخبار و اطلاعات آلبانی را برای برادرم می‌فرستم و او درقبال این اطلاعات و اخبار، از وزارت اطلاعات پول می‌گیرد».

به گفته خودش حقوق ماهیانه برادر او از وزارت اطلاعات هر ماه حدود دو میلیون تومان بود. هادی ناصری از من درخواست می‌کرد که اخبار و اطلاعات بیشتری به او بدهم تا برای برادرش در ایران بفرستد و پول بیشتری بگیرد. در سال ۱۳۹۶ چون کارهای من زیاد شده بود سعی می‌کردم که سرتیم‌های دیگری را آموزش داده و نفرات را به آنها وصل کنم. در همین دوران بود که هادی ناصری را به یک نفر از اعضای شبکه خودم تحویل دادم، ولی گزارش کارهای او از جمله مقاله نویسی و جمع‌آوری اطلاعات را دریافت می‌کردم تا به سفارت بدهم. رسید پول‌ها را نیز خودم جمع‌آوری می‌کردم. یک بار متوجه شدم یک برگه رسید دریافت پول اضافه بر تعداد بریده‌ها می‌باشد. از هادی ناصری موضوع را پیگیری کردم او گفت «این برگه رسید اضافه، متعلق به من هست چون به سفارت به دروغ گفته‌ام با نفری در درون سازمان در ارتباط هستم و اخبار و اطلاعات از او می‌گیرم و با این بهانه هر ماه ۳۰۰ یورو اضافه می‌گیرم و بین ۳ نفر تقسیم می‌کنم».

اخبار ساختگی از درون مناسبات مجاهدین تولید می‌کنیم و سفارت هم نمی‌فهمد». بعداً فهمیدم غلامرضا شکری هم بریده‌های موهوم تولید کرده و از سفارت پول اضافی می‌گیرند. چون تهدید قطع کردن جیره و مواجب سایر بریده‌ها از طرف سفارت وجود داشت. این موضوع را به سفارت گزارش

نکردم. به احتمال قوی، به دلیل اینکه بریده‌های موهوم زیاد شده بود؛ «فریدون زندی علی آبادی» به من گفت باید تعدادی از بریده‌ها را از شبکه حذف کنم چون مصرف قبلی را ندارند.

هادی ناصری مقدم پس از اثبات مزدوری کامل، به پیش وزارت اطلاعات در داخل ایران رفت و سایت‌های وزارت اطلاعات در آذرماه ۱۳۹۹ مطالب و عکس‌های او را در سایت‌های وزارت اطلاعات در داخل ایران منتشر کردند.



## طرح شکست خورده سفارت برای جذب یک بریده

«فریدون زندی علی آبادی» خیلی اصرار می‌کرد که من (هادی ثانی خانی) یک نفر از بریده‌های سازمان را که سابقه مبارزاتی بیشتری داشت را جذب کنم، نفرمورد نظر را سفارت به من معرفی کرد که برای جذب او بروم. من خیلی تلاش کردم و نتوانستم ارتباطی برقرار کنم، چون وجهه بدی برای خودم ایجاد کرده بودم و به صورت علنی بر علیه مجاهدین فعالیت می‌کردم، به همین دلیل خیلی سخت بود که من بتوانم او را جذب و در راستای اهداف سفارت بکار بگیرم. غلامرضا شکری پیشنهاد داد با آن فرد که وضعیت مالی خوبی نداشت و

می خواست به یک کشور اروپایی برود، ارتباط برقرار کنیم. در مرحله اول برای جذب او ۳۵۰ یورو دادیم ولی از سفارت به ما اعلام کردند پولی که به او داده ایم در قبال آن بایستی کار بکند و برای جذب نیرو به سراغ بریده های دیگر برود. از طریق غلامرضا شکری به آن فرد اطلاع دادیم، ولی او قبول نکرد و تاکید داشت که من با رژیم مرز سرخ دارم و تن به کارهای کثیف نمی دهم. ما این موضوع را به سفارت گزارش کردیم که آن فرد حاضر به همکاری نیست. «فریدون زندی علی آبادی» که بیش از حد ناراحت بود گفت اگر قرار نیست برای ما کار کند بروید آن ۳۵۰ یورو را پس بگیرید. ما اصرار کردیم که بین بریده ها بازتاب خوبی نخواهد داشت ولی او تاکید کرد باید همکاری بکند تا پول ماهانه پردازیم و بیشتر هم می پردازیم، اگر قبول نمی کند همه پول را پس بگیرید. مجدداً سراغ آن فرد رفتیم و او پول را پس داد و موضوع را به سفارت گزارش کردیم.

این برخوردها بر عذاب وجدان و بر پشیمانی من می افزود چرا که می دیدم که سفارت و وزارت اطلاعات رژیم فقط فقط برای شیطان سازی علیه سازمان مجاهدین به نفرت پول می دهند و هیچ ارزش انسانی برای هیچ کسی قائل نیستند. هر بار که این برخوردهای سفارت را می دیدم به این می رسیدم که چه اشتباهی کردم وارد دستگاه سفارت شدم.

به دورانی که در مناسبات مجاهدین بودم فکر می کردم که همیشه با ما به عنوان انسان آگاه برخورد می شد. ما را همواره در معرض انتخاب می گذاشتند و اجباری در کار نبود. بدون اجبار و تحمیل به سازمان مجاهدین وصل شدم، ۱۴ سال در مجاهدین با احترام همه مشکلات را حل کردند و وقتی هم به دلیل الزامات و سختی مبارزه، نکشیدم و بیرون آمدم با احترام با من رفتار کردند و تا وقتی هم که نمی دانستند به خدمت وزارت در آمده ام به من کمک کردند. اما متقابلاً می دیدم که مأموران سفارت در مقابل مقدار پولی که به فرد می دادند بایستی چه کارهای شومی برایشان انجام بدهد. این ریلی بود که بریده های مرتبط با سفارت و وزارت اطلاعات انجام می دادند.



فصل سوم

دسته بندی مزدوران



## مزدوران علنی

مزدورانی که در سایت‌ها و رسانه‌های وزارت اطلاعات در آلبانی و سایر کشورهای اروپایی به صورت علنی علیه مجاهدین به لجن‌پراکنی می‌پرداختند، در هر برنامه‌ای بکارگرفته می‌شدند. به این نوع مزدوران، «علنی‌ها» گفته می‌شد که می‌خواستند به ایران بروند. موجب این نفرت بیش از ۵۰۰ یورو در هرامه بود. نفراتی مثل عظیم میش مست، منوچهر عبدی، سعد الله سیفی، غلامعلی میرزایی، موسی دامرودی، پرویز حیدرزاده، رحمان محمدیان، علی هاجری و ....

این افراد برای رفتن به ایران بایستی سرسپردگی کامل خودشان را اثبات می‌کردند. چند سال بایستی انواع و اقسام جاسوسی و شیطان‌سازی می‌کردند تا اینکه وزارت اطلاعات با رفتن آنها به ایران موافقت می‌کرد. مزدورانی بودند که ۳-۴ سال در آلبانی علیه سازمان سمپاشی می‌کردند، ولی وزارت اطلاعات برگشت آنها به ایران را تایید نمی‌کرد تا بیشتر و بیشتر در آلبانی مزدوری نکنند. برای افراد مسن تر بیشتر سخت می‌گرفتند. افرادی مثل رئوف فرامرزی و محمد تورنگ که سریع به ایران رفتند روابط ویژه‌ای با وزارت اطلاعات داشتند و شرایط آن را در کوتاه‌ترین زمان برآورده کردند.

این افراد در ایران حدود سه هفته در اختیار وزارت اطلاعات بودند و آنها را تخلیه اطلاعاتی می کردند. در این سه هفته نه ارتباط تلفنی با کسی داشتند و نه خانواده آنها حق دیدار با آنها داشتند. یک ندامت نامه هم می گرفتند که طرف باید هرچه وزارت اطلاعات می گفت همان را می نوشت و تاکید می کرد اگر این ندامت نامه را نقض کند بهای سنگینی باید بدهد. برای مدت نامعینی آنها بایستی خودشان را به نزدیکترین مکان اطلاعات معرفی می کردند و نباید از شهر خودشان دور می شدند و تمام خواسته های رژیم را باید اجراء می کردند. در تمامی رسانه های وزارت اطلاعات در داخل مصاحبه می کردند و در شوهایی که تحت عنوان انجمن نجات ترتیب می دادند شرکت فعال داشته باشند. در هر شهر و مکانی که وزارت خواست، برنامه اجرا کنند و به پیش خانواده های مجاهدین بروند تا آنها را علیه فرزندان شان برانگیزند و هر چیزی را وزارت اطلاعات مشخص کند بر علیه سازمان به خانواده ها بگویند. این پروسه برای همه مزدورانی که به ایران منتقل می شوند تقریباً مشابه است.

### مزدور سعدالله سیفی در جلسه وزارت اطلاعات در کرمانشاه این دیدار در دفترانجمن نجات کرمانشاه برگزار شد

### انجمن نجات مرکز کرمانشاه یکشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۷



گردهمایی تعدادی از خانواده های کرمانشاهی در دفتر انجمن نجات استان

این خانواده ها به پیشنهاد خود از خانواده جدید برکنشده آقای سعدالله سیفی هم دیدار

ایوب حاتمیانگ و سعیدان ساربانان حلال

### کلون لقا

### مزدور عظیمی میش مست در اغوش ملایان حاکم بر ایران



### نجات بانگدان ایلیانی 27 فوریه 2016



ایحسان بیدی - ۲۸ آگوست ۱۳۹۲  
زیبا احسان بیدی مدتی عضو سازمان معاندین خلق بوده ولی اکنون از آنها جدا شده و تحت حمایت دولت است

یک سری از نفراتی که به صورت علنی مزدوری می کردند، سرشبهه های اصلی بودند و وزارت اطلاعات از آنها خواسته بود که در آلبانی بمانند و فعالیت نکنند. من از سفارت خواسته بودم که به نفرات علنی همراه صد یورو به عنوان پول آب و برق و اجاره خانه اضافه کنند تا در رسانه ها و کارهایی که سفارت یا مزدوران اطلاعات در خارج نظیر مسعود خدابنده، علی اکبر راستگو و سبحانی مشخص می کردند؛ فعالتر وارد بشوند. سفارت این موضوع را قبول کرد، ولی بعداً مزدور احسان بیدی به «فریدون زندی علی آبادی» گفته بود هادی ثانی خانی خودش می داند که بریده ها هیچ نیازی به پول اضافی ندارند. به همین دلیل «فریدون زندی علی آبادی» از دادن پول بیشتر برای اعضای شبکه منصرف شد. در این رابطه من با احسان بیدی درگیر شدم که چرا این کار را کرده است، ولی احسان بیدی می گفت تو نباید پول بیشتری به آنها بدهی تا همیشه وابسته به سفارت باشند و به تدریج پول بگیرند و بیشتر افشاگری کنند.

## غیر علنی ها

تعدادی از بریده ها بصورت علنی اعلام مزدوری نکرده بودند و در پشت پرده با سفارت و وزارت اطلاعات در ارتباط بودند. به این نوع مزدوران «غیر علنی ها» گفته می شد. افرادی مثل باقر محمدی، هادی ناصری مقدم و..... سفارت به بریده هایی که به صورت غیر علنی مزدوری می کردند ۳۰۰ یورو مواجب می داد و برخی اوقات برای بکارگیری بیشتر آنها، اضافه بر ۳۰۰ یورو نیز می داد. دستورالعمل سفارت به مزدوران غیر علنی نیز این بود که مقالات و گزارشات و خاطرات را با اسم مستعار تولید و منتشر کنند. برخی از این مزدوران با اخبار ساختگی و کذب مدعی می شدند که با داخل تشکیلات مجاهدین ارتباط تلفنی دارند. ما همین اخبار و گزارشات را سریعاً به سفارت اطلاع می دادیم و در زنجیره سایت های وزارت اطلاعات به عنوان خبر موثق و درونی پخش و منتشر می شد در حالی که هیچ کدام صحت نداشت. یکی از

بریده مزدوران غیرعلنی به دروغ مدعی شده بود که من با یک نفر در داخل مناسبات ارتباط دارم که او نیاز به موبایل دارد. «فریدون زندی علی آبادی» ۲۵۰ یورو برای خرید این موبایل به او داد، بعداً کذب بودن ارتباط او با داخل تشکیلات بین بریده ها فاش شد.

چند نفر از بریده ها که در پشت پرده با سفارت ارتباط داشتند، از مجاهدین نیز کمک مالی می گرفتند. آنها با مراجعه به دفتر تلاش می کردند مشاهدات و اخبار مورد نظر سفارت را بدست بیاورند و به سرشبهه ها بدهند تا در اختیار سفارت قرار بدهند. از آنجایی که در دفتر هیچ خبر قابل استفاده ای برای سفارت پیدا نمی شد این مزدوران اساساً اخبار جعلی تولید و وانمود می کردند در مراجعه به دفتر مجاهدین این اخبار را کسب کرده اند. مجاهدین زمانی که متوجه ارتباط این افراد با سفارت می شدند بلافاصله با دادن یک اطلاعیه کمک مالی به آنها را قطع می کردند.

برخی از مزدوران برای اینکه پول دریافت کنند دروغ های عجیبی تولید می کردند که سفارت هم که تشنه اطلاعات از درون مجاهدین بود باور می کرد، مزدوران به عنوان مثال گزارش می کردند که ما با نفرات داخل تشکیلات رابطه برقرار کردیم و ... زهرا مریخی نشست گذاشته سر فردیت صحبت کرد، سه نفر مخالفت کردند و وضعیت مناسبات و مجاهدین داغان شده است و... این نوع داستان سرایی ها را به عنوان اخبار داخل تشکیلات برای سفارت و وزارت اطلاعات می فرستادند. من به این مزدوران می گفتم به چه دلیلی این مطالب کذب را می نویسید ما خودمان در تشکیلات بودیم و یک نمونه از این مطالب را هم ندیده ایم. آنها پاسخ می دادند برای اینکه سفارت مشخص کرده هرماه ۱۲مطلب بنویسم و پول بگیریم و ما هم مطلب تولید می کنیم که مواجب ما کم نشود.

از زمستان ۱۳۹۵ که به مدت دو سال و نیم من سرشبهه بودم حتی یک مورد خبر درست که این مزدوران از درون مجاهدین بدست آورده باشند ندیدم و همه خبرهای مورد ادعای آنها، ساختگی و کذب بود. یکی از شروط

**سفارت، اعلام بریدگی در سایت‌های وزارت اطلاعات در داخل ایران بود.** این نوع مزدوران پس از فعالیت‌های مخفی علیه مجاهدین، اگر می‌خواستند به ایران بروند یا مزد بیشتری بگیرند، باید به صورت علنی اعلام مزدوری کرده و بر علیه مجاهدین لجن پراکنی می‌کردند. لازم بود یک دوره یک ساله یا بیشتر بطور علنی علیه مجاهدین مطلب می‌نوشتند تا مورد تأیید وزارت اطلاعات قرار بگیرند. رضا مزگی نژاد که در سال ۱۳۹۶ از مناسبات مجاهدین اخراج شده بود و سپس با سفارت مرتبط بود و وزارت اطلاعات این مزدور را در آلبانی به خدمت گرفته بود. در پائیز ۱۳۹۹ پس از اینکه مجاهدین او را افشاء کردند، وزارت اطلاعات مزدوری او را در سایت‌های وزارت اطلاعات علنی کرد.

مزدور باقر محمدی که در زمستان ۱۳۹۷ از سازمان مجاهدین اخراج شده بود در ارتباط با سفارت رژیم قرار داشت. برادر او بنام نادر از مأموران وزارت اطلاعات در کرمانشاه بود که با هم ارتباط داشتند. در پائیز ۱۳۹۹ پس از اینکه مجاهدین او را افشاء کردند، رژیم مزدوری او را به صورت علنی در سایت‌های وزارت اطلاعات بر ملا کرد.

### **ماموریت‌های ابلاغ شده به برخی از مزدوران**

**غلامرضا شکری** - حدوداً از سال ۱۳۹۵ با سفارت و وزارت اطلاعات در داخل ایران مرتبط بود. یکی از کارهای او دادن اخبار و گزارش بریده‌ها به وزارت اطلاعات در داخل ایران بود. غلامرضا شکری عمدتاً با تلفن خودش به شماره ۰۰۳۵۵۶۹۹۳۴۷۵۷۵ با داخل و سفارت رژیم ارتباط می‌گرفت. او هم چنین از طریق خواهرش در ایران بنام «ماریا» که به انجمن نجات وصل است، با وزارت اطلاعات ارتباط مستمر دارد. غلامرضا شکری اطلاعات و اخبار بریده‌ها و یا موضوعات ساختگی را از طریق خواهرش به نفرات وزارت اطلاعات منتقل می‌کرد. خواهر او از این بابت ماهانه حدود دو میلیون تومان



از وزارت اطلاعات دریافت می کرد. در حالی که وزارت اطلاعات بارها تاکید کرده بود که شما باید تمامی ارتباطات خود را از کانال رابط خودتان برقرار کنید و نباید مستقیماً با انجمن نجات رابطه داشته باشید؛ ولی به دلیل اعتمادی که وزارت اطلاعات به غلامرضا شکری داشت، او از طریق خواهرش نیز با انجمن های نجات و وزارت اطلاعات در داخل ارتباط می گرفت.

یک مأموریت دیگر غلامرضا شکری، ترتیب دادن مصاحبه مزدوران با تلویزیون اینترنتی «مردم تی وی -پارسا سربی» از طریق محمد کرمی بود. در بسیاری از مواقع شکری نفر موردنظر را انتخاب و برای مصاحبه آماده و طبق موضوعاتی که سفارت یا وزارت مشخص می کرد، توجیه می نمود. شکری از همین مزدوران مقاله و گزارش و خاطرات می گرفت و برای درج به سایت های وزارت اطلاعات در ایران و خارج می داد. نفراتی که به غلامرضا شکری وصل بودند عبارتند از:

علی هاجری، رضا اسلامی، موسی دامرودی و پرویز حیدرزاده که بعد از دستگیری غلامرضا شکری توسط دولت آلبانی به حسن حیرانی وصل شدند. غلامرضا شکری در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ (۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰) در شهر «دورس» توسط نیروهای امنیتی دولت آلبانی به جرم قاچاق و کارهای غیرقانونی دستگیر و به زندانی در «تیرانا» منتقل کرده بودند.

پس از دستگیری غلامرضا شکری، اطلاعات رژیم به حسن حیرانی گفته بود رابطه با غلامرضا شکری را قطع کنید تا دستگیری او به حساب رژیم و سایر مزدوران گذاشته نشود.

**عبدالرحمان محمدیان** - مأموریت اصلی او از سال ۱۳۹۶ نوشتن مقالات در مورد مجاهدین است. بخاطر اینکه در نوشتن مقالات نسبت به سایر بریده مزدوران واردتر است، مقالات و خاطرات را به او می سپارند که از بریده ها بگیرد و مطالب را مطابق خواسته های وزارت ویراستاری و

به سایت‌های وزارت اطلاعات بدهد. هم‌چنین مصاحبه با تلویزیون و سایت‌های مختلف رژیم را سرهم می‌کند. شماره تلفن او برای ارتباط با مزدوران ۰۰۳۵۵۶۹۷۸۳۹۵۸۰ می‌باشد.

**علی هاجری** - از سال ۱۳۹۷ با سفارت و وزارت اطلاعات در داخل ایران ارتباط دارد. کار او مصاحبه و نوشتن مقالات و فعالیت در فیسبوک است. هم‌چنین بخاطر اینکه خواهر او بنام «شهین هاجری» و برادرش بنام «محمود هاجری» از مأموران وزارت اطلاعات در ایران هستند، رساندن اخبار به آنها در اولویت کار او می‌باشد. شماره تلفن او برای ارتباط با وزارت اطلاعات ۰۰۳۵۵۶۹۸۷۷۷۹۷۸ می‌باشد.

**مالک بیت مشعل** - از اواسط سال ۱۳۹۶ سمپاشی علیه مجاهدین را برعهده دارد. مصاحبه و مقاله نوشتن و تولید دروغ در فیسبوک علیه مجاهدین، از مأموریت‌های ابلاغ شده به او می‌باشد. شماره تلفن او برای ارتباط با مزدوران ۰۰۳۵۵۶۹۳۳۳۰۱۴۳ است.

**حسن شهباز** - از سال ۱۳۹۷ مزدور سفارت رژیم شد. وظیفه او نوشتن مقالات و مصاحبه و فعالیت در فیسبوک، است. شماره تلفن او برای ارتباط با مزدوران ۰۰۳۵۵۶۹۹۷۴۴۵۷۶ می‌باشد

**پرویز حیدرزاده** - از اواسط ۱۳۹۶ به استخدام وزارت اطلاعات در آمده است. مأموریت او مصاحبه و نوشتن مقالات و ارتباط با انجمن نجات می‌باشد. شماره تلفن او ۰۰۳۵۵۶۹۷۷۹۲۷۲۸ است.

**رضا اسلامی** - مأموریت او از سال ۱۳۹۶ نوشتن مقالات و دادن اخبار و گزارش از بریده‌ها است. او انبوهی داستان‌سرایی کرده و مطالب دروغ بر علیه مجاهدین منتشر می‌کند. شماره تلفن او برای ارتباط با وزارت اطلاعات ۰۰۳۵۵۶۹۲۱۰۲۸۹۶ است.

**موسی دامرودی** - از سال ۱۳۹۷ به استخدام وزارت اطلاعات در آمده است. کار او مصاحبه با تلویزیون (مردم تی وی - پارسا سربی) و نوشتن مقالات و انتشار اکاذیب در فیسبوک است. شماره تلفن او ۰۰۳۵۵۶۹۵۶۲۲۴۹۹ است.

نمونه هایی از یاهو های مزدوران، در برخی از سایت های وزارت اطلاعات

**سایت خبری امنیتی** | **خبرگزاری فارس** | **خبرگزاری آنا** | **خبرگزاری مهر** | **خبرگزاری تسنیم** | **خبرگزاری ایسنا** | **خبرگزاری دانشجویان ایران (ایس‌تین)** | **خبرگزاری صدا و سیما** | **خبرگزاری پارس** | **خبرگزاری خاورمیانه** | **خبرگزاری بین‌المللی قرآن** | **خبرگزاری فارس** | **خبرگزاری آنا** | **خبرگزاری مهر** | **خبرگزاری تسنیم** | **خبرگزاری ایسنا** | **خبرگزاری دانشجویان ایران (ایس‌تین)** | **خبرگزاری صدا و سیما** | **خبرگزاری پارس** | **خبرگزاری خاورمیانه** | **خبرگزاری بین‌المللی قرآن**

**اطلاع جهانی ضمن جریانی از فرقه مجاهدین خلق در آلبانی**

از سوی سازمان اطلاعات و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران اعلام شد که در جریان عملیات ویژه در آلبانی، فرقه مجاهدین خلق در این کشور به فعالیت می‌پردازد. این گروه در تلاش است تا با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سایر ابزارها، نفوذ خود را در این کشور گسترده کند. همچنین، فرقه مجاهدین خلق در آلبانی به تبلیغ و جذب نیرو می‌پردازد و سعی دارد تا با ایجاد تنش و ناآرامی در این کشور، زمینه را برای اقدامات بیشتر فراهم کند.

**تیزر یک پرونده سیرانگیزه برای رهبران از فرقه مجاهدین مزدوری**

سازمان اطلاعات و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که در جریان عملیات ویژه در آلبانی، فرقه مجاهدین خلق در این کشور به فعالیت می‌پردازد. این گروه در تلاش است تا با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سایر ابزارها، نفوذ خود را در این کشور گسترده کند. همچنین، فرقه مجاهدین خلق در آلبانی به تبلیغ و جذب نیرو می‌پردازد و سعی دارد تا با ایجاد تنش و ناآرامی در این کشور، زمینه را برای اقدامات بیشتر فراهم کند.

**اطلاع جهانی ضمن آلبانی میانی موسی امروزی از فرقه مجاهدین خلق در آلبانی**

سازمان اطلاعات و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که در جریان عملیات ویژه در آلبانی، فرقه مجاهدین خلق در این کشور به فعالیت می‌پردازد. این گروه در تلاش است تا با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سایر ابزارها، نفوذ خود را در این کشور گسترده کند. همچنین، فرقه مجاهدین خلق در آلبانی به تبلیغ و جذب نیرو می‌پردازد و سعی دارد تا با ایجاد تنش و ناآرامی در این کشور، زمینه را برای اقدامات بیشتر فراهم کند.

**فراق**

سازمان اطلاعات و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که در جریان عملیات ویژه در آلبانی، فرقه مجاهدین خلق در این کشور به فعالیت می‌پردازد. این گروه در تلاش است تا با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سایر ابزارها، نفوذ خود را در این کشور گسترده کند. همچنین، فرقه مجاهدین خلق در آلبانی به تبلیغ و جذب نیرو می‌پردازد و سعی دارد تا با ایجاد تنش و ناآرامی در این کشور، زمینه را برای اقدامات بیشتر فراهم کند.

**پیام تبریک اعضای جدا شده خورستانی به آقای ملک نیرت مسئول نمایندگی ازادی**

سازمان اطلاعات و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که در جریان عملیات ویژه در آلبانی، فرقه مجاهدین خلق در این کشور به فعالیت می‌پردازد. این گروه در تلاش است تا با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سایر ابزارها، نفوذ خود را در این کشور گسترده کند. همچنین، فرقه مجاهدین خلق در آلبانی به تبلیغ و جذب نیرو می‌پردازد و سعی دارد تا با ایجاد تنش و ناآرامی در این کشور، زمینه را برای اقدامات بیشتر فراهم کند.

## مزدور احسان بیدی در آلبانی

احسان بیدی در سال ۱۳۸۱ نزد مجاهدین آمد. او در سال ۱۳۹۱ خود را در لیبرتی به نیروهای عراقی تسلیم کرد و به هتل مهاجر بغداد که زیر کنترل سجاد رئیس ایستگاه وزارت اطلاعات رژیم در عراق بود، منتقل شد. او در مهر ۱۳۹۲ با یک پاسپورت ایرانی به آلبانی منتقل شد.

وزارت اطلاعات، احسان بیدی را برای ایجاد ارتباط با بریده‌ها به آلبانی فرستاده بود. احسان بیدی در آلبانی از ابتدای ورود در ارتباط با سفارت رژیم قرار گرفت و به فریدون زندی علی‌آبادی وصل شد. وزارت اطلاعات هر ماه هزار یورو به او می‌داد. بعضی مواقع هم کمک‌های نقدی یا کامپیوتر و تلفن و... از خارج آلبانی توسط مزدورانی مانند قربانعلی حسین نژاد برای او ارسال می‌شد.

احسان بیدی هم‌زمان با مسعود خدابنده، با سفارت و وزارت در داخل ایران ارتباط مستقیم داشت. علاوه بر اینها اخبار و اطلاعات را به دیگر عوامل رژیم در خارج کشور مانند علی‌اکبر راستگو و محمدحسین سبحانی در آلمان، محمد کرمی در فرانسه و ... ارسال می‌کرد. احسان بیدی در مرداد سال ۹۸ به جرم اقدامات غیرقانونی توسط پلیس آلبانی دستگیر و به کمپ بسته کاریچ در مامیناس منتقل شد و حسن حیرانی هرماه ۳۰۰ یورو به او می‌داد. شماره تلفن احسان بیدی که با سفارت رژیم و بریده‌ها ارتباط می‌گرفت ۰۰۳۵۵۶۹۲۵۹۲۴۳۹ بود.

بدلیل ارتباطات او با سفارت و وزارت اطلاعات، در ۲۳ مرداد ۹۹ (۱۳/۱۳/۲۰۲۰) تلویزیون تاپ چنل اعلام کرده بود:

«احسان بیدی یک مأمور وزارت اطلاعات رژیم ایران در آلبانی بود و در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۱۳ به عنوان یک پناهنده و «عضو سابق سازمان مجاهدین خلق ایران» با یک پاسپورت ایرانی صادر شده توسط وزارت اطلاعات وارد



## کنفرانس مطبوعاتی "جرجی تاناسی" برای آزادی احسان بیدی

بعد از آزادی موقت احسان بیدی، در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۹ (۱۴ اوت ۲۰۲۰) وزارت اطلاعات از داخل ایران گفته بود بریده‌ها را جمع کرده و یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کنید. یک اکیب خبرنگار تلویزیون فکس نیوز آلبانی به کافه حسن حیرانی آمده و با احسان بیدی مصاحبه کرد.

مسعود خدابنده پشت کار بود و هماهنگی‌های لازم را با جرجی تاناسی و اولسی یازچی مزدوران آلبانیایی رژیم انجام داده بود. به ما گفته شد یک نماینده مجلس آلبانی هم شرکت می‌کند. هم چنین مسعود خدابنده به حسن حیرانی گفته بود یک اتاق کنفرانس در هتل اینترنشنال کرایه کند. برای دو ساعت برنامه بایستی ۱۰۰ یورو کرایه به هتل می‌دادیم. ما با تمام بریده‌ها به همراه احسان بیدی باید جواب خبرنگارها را می‌دادیم و چگونگی دیپورت شدن احسان بیدی را توضیح داده و بر علیه مجاهدین سمپاشی می‌کردیم.

به ما گفته بودند لباس مرتب بپوشید، باید طوری عمل کنید که دولت آلبانی را تحریک نکنید و مجاهدین را عامل ناامنی و تهدید در جامعه آلبانی معرفی کنید. آنها فکر می‌کردند که یک موج تبلیغاتی علیه مجاهدین راه می‌اندازند. روز برنامه (۲۷ مرداد ۱۳۹۹ (۱۷ اوت ۲۰۲۰) ساعت ۱۰ صبح من در «کافه» بودم که حسن حیرانی با من تماس گرفت و گفت:

«بخاطر اینکه خبرنگارها گفتند فضای بیرون بهتر است و جمعیت هم در میدان شهر رفت و آمد می‌کنند، برنامه را در بیرون اجرا کنیم.» پس از اتمام برنامه، حسن حیرانی گفت:

«چند ساعت قبل از برنامه، به من گفتند؛ هتل قبول نکرده و من برای اینکه روی روحیه بریده‌ها تاثیر بدی نگذارد، به دروغ گفتم که خبرنگارها گفتند فضای بیرون بهتر است.» حیرانی تاکید کرد که من این موضوع را با کسی در میان نگذارم. پس از دیدن فیلم‌های برنامه، به حیرانی گفتم این برنامه خیلی افتضاح و مایه آبروریزی است. او پاسخ داد:

«مهم این هست چیزی را که سفارت و مسعود خدابنده گفته بودند انجام

دادیم، بقیه چیزها به ما مربوط نمی شود.»  
بعد از برنامه جرجی تاناسی هم به «کافه» آمد، برای او هم مهم نبود که برنامه چه بود و چطوری برگزار شد؛ فقط می خواست کاری را که به او گفته بودند انجام بدهد و مواجب خود را بگیرد. برخلاف ادعاهای اولیه مسعود خدابنده که گفته بود این کنفرانس تبلیغات وسیعی براه خواهد انداخت، این برنامه هیچ تاثیر و انعکاسی نداشت؛ بیشتر جنبه داخلی و انگیزه دادن به بریده مزدوران و مخصوصاً ریختن ترس احسان بیدی بود که در معرض اخراج بود. ترس احسان بیدی بعد از این برنامه بیشتر از قبل شده بود. یکی از بریده‌هایی که در این برنامه شرکت داشت در یک گفتگوی خصوصی به من گفت:

« آدم‌هایی که از آن منطقه رد می شدند حتماً فکر می کردند ما داریم سریال بازی می کنیم یا تبلیغ مایع ظرفشویی می کنیم.»  
حسن حیرانی نیز از طرف مسعود خدابنده و وزارت اطلاعات توبیخ شد که عرضه گرفتن یک اتاق کوچک کنفرانس را ندارد و اینکه دولت آلبانی از کجا فهمیده که سریع واکنش نشان داده است. این البته از حماقت رژیم بود که فکر می کرد چند بریده در آلبانی هرکاری که آنها مشخص کنند می توانند انجام بدهند. درحالی که پلیس آلبانی می دانست که ما برای رژیم کار می کنیم و بخاطر امنیت ملی و سابقه تروریستی رژیم، اجازه هرکاری را به ما نمی داد. پلیس چند نفر از بریده‌ها را به اداره پلیس خواسته و به آنها گوشزد کرده بود که ما مطلع هستیم شما از دولت ایران پول می گیرید و مواظب باشید که خطایی نکنید. پلیس تمام حرکات ما را زیر ذره بین داشت. پلیس و مقامات آلبانی به لحاظ انسانی ما را تحمل می کردند. پلیس آلبانی بعد از تحقیقاتی به صورت قطعی متوجه شد که احسان بیدی مأمور وزارت اطلاعات و جاسوس رژیم بود و النهایه او را به کمپ بسته فرستادند. به دلیل همین رسوایی‌ها بود که وزارت اطلاعات و مسعود خدابنده به دروغ در سایت‌های خود نوشتند که: احسان بیدی را بخاطر تهدید جانی به مکان امنی که دولت آلبانی تضمین داده، بردند.



انجمن نجات 

صفحه اصلی | انجمن | خانوادهها | مراکز انجمن | **اعضا جداشده از فرقه رجوی** | فرقه رجوی | چند رسانه‌ای | تلکس | تغییر

## احسان بیدی فرقه رجوی را افشا می کند

«آگزیت نیوز» آلبانی: ( احسان بیدی ) عضو سابق مجاهدین خلق که متهم گردیده مأمور ایران است در معرض اخراج از کشور قرار دارد

سایت راه نو - چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹

توضیحات:



انجمن نجات 

صفحه اصلی | انجمن | خانوادهها | مراکز انجمن | **اعضا جداشده از فرقه رجوی** | فرقه رجوی | چند رسانه‌ای | تلکس | تغییر

### خنتی شدن توطئه تروریستی علیه جان احسان بیدی

سایت ایران ایفرینک - دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۹

خبرهای به دست آمده از آلبانی حاکی است که پس از خنتی شدن توطئه اخراج آقای احسان بیدی از آلبانی سازمان مجاهدین خلق فردی را جهت اقدام تروریستی علیه جان آقای احسان بیدی به عنوان نفوذی به میان جداشدگان فرستاده بود که خوشبختانه با هوشیاری دوستان آقای بیدی فرد نفوذی شناسایی توطئه وی خنتی و سپس متواری گردید.



صحنه ای از مصاحبه احسان بیدی و حسن حیرانی در خیابانی در تیرانا که انجمن نجات رژیم منتشر کرد



## حسن حیرانی مزدور وزارت اطلاعات در آلبانی

حسن حیرانی در فروردین ۱۳۹۷ به خاطر شک اطلاعاتی - امنیتی از سازمان مجاهدین اخراج شده بود با معذرت خواهی بسیار زیاد و طلب بخشش، از سازمان درخواست کمک کرده بود. این فرد وقتی اخراج شد تلاش می کرد خودش را جدا شده جا بزند.

سند اخراج حسن حیرانی - برگرفته از سایت ایران افشاگر

news, blog & magazine  
**JNews**

<https://www.iran-efshagari.com/%d8%ad%d8%b3%d9%86->  
People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI) سازمان مجاهدین خلق ایران

**حکم اخراج**  
۲۰ فروردین ۹۷

اخراج نهایی حسن حیرانی متقاضی عضویت، در پایان مرحله آزمایشی به دلیل شک اطلاعاتی و امنیتی و تبانی در خیانت ابلاغ میشود.

معاونت پرسنلی

۶۱۱۱۱۱  
۲۱ فروردین ۹۷ ابلاغ شد

معاونت پرسنلی  
طی این حکم حیرانی از سازمان اخراج شده است

۲۱ فروردین ۹۷  
سرپرست

حسن حیرانی در سال ۱۳۹۷ و ابتدای مزدوری، وردست احسان بیدی بود. احسان بیدی هرکجا می رفت او را به عنوان مترجم با خودش می برد. پس از اخراج حسن حیرانی از سازمان مجاهدین به همراه حسن شهباز که قبل از او از سازمان اخراج شده بود، در ارتباط مستقیم با سفارت قرار گرفتند. حسن حیرانی در اولین حضورش در سفارت درخواست راه انداختن یک حساب کاربری در یوتیوب کرد که از این طریق بتواند علیه سازمان لجن پراکنی بکند. ولی درخواست او توسط سفارت پذیرفته نشد. بعد از رفتن او به سفارت، «حاجی» در تماسی که با من داشت به تمسخر به من گفت حیرانی بلند پروازی های عجیبی دارد. از او سوال کردم منظورتان چیست؟ در پاسخ گفت: «هنوز نیامده و خودش را اثبات نکرده درخواست راه انداختن یوتیوب را کرده است».

در اوایل سال ۱۳۹۷ من با احسان بیدی هم خانه بودم؛ بعد از یک ماه فهمیدم که با وساطت احسان بیدی، سفارت حسن حیرانی را استخدام کرده است. از نفرات شبکه در مورد حسن حیرانی سوال کرده بودم و همه آنها می گفتند حسن حیرانی آدم فرصت طلبی است که در مسیر مزدوری هیچ حد و مرزی نخواهد داشت و زیر آب بقیه بریده ها را هم خواهد زد. وقتی به دفتر رسا، از زیر مجموعه کمیساریا، مراجعه می کردم حسن حیرانی خودش را جلو می انداخت و با چاپلوسی می خواست جلب توجه کند تا کارهای او را راه بیندازم.

حسن حیرانی، آن چنان در مورد مزدوری دو آتش بود و آن چنان مورد اعتماد وزارت اطلاعات بود که به سرعت در مسیر سر شبکه شدن قرار گرفت. در تیرماه ۱۳۹۷ به دستور سفارت در تمام سایت های وزارت اطلاعات اعلام مزدوری کرد. وی علناً می گفت در همکاری با وزارت اطلاعات به هر ردالتی تن خواهد داد. بعداً هم در عمل همه بریده ها هم مشاهده کردند که حسن حیرانی با دادن مختصات دروغین و اثبات نوکری خود به سفارت، هر نوع دروغ و جعلیاتی را به خورد سفارت می داد.

در آذر ماه ۱۳۹۷ غلامحسین محمدنیا سفیر رژیم و مصطفی رودکی رئیس ایستگاه اطلاعاتی رژیم در آلبانی را به خاطر دست داشتن در توطئه‌های تروریستی علیه مجاهدین، اخراج کردند. از آن به بعد سفارت به راحتی نمی توانست پول مزدوران را بدهد، موجب پنج ماه حیرانی را نداده بودند و او مرتب پیگیری می کرد سفارت ابتدا حدود ۸۰۰ یورو به او داد. حسن حیرانی مرتب از احسان بیدی خواهش و تمنا می کرد تا بقیه مواجب او را از سفارت بگیرد. احسان بیدی به من می گفت من با التماس و تمنا از سفارت دریافت کردم.



حضور بیستم دولت آلبانی  
 ما مصداق آنیم که حدود مسل و بیست و یکم کشور بیست و یکم آلبانی پذیرفته  
 شده ایم چون شکر و قدر در این از رحمت دولت آلبانی که در یک اقدام انسان دوستانه  
 و شجاعانه ما را پذیرفت و همچنین لایحه‌های ما را در مجلس و در مسأله مناسبانه هنوز نپذیرفت  
 و در همین راه کمی کوتاهی تراول تحت سلطنت نداشتیم و در نکات آن به خاطر آن که  
 ما در این مورد به حالت آلبانی وارد می‌شویم ما مصداق آنیم که دولت کشور آلبانی را  
 در این کیفیت نپذیریم خواهشمندیم برای افرادی که از مشکلات ما مطلع هستند  
 این اشتباهی در نظر گرفته شود تا بتوانیم خانواده گمایان را در آلبانی ببینیم و یا حتی  
 اگر این هم قابل انجام نیست لایحه‌ها را سلطنت به گنراد باوختیت صدرستان به ما داران  
 شود تا خانواده گمایان که در آلبان به گنراد می‌ایزند ما را ببینیم و در این اخبار را ببینیم.  
 تحت اشغال بودیم از اینان به خاطر صدرستان نداشتیم و خزانداران.

با شکر خندان  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...

اواخر بهمن ۹۷ حسن حیرانی مأمور شد چند بریده مزدور را جمع کرده و در میدان اسکندر بیگ تیرانا آکسیون بگذارند، او در ابتدا موفق نشد؛ اما در سوم اسفند ۹۷ چند نفر از مزدوران را در میدان اسکندر بیک در تیرانا جمع کرد.



اکیسون چند نفر از مزدوران در میدان اسکندربیک در تیرانا- آلبانی- ۲۰۱۹-۲-۰۲- ۲۲

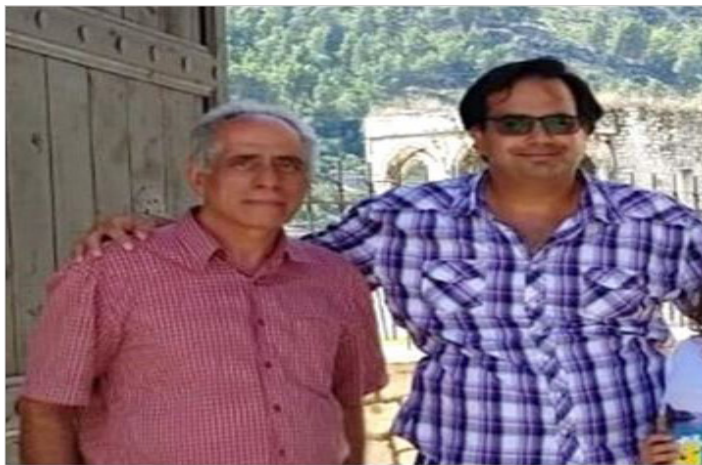
حسن حیرانی شماره تلفن های متعددی داشت که برای ارتباط با مزدوران و وزارت اطلاعات و سفارت استفاده می کرد. یکی از شماره تلفن هایی که حسن حیرانی با بریده ها و وزارت اطلاعات ارتباط داشت شماره ۶۹۹۵۱۶۴۳۵ بود. ۰۰۳۵۵

مامور وزارت اطلاعات در تهران که با حسن حیرانی در ارتباط است در پروفایل واتساپ خود برای رد گم کردن عکس پرچم آلبانی را دارد. حسن حیرانی به دنبال عضوگیری در بین عناصر اخراجی و بریده از مجاهدین بود و به صورت مستمر با مسعود خدابنده و «آن سینگلتن» در انگلیس، محمدکرمی در فرانسه، ابراهیم خدابنده در ایران، مصطفی محمدی در کانادا ارتباط می گرفت. حسن حیرانی اطلاعات، عکس و مشخصات افراد را در اختیار آنها و وزارت اطلاعات قرار می داد و ما به ازای آن، پول دریافت می کرد.

در تیرماه ۱۳۹۷ (جولای ۲۰۱۸) مصطفی محمدی و همسرش به آلبانی آمدند. هماهنگی های قبلی توسط مسعود خدابنده و وزارت اطلاعات صورت گرفته بود. مصطفی محمدی می خواست با رسانه های آلبانی مصاحبه ترتیب بدهد.

حسن حیرانی، توسط «مصطفی رودکی» مأمور وزارت اطلاعات در سفارت توجیه شد تا با مصطفی محمدی در این مأموریت همراه شود. طی مدتی که مصطفی محمدی در آلبانی فعالیت داشت، حسن حیرانی از طرف سفارت مترجم او شده و او را به همه جا می برد. مصطفی محمدی حدود سه ماه در تیرانا بود و حسن حیرانی تمامی کارهای او را دنبال می کرد. در این دوران ارتباطات حسن حیرانی با سفارت افزایش یافت. حسن حیرانی کارهای انجام شده با مصطفی محمدی را روزانه به سفارت گزارش می کرد. بعداً مصطفی محمدی به حسن حیرانی گفته بود بعد از پایان مأموریتش در آلبانی به ایران رفته و در وزارت اطلاعات از حسن حیرانی خیلی تعریف کرده بود که کارها را خیلی خوب پیش می برد.

در اواسط سال ۱۳۹۷ وزارت اطلاعات حسن حیرانی را به عنوان راهنمای برخی از خبرنگاران خارجی در ارتباط با رژیم که به آلبانی سفر می کردند به خدمت گرفت از جمله تلویزیون کانال ۴ انگلستان در شهریور ۱۳۹۷ (سپتامبر ۲۰۱۸) و..... بود.



حسن حیرانی مأمور وزارت اطلاعات آخوندی در کنار مصطفی محمدی مأمور دیگر وزارت اطلاعات

## جدال مزدوران با همدیگر برای گرفتن جیره و مواجب بیشتر

برخی از بریده مزدوران خارج کشوری سایت خودشان را داشتند و عمدتاً تحت نظر مسعود خدابنده کار می کردند. سایت کانون آوا که اداره آن با علی اکبر راستگو بود در هماهنگی با وزارت اطلاعات برای دریافت مزد بیشتر با محمد کرمی مزدور دیگری که سایت فریاد آزادی دستش بود رقابت و درگیری داشت. محمد کرمی به راستگو فحاشی می کرد که خط مشخص شده را خوب پیش نمی برد ولی از رژیم پول بیشتری می گیرد.

من(هادی ثانی خانی) ارتباطات زیادی با محمد کرمی داشتم. او تلاش می کرد از بریده هایی که جدیداً علنی شده بودند، سریعتر از دیگران مطالبی را دریافت و منتشر کند. در سال ۱۳۹۶ محمد کرمی به من زنگ زد و گفت: «نفرات را برای مصاحبه با تلویزیون مردم تی وی -پارسا سربی آماده کنم.» اولین نفری که برای مصاحبه فرستادم منوچهر عبدی بود. چون او قصد داشت به ایران برود، به مصاحبه با تلویزیون پارسا سربی خیلی نیاز داشت تا در وزارت اطلاعات خرج کرده و مزدوری کامل خود را اثبات کند که سریعتر او را به ایران ببرند.

با شروع کار «سایت نجات یافتگان در آلبانی» با مدیریت علی اکبر راستگو، قرار بود که مقالات بریده مزدورانی که مستقیم به سفارت وصل بودند را به «سایت نجات یافتگان در آلبانی» بدهم که با اعتراض محمد کرمی مواجه شدم. او می گفت که علی اکبر راستگو فلان فلان شده مفت خور هست و به مسعود خدابنده از او شکایت می کرد. این نمونه ها بین بریده مزدوران زیاد بود، و هر کسی دنبال اثبات مزدوری بود تا قیمت خود را بالا ببرد.

محمد کرمی هر ماه بین ۲ الی ۳ هزار یورو از رژیم آخوندی می گرفت و به بهانه کمک به بریده مزدورهای مقیم آلبانی نیز انبوهی پول دریافت می کردند و به جیب خود می ریختند.

حسن حیرانی، هم زمان از سفارت و وزارت اطلاعات پول زیادی می گرفت

و به سایر بریده مزدورها نمی داد. او بارها با غلامرضا شکری و احسان بیدی بخاطر دریافت پول با هم درگیر می شدند.

این نوع رقابت و اختلاف بین حسن حیرانی و سایر بریده مزدورها، بیشتر شده بود. برخی از آنها می گفتند حسن حیرانی همه پول را به جیب می زند و برای منافع خودش حاضر است هرکاری را انجام دهد و دیگران برای او هیچ ارزشی ندارند. حسن حیرانی در صحبت های خصوصی به من می گفت: «این چند نفری که در شبکه من هستند هرچه زودتر همه آنها بروند ایران و از دست آنها خلاص شوم این طوری جایگاه من در سفارت و وزارت اطلاعات بیشتر می شود.»

بین بریده مزدوران همیشه این نوع درگیری وجود داشت. غلامرضا شکری که خودش سرشبه بود و مستقماً به مأمور وزارت اطلاعات در تهران وصل بود، به شدت با حسن حیرانی اختلاف داشت. حسن حیرانی با خصوصیت جاه طلبی که برای قبضه کردن همه امور داشت، علیه غلامرضا شکری به سفارت گزارش می نوشت و سعی می کرد در صحبت با سایر نفرات زیرآب او را بزند تا گزارش آن به دست وزارت اطلاعات هم برسد. حسن حیرانی از برخی مزدوران نظیر پرویز حیدرزاده، رضا اسلامی، رحمان محمدیان و موسی دامرودی نیز به عنوان سیاهی لشکر استفاده می کرد. اکثر مزدوران از حسن حیرانی دل خوشی نداشتند.

## دعوی احسان بیدی و غلامرضا شکری

در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۹ (۱۴ اوت ۲۰۲۰) احسان بیدی از زندان آزاد شد. اکثر بریده مزدوران سراغ احسان بیدی آمدند تا به او تریک بگویند. غلامرضا شکری که به احسان بیدی کینه داشت، برای دیدن احسان بیدی نرفت. شکری همیشه می گفت باعث تمام بدبختی های ما بریده ها، چاپلوسی احسان بیدی به سفارت و وزارت اطلاعات می باشد. احسان بیدی دو روز بعد



از آزادی به «کافه» آمده بود. غلامرضا شکری نیز همان روز با عصبانیت به «کافه» آمد. احسان بیدی بلند شد که با او رو بوسی کند. غلامرضا شکری با فحاشی به احسان بیدی گفت .... پدر تو را در می آورم و کاری می کنم که از آمدنت به بیرون از زندان پشیمان بشوی ... من، غلامرضا شکری را مقداری آرام کردم تا به درگیری فیزیکی کشیده نشود. این نوع رقابت ها برای مزدوری بیشتر، بین اکثر مزدوران وجود داشت؛ هرکسی دنبال منافع خود بود تا پول بیشتری از سفارت دریافت کند. به خصوص حسن حیرانی و احسان بیدی و غلامرضا شکری سر هر موضوعی درگیری و کشمکش داشتند.

### جاسوسی مزدوران از همدیگر

یک روز حقوق نفرات را حسن حیرانی و احسان بیدی می خواستند بگیرند، آنها را دیدم و سوال کردم که حقوق نفرات را گرفتید یا نه؟ دیدم هر دو خیلی خوشحال هستند. سوال کردم چه شده است؟ حسن حیرانی گفت: «حقوق شش نفر که از رژیم فاصله گرفته اند را سفارت پرداخت نکرد.» احسان بیدی و حسن حیرانی گزارش آن شش نفر را به سفارت داده و خواهان قطع حقوق آنها شده بودند. حسن حیرانی می گفت اگر تعداد مواجب بگیر از سفارت کمتر باشد و ما تعدادمان محدود باشد، سفارت و وزارت اطلاعات به ما بیشتر رسیدگی می کنند و برای نگه داشتن ما، پول و امکانات بیشتری به ما می دهند. حسن حیرانی تاکید می کرد این حرف ها بین خودمان بماند و خاک شود و کس دیگری نفهمد.

من در دو سال ونیم که سرشبکه مزدوران و به مدت یک سال نیز با حسن حیرانی بودم؛ انبوهی رذالت و دنائت از برخوردها و عملکردهای آنها را دیدم و از ماهیت واقعی آنها شناخت پیدا کردم که همه این موارد در بیرون کشیدن خودم از لجنزار ولایت مؤثر بود.

کل مزدورانی که بصورت مخفیانه با سفارت رژیم ایران ارتباط داشتند به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسید و به جز من (هادی ثانی خانی)، حسن حیرانی و غلامرضا شکری، بقیه نفرات خیرنداشتند، مزدوران پشت پرده سفارت، چه کسانی هستند. یکی از کارهای این نوع مزدوران این بود که در صحبت با سایر بریده‌ها می‌خواستند در بیاورند که مجاهدین به چه کسانی کمک هزینه می‌دهند و میزان کمک مالی که سازمان به نفرات می‌دهد چقدر است. یک کار دیگر مزدورانی که مخفیانه با سفارت ارتباط داشتند، این بود که بدنبال نفراتی می‌گشتند که می‌خواستند زندگی شخصی خودشان را داشته باشند، تا برای آنها دام پهن کرده و با تطمیع به همکاری با سفارت بکشانند، که اساساً هم موفق نمی‌شدند.

چون موجب همه ما از وزارت اطلاعات تامین می‌شد، افراد مجبور بودند در هر شرایطی یکدیگر را تحمل کنند و اگر پول وزارت اطلاعات نبود یک دقیقه هم همدیگر را تحمل نمی‌کردند.

من از زمستان ۱۳۹۵ با مسعود خدابنده در ارتباط بودم و او با استفاده از کارهای من و برخی دیگر از بریده مزدوران، کارش را پیش می‌برد. در سال ۱۳۹۸ قبل از سفر ناموفق من به اروپا، مسعود خدابنده گفته بود که به تو کمک می‌کنم، متعاقباً زمانبندی خارج شدن خودم از آلبانی را به او گفتم، اما او تمام ارتباطات خودش را با من قطع کرد. چون می‌خواست من در آلبانی بمانم و هرکاری او می‌خواهد انجام بدهم. این را تمام بریده‌ها به من می‌گفتند:

«تو که این همه برای سفارت و مسعود خدابنده کار انجام دادی، ولی در روزی که با مشکل رفتن مواجه شدی هیچ کسی به کمک تو نیامد؛ اگر ما هم دچار یک مشکلی بشویم از هیچکدام اینها خبری نخواهد بود.»

## فصل چهارم

دستورالعمل‌ها و شیوه‌های توزیع  
پول توسط سفارت رژیم



## دستورالعمل سفارت رژیم در آلبانی به بریده مزدوران

در مراحل مختلف، دستورالعمل‌هایی توسط سفارت و وزارت اطلاعات رژیم به مزدوران صادر می‌شد و در اولویت کارهای بریده مزدوران قرار می‌گرفت. همه بریده‌ها بایستی در فضای مجازی حداقل یک حساب کاربری در فیسبوک و اینستاگرام ایجاد می‌کردند و هر موضوعی را سفارت یا وزارت اطلاعات رژیم مشخص می‌کرد بصورت زنجیره‌ای باز نشر می‌کردند. برخی از موضوعاتی که برای نوشتن مشخص کرده بودند بقرار زیر بود:

نوشتن مقالات و گزارشات و خاطره‌ها

مصاحبه با کانال‌ها و شبکه‌های مجازی که وزارت مشخص می‌کرد، به خصوص با «مردم تی وی» سربی.

هر بریده‌ای اگر مصاحبه و مطلبی نداشت، به عنوان سیاهی لشکر باید در برنامه‌ها شرکت می‌کرد و اگر امتناع می‌کرد، از مواجب او کم می‌کردند.

## سایر وظایف محوله

علاوه بر نوشتن، وظایف جاسوسی و گردآوری اطلاعات در صدر وظایف بریده مزدورانی بود که در ارتباط با سفارت قرار می‌گرفتند برخی از این موارد در زیر آمده است

وزارت اطلاعات یا سفارت رژیم در تیرانا عکس برخی از اعضای مجاهدین را به بریده‌ها می‌دادند تا همه اطلاعاتی که در مورد آن فرد یا افراد داشتند را مکتوب کرده و برای وزارت اطلاعات بفرستند. اگر کسی عکس‌های بیشتری هم از همان فرد می‌توانست تهیه کند به همراه گزارش ارسال می‌کرد.

شبکه مزدوران توجیه شده بودند وقتی اعضای مجاهدین را در خیابان می‌بینند از آنها عکس گرفته و به سفارت ارسال کنند. سفارت این عکس‌ها را از طریق وزارت اطلاعات به خانواده‌های آنها در داخل ایران ارسال می‌کردند و از آنها می‌خواستند با مقامات آلبانی نامه‌نگاری کرده و یا در سایت‌های وزارت اطلاعات مطلب بنویسند و بگویند بچه‌های ما نزد مجاهدین اسیر هستند. در برخی موارد بریده مزدوران، عکس افرادی که در مناسبات مجاهدین بودند را مستقیماً به خانواده‌های آنها در داخل ارسال می‌کردند و خانواده‌ها را تحریک می‌کردند که خواهان ارتباط با بستگانشان در آلبانی شوند.

ارتباط برقرار کردن با بریدگانی که به دنبال زندگی خود بودند و گرفتن اطلاعات از آنها. اگر از این نفرات کسی مستعد بود، باید برای جذب آنها کار می‌کردیم.

برخی از بریده‌ها در صحبت‌های خصوصی می‌گفتند مگر ما چقدر اطلاعات و موضوع داریم که بایستی هر ماه ۱۲ مطلب تولید کنیم، از بس دروغ گفته و دروغ نوشته‌ایم در تولید دروغ جدید کم می‌آوریم، به همین خاطر پس از مدتی زمان مصرف مزدوران برای رژیم تمام می‌شد. هر بریده جدیدی هم که جذب می‌شد تمام مطالب و خاطراتش تکرار همان حرف‌هایی بود که وزارت اطلاعات مشخص می‌کرد و حتی موجب تمسخر خود بریده‌ها هم می‌شد. اما از آنجایی که براحتی نمی‌توانستند مزدور جدید استخدام کنند؛ مجبور بودند از همان نفرات قبلی، صدها و هزاران بار استفاده کنند. مثلاً به غلامعلی میرزایی از مدت‌ها قبل وعده داده بودند که او را به ایران خواهند برد؛ اما به دلیل اینکه به لجن‌پراکنی‌های او علیه مجاهدین در آلبانی نیاز داشتند عملاً انتقال او به ایران سه سال به عقب افتاد.

در دو سال و نیمی که من سرشبهه بودم بریده‌ها به ما می‌گفتند: «به سفارت و وزارت اطلاعات بگویید که ما دیگر مغزمان نمی‌کشد، چقدر حرفهای تکراری مطرح کنیم و یا مطلب بنویسیم. با مطالب ما کسی از مجاهدین و مبارزه دست بر نمی‌دارد.»

سفارت به ما می‌گفت لباس خوب بپوشیم و موبایل خوب داشته باشیم و وانمود کنیم که در رفاه هستیم؛ تا مجاهدینی که به شهر می‌آیند با دیدن وضعیت ما تشویق به جدایی از سازمان شوند، اما آنها لحظه‌دار هم نمی‌شدند چه رسد به اینکه از مجاهدین کنده بشوند. این طوری نبود که افراد مجاهدین بخاطر لباس یا موبایل و حتی مطالب دروغین ما در مناسبات مسئله‌دار بشوند یا برای آنها سوال ایجاد بشود. مجاهدین که شرایط ما و بیرون را می‌دانستند، این کارها و حرف‌ها هیچ تاثیری روی آنها نداشت.

بریده‌هایی که به سمت رژیم می‌رفتند ابتدا فکر می‌کردند مسائل خود را حل و فصل خواهند کرد؛ در صورتی که رژیم اصلاً دنبال این موضوع نبود و به هیچ یک از حرف‌های بریده‌ها ترتیب اثر نمی‌داد. سفارت رژیم و وزارت اطلاعات فقط دنبال استفاده تبلیغی و لجن‌پراکنی و جاسوسی علیه سازمان مجاهدین بود و از هر شیوه‌ای برای پیشبرد این خواسته خود استفاده می‌کرد و هیچ ارزشی برای بریده‌ها قائل نبود.

حسن حیرانی بطور خصوصی به من می‌گفت:

«توقع رژیم خیلی بالاست. همین چند بریده‌ای که در آلبانی مانده‌اند، کافی است ولو اینکه کاری نیز انجام ندهند. اما مجبور به اطاعت هستیم؛ و الا همین مقدار پول را هم به ما نمی‌دهند. باید جلوی نفرات طوری عمل کنیم که آنها نفهمند و ارتباط خود با سفارت را حفظ کنند.»

سفارت و اطلاعات می‌خواست چنین وانمود کند که مستمراً افراد جدیدی به جمع مزدوران می‌پیوندند، به همین خاطر مزدوری برخی افراد را مخفی نگاه می‌داشت تا در زمان مناسب اعلام کند. مثلاً رضا مزگی از سال ۱۳۹۶ و باقر محمدی از سال ۱۳۹۷ از مجاهدین اخراج شده بودند. طی این مدت

سفارت آنها را به خدمت گرفته و به طرق مختلف استفاده کرده بود، اما در سال ۱۳۹۹ مزدوری آنها را علنی کرد تا نشان دهد بریدگی ادامه دار است. این شیوه برای کلیه بریده‌ها در آلبانی عادی شده بود. ممکن است کسانی که در آلبانی حضور ندارند از اوضاع وخیم بریده‌ها و میزان مزدوری آنها مطلع نباشند؛ ولی برای من که تشکیلات مزدوری را راه انداخته و بیشترین کار را برای سفارت انجام داده بودم، تمامی رذائل و شیوه‌های کثیف سفارت را در عمل مشاهده و تجربه کردم. هر چند با تاخیر زیاد، خوشبختانه خودم را از این منجلاب بیرون کشیدم. کارهایی که رژیم از بریده‌ها می‌خواست با کارهای ساده شروع می‌شد اما وقتی طرف به خودش می‌آمد دیگر دیر شده، و بریده باید کارهای بزرگتر و حتی اقدامات تروریستی می‌کرد که دیگر راه برگشتی نداشت. امیدوارم که بریده‌های دیگر هم به خود آمده و خودشان را از منجلاب رژیم بیرون بکشند. اخبار و اطلاعاتی هم که از داخل ایران دارم حاکی است که وضعیت بریده‌ها در آنجا بشدت اسفناک‌تر از آلبانی است. آنها در سایت‌ها تبلیغ می‌کند که به آغوش خانواده و وطن برگردید! اما در پشت پرده به بریده‌ها می‌گویند:

«این همه در مقابل نظام دشمنی کردید حالا باید جوابش را پس بدهید و تا زمانی که ما از شما بخواهیم باید علیه سازمان تبلیغات بکنید، و هر قدمی هم که بر می‌دارید به وزارت اطلاعات باید اطلاع بدهید.»

مزدوران برگشتی به ایران را به سراغ خانواده‌های مجاهدین می‌فرستند و به تهدید و تطمیع آنها می‌پردازند. در انواع جلسات و برنامه‌های بسیجیان شرکت می‌کنند.

## شروع مزدوری

سفارت رژیم در آلبانی در مورد مزدوران رژیم یک چارچوب کلی مشخص کرده بود. در ابتدا بایستی وضعیت خودشان را حداقل در ۱۲ صفحه نوشته و به سفارت



تحويل می‌دادند. این اعلام وضعیت از جمله شامل محورهای زیر می‌شد: عکس نفر- پروسه ورود به سازمان- کلیه اخبار و اتفاقات مهمی که در تشکیلات برای فرد پیش آمده یا موضوعات مشخصی که شاهد بوده است- علت اینکه از سازمان جدا شده است- ... این اعلام وضعیت که با دست خط و امضای خود فرد نوشته می‌شد، به تهران ارسال می‌شد. پس از اینکه وزارت اطلاعات فرد را مورد تأیید قرار می‌داد به این نفرات پول پرداخت می‌شد، این سند هم چنین باعث می‌شد که این افراد بعداً نتوانند علیه رژیم حرفی بزنند و بیشتر و بیشتر در منجلا ب وزارت اطلاعات گرفتار شوند.

### خانواده ابزار تبلیغ علیه مجاهدین بود

یک بار «فریدون زندگی علی آبادی» به من گفت:

«خودت و نفرات شبکه تو در داخل ایران با چه کسانی ارتباط دارید؟»  
من در پاسخ گفتم نفرات شبکه و خودم علاوه بر شما در داخل ایران با تعدادی از خانواده‌های مجاهدین در ارتباط هستیم و نفرات مجاهدین را که در خیابان‌ها می‌بینیم مخفیانه عکس گرفته و به خانواده آنها در ایران ارسال می‌کنیم تا خانواده آنها تحریک بشوند و بر علیه مجاهدین تبلیغ کنند و خواهان جدایی نفراتشان بشوند. «فریدون زندگی علی آبادی» در حالی که عصبی شده بود با حالت تحکم آمیزی گفت:

«من دنبال تبلیغات شما در داخل و برای خانواده‌ها نیستم، آنجا ارگان دیگری این کارها را می‌کند؛ در آلبانی هر کاری که من می‌گویم انجام بدهید. خودت و تمام نفرات شبکه خودت، ارتباط با خانواده‌های مجاهدین را قطع کنید. فقط با خانواده‌هایی می‌توانید تماس بگیرید که در ارتباط با وزارت اطلاعات هستند یا خودمان مشخص می‌کنیم از جمله با ثریا عبداللهی و مصطفی محمدی و ابراهیم خدابنده و... می‌توانید تماس داشته باشید و اگر رعایت نکنید تمام حقوق و مزایای شما را قطع می‌کنم.»

این دستور «فریدون زندی علی آبادی» را به نفرات شبکه گفتم و با عکس العمل منفی آنها مواجه شدم. چون دیدم فضا خیلی خراب است، به آنها گفتم من پیام سفارت را به همه شما منتقل کردم هرکسی هر ارتباطی می خواهد بگیرد ولی به من اطلاع ندهید و من هم به سفارت گزارش نمی کنم. پس از این صحبت های «فریدون زندی علی آبادی» متوجه شدم که برای اینها خانواده مجاهدین ارزشی ندارد و این نوع تبلیغات فقط برای شیطان سازی و آماده سازی برای کارهای تروریستی است. تمام داستان های اعزام خانواده در عراق به جلو اشرف برایم تصویر می شد که پس از هر سری اعزام نفرات وزارت اطلاعات تحت پوشش خانواده، اقدامات تروریستی علیه مجاهدین و اشرف شدت می گرفت.

### شیوه ارسال پول توسط وزارت اطلاعات و سفارت به بریده مزدوران

در دی ماه ۱۳۹۸ بعد از اخراج دومین سری دیپلمات های رژیم از آلبانی، موجب بریده مزدوران از ایران می آمد و برای اینکه لو نرود هر سه ماه یک بار به نفرات پول می دادند. برای نفراتی که بصورت علنی مزدوری می کردند هر سه ماه ۱۵۰۰ یورو و برای نفراتی که در پشت پرده مزدوری می کردند هر سه ماه ۹۰۰ یورو می فرستادند. حسن حیرانی بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ یورو حقوق ثابت ماهانه داشت. او علاوه بر جیره و مواجب خود، برای کافه ای هم که به دستور وزارت اطلاعات راه انداخته بود، هر ماه ۱۵۰۰ یورو از اطلاعات دریافت می کرد. یعنی ماهیانه حداقل ۲۵۰۰ یورو به حسن حیرانی می رسید و اگر هزینه های دیگری نیز داشت به وزارت اطلاعات صورتحساب می داد و پول دریافت می کرد. نفرات نیز بایستی سه فرم مجزا برای سه ماه دریافتی خود فرم پر می کردند. حسن حیرانی از همان برکه رسید پول ها، عکس می گرفت و از طریق تلفن و واتساپ به داخل ایران می فرستاد. پس از اینکه رسیده را می دیدند پرداخت پول را تأیید می کردند و پول نفرات داده می شد.

هر ماه وزارت اطلاعات از داخل ایران مبلغ ۲۰ الی ۲۵ هزار یورو برای

حسن حیرانی ارسال می‌کرد تا به مزدوران پرداخت کند. تا زمان اخراج دیپلمات‌های رژیم از آلبانی، این پول از طریق سفارت به صورت دستی داده می‌شد.

مشکل تحویل‌گیری پول از زمان اخراج سفیر و رئیس ایستگاه اطلاعات در سال ۱۳۹۷ شروع شد. ابتدا وزارت اطلاعات پول را از داخل ایران از طریق «وسترن یونیون» می‌فرستاد. اما ما نه کارت بانکی داشتیم و نه در توان ما بود که همه این پول‌ها را دریافت کنیم. در موارد متعدد پول‌های ارسالی وزارت اطلاعات، به حساب دو شهروند آلبانیایی که یکی از آنها «داشمیر» نام داشت واریز می‌شد؛ و حسن حیرانی از طریق این دو نفر، پول‌ها را دریافت می‌کرد و کسی هم شک نمی‌کرد. این روال از تابستان ۹۹ به بعد عامتر شد و تقریباً همه کارهای غیرقانونی و پولشویی حسن حیرانی از طریق این دو نفر انجام می‌شد.

حسن حیرانی از طریق داشمیر و کانال‌هایی دیگری که در آلبانی داشت، چند صرافی، شعبه وسترن یونیون و مانیگرام را شناسایی کرد. یک بار مبلغی حدود ۷ یا ۸ هزار یورو با مانیگرام از ترکیه برای حسن حیرانی فرستادند، شعبه مانیگرام پول را به حسن حیرانی تحویل نداد؛ حیرانی بشدت به هم ریخته و معترض بود که اگر مشکلات مالی حل نشود، ما هم مجبوریم به یونان برویم. البته این حرف را چندین بار برای بالا بردن قیمت خود نزد وزارت اطلاعات مطرح کرده بود. ولی اطلاعات رژیم پول او را به موقع می‌رساند و او هم که مزدوری برای رژیم را انتخاب کرده بود، با فشار آوردن به سایر بریده‌ها آنها را به ماندن در آلبانی ترغیب می‌کرد. حسن حیرانی از طریق مزدوری انبوهی پول جمع‌آوری کرده بود. یک زمین هم در ایران به اسم او بود. مقداری از پول‌های دریافتی خود از سفارت را برای خواهرش در ایران می‌فرستاد و حدود ۳۰۰ میلیون تومان سهام خریده بود.

بخشی از پول‌های ارسالی وزارت اطلاعات هم از طریق کشورهای ترکیه، عراق و کویت به حیرانی می‌رسید.



کارت بانکی خواهر حسن حیرانی که پول مبادله می کردند

در یک نمونه برای حسن حیرانی ۶ هزار یورو پول فرستاده بودند و در نمونه دیگر در اول ژوئیه ۲۰۲۰ حدود ۱۰۰۰۰ یورو از طریق حسن شهباز که در شعبه بانک ب.ک.ا.ت حساب داشت برای او واریز شده بود، ولی این پول باعث شد که حساب بانکی حسن شهباز بسته شود.

بعضی مواقع وزارت اطلاعات پول ها را از طریق خواهر حسن حیرانی بنام «الهه حیرانی تربتی» در ایران واریز می کرد.

در یک مرحله که فرستادن پول از ایران به آلبانی سخت شده بود، وزارت اطلاعات پول من و چند بریده را به حساب برادر رحمان محمدیان در ایران واریز کرده بود. برادر رحمان محمدیان از کارمندان بانک پارسیان در ایران بود. من در آلبانی ۱۵۰۰ یورو از رحمان گرفتم.

در چند مرحله هم وزارت اطلاعات پول غلامرضا شکری را به حساب خواهرش «ماریا» واریز کرده بود. شکری می گفت: خواهرم برای من سهام خریده است. او از طریق خواهرش که با وزارت اطلاعات همکاری می کرد، پول های بیشتری هم دریافت می کرد.

سفارت رژیم در آلبانی برای خرید خودرو به حسن حیرانی مبلغ ۳۵۰۰ یورو داده بود که حسن حیرانی با همان پول یک خودرو خرید.

## شیوه‌های توزیع پول توسط سفارت در سالهای اول

اول همراه شمسی، با دادن رسید به سفارت رژیم در تیرانا پول‌ها را از سفارت می‌گرفتیم. گاهی اوقات بدلیل ملاحظات امنیتی دو سه روز عقب یا جلو می‌انداختند تا توزیع پول توسط سفارت لو نرود. پول را «فریدون زندی علی‌آبادی» به سرشبه‌ها می‌داد. از زمستان سال ۱۳۹۶ که من سرشبه بودم در زمان تعیین شده به سفارت می‌رفتم و پول کلیه نفرات را سرجمع دریافت می‌کردم. حقوق هر کس از قبل تعیین شده بود. نفرات باید پیشاپیش برگه‌های رسیده را نوشته و امضا می‌کردند. من آنها را جمع کرده و تحویل می‌دادم. «فریدون زندی علی‌آبادی» بعد از بررسی رسیده‌ها، پول همه نفرات را به من تحویل می‌داد تا بین آنها توزیع کنم.

### نمونه رسید دریافت پول از سفارت رژیم در آلبانی

در ابتدای کار رسیدهایی که از سفارت به ما می‌دادند فرم چاپی بود و یک متن ثابت به صورت زیر داشت:

اینجانب هادی ثانی خانی در تاریخ ..... مبلغ پانصد یورو (۵۰۰ یورو)  
بابت فعالیت دریافت نمودم.

محل امضای پرداخت کننده

امضا دریافت کننده

بعداً فرم ثابت چاپی را کنسل کردند و همه بریده‌هایی که از سفارت پول می‌گرفتند بایستی با دست خط خودشان همان فرم را در نصف صفحه A۴ می‌نوشتند تا به عنوان سند نگه دارند. چون می‌خواستند از کلیه نفرات بخصوص مزدورانی که در پشت پرده با سفارت و وزارت کار می‌کردند، دست خط و سند مشخص داشته باشند. بعد از افشاگری سازمان

مجاهدین در مورد نقش سفارت در جاسوسی و ارتباط با بریده‌ها، قرارهای تحویل دهی پول به بیرون سفارت منتقل شد. خودم حداقل هشت بار به این طریق در یکی از کافه‌هایی که در جلوی فروشگاه Zara در مجموعه تجارتي «تگ» بود با «فریدون زندی علی آبادی» ملاقات کردم. این محل را به دستور او از قبل شناسایی کرده بودم که دوربین ندارد و برای ملاقات مناسب بود. کافه خلوتی بود که برای قهوه خوردن می‌نشستیم ابتدا او رسیدهای نوشته شده را می‌گرفت و سپس پاکت پول را کنار سینی می‌گذاشت تا من بردارم. تاجایی که اطلاع دارم بعد از من که حسن حیرانی سرشبه‌مزدوران در آلبانی شده بود همین روال را با «مصطفی رودکی» و سایر نفرات سفارت ادامه می‌داد و برخی از قرارهای خود را در همان محل اجرا می‌کردند.



محل قرار تحویل‌گیری پول از نفرات سفارت

## فصل پنجم

شبکه جاسوسی و تروریستی سفارت  
رژیم در آلبانی





## کار اصلی سفارت رژیم، ایجاد شبکه جاسوسی و تروریستی علیه مجاهدین بود

بعد از انتقال مجاهدین به آلبانی، سفارت رژیم در آلبانی اصلی‌ترین پایگاه وزارت اطلاعات برای جاسوسی و تروریسم علیه مجاهدین شد. رژیم، غلامحسین محمدنیا را به عنوان سفیر و مصطفی رودکی را به عنوان رئیس ایستگاه اطلاعاتی سفارت در این کشور منصوب نمود. آذر ۱۳۹۵ در مراجعات اولیه من به سفارت، به رغم اینکه برای کارهای کنسولی به منظور رفتن به ایران مراجعه کرده بودم؛ ولی از اولین مراجعه من به سفارت تا آخرین مراجعه من طی چهار سال، حتی یکبار راجع به کارهای کنسولی با من صحبت نشد. معلوم بود که سفارت رژیم حداقل برای بریده‌های مجاهدین چیزی جز جاسوس پروری و مزدورسازی، کار دیگری ندارد. فرستادن هر مزدور به ایران بعد از اثبات مزدوری کامل در آلبانی امکانپذیر بود.

احسان بیدی که در مهر ۹۲ تحت عنوان پناهنده با یک پاسپورت ایرانی به آلبانی وارد شده بود، به دستور سفارت شروع به عضوگیری بریده مزدور کرده بود. در سال ۱۳۹۴ «احسان بیدی» بتدریج چند نفر از جمله سیاوش رستار و... را به استخدام سفارت رژیم در آورد.

در ارتباط با سفارت من متوجه شدم که قبل از من نیز، سفارت با تعدادی از بریده مزدوران مستقیماً رابطه برقرار کرده است. در یک مورد یکی از آنها حدود ۸ هزار یورو برای توزیع بین سایر بریده‌ها گرفته ولی آن را بالا کشیده و با دو نفر دیگر از آلبانی خارج شده بود.

**با دوستان مرو** iran-ghalam.net

خانه | در باره ما | تماس با ما | سایت قدیم ایران قلم | ارشیو | پیوندها | انتشارات

خانه « آلبانی، احسان بیدی، تحقیق و پژوهش، سیاوش زسار، فعالین حقوق بشر، فیلم، کشورها، مجاهدین خلق، مطالب برگزیده، نجات یافگان در آلبانی، ایران آزادی، ویدئو و متن گفتگوی آقای احسان بیدی با آقای رستار

N421968 | جستجو | ثبت یک دیدگاه | views 2,531 | ۱۰:۰۲ ساعت | ۲۰ فروردین ۱۳۹۵

کد خبر: | **ویدئو و متن گفتگوی آقای احسان بیدی با آقای رستار**

ویدئو و متن گفتگوی آقای احسان بیدی با آقای سیاوش رستار

ناگفته نماند از مدت زمانیکه کمیساریا بول مارا قطع کرد تعداد نگرانی که از کمیساریا بول میکرفن بخاطر مشکلات مالی مناسبانه به سمت سازمان کشیده شده اند و سازمان دارد با تطمیع و خریدن این نگران رنگ میزنه به انها و بیشنهاد بول میدهد که باین ارما بول بگیری در صورتیکه وطیعه اخلاقی کمیساریا هسینش و تعهد قانونی و اخلاقی داده و مسابست مارا به عنوان یک بانهنده سیاسی حمایت نکند.

## ساختن شبکه جاسوسی از بریده‌ها

یک بار در اواخر آذر ۹۵ به سفارت رفتیم، زندگی خیلی گرم با من احوالپرسی کرد و گفت الان چکار می‌کنی؟ گفتم الان کارم مقاله‌نویسی با اسامی مستعار است و با مسعود خداینده در انگلیس و ابراهیم خداینده در داخل ایران در تماس هستم. در تلفن خودم چندین مقاله که در سایت سحر و اینترلیک چاپ شده بود را به او نشان دادم، او مرا تشویق کرد و گفت: خیلی خوب است همین را ادامه بده تا بتوانیم با هم کارهای بیشتری انجام بدهیم. چون منتظر رفتن به ایران بودم، منظور او از این حرف را نفهمیدم و

نمی دانستیم که چه پاپوشی برای من درست می کند. باگذشت زمان اهداف شوم سفارت را در عمل دیدم.

نمونه ای از نوشته های من (هادی ثانی خانی) که با اسم مستعار «زینال شهیدی» و «سعید زمانی» در سایت های وزارت اطلاعات منتشر می شد، در اینجا ملاحظه می کنید:

The screenshot shows a website with a header in Persian: "انجمن نجات" (Najāt Association). The main article is titled "اجازه نمی دهیم فرقه، با جنگ روانی تأثیری بر ما و خانواده ها بگذارد" (We do not allow the sect to have a psychological war effect on us and our families). The text discusses the impact of the sect and mentions "فرقه رجوی" (Revolutionary Guard). There are social media sharing icons and a sidebar with a logo and navigation links.



**فراخوان نجات پاشنگان از فرقه رجوی در آلبانی**

فراخوان حاج امامک از فرقه رجوی در آلبانی  
 سلام خانواده محترم سرزاد آلبانی، بزرگوار عزیزان 13-14... خطی به دو کشته سه بره به استیلا جنسی وابسته از زن آلبانی که در هر بره به استیلا...  
 با همسر خود به هر کس که در بره به استیلا و آزار کند...  
**Albanian media fooled by MEK 'misdirection' (aka Mojahedin Khalu, Rajavi cult, MKO, NCKI ...)**  
**فراخوان نجات پاشنگان از فرقه رجوی در آلبانی**  
**ریاست شهیدان (مستعار) سرزاد آلبانی**  
**اسک 5x 5x**  
 نامه اگه به دست پیام خانواده محترم رسد که شما در زیر از نظارت من گذرد:

The screenshot shows a news article from "IRAN-INTERLINK". The header is red with white text: "دیده اخبار برگزیده ها گزارش پیوندها وبلاگ وبسایت تصویری". The article title is "سازشگر خبری در درون فرقه رجوی (+ توکل مریم رجوی به وزارت اطلاعات ایران)". The text continues with "سازشگر خبری در درون فرقه رجوی (+ توکل مریم رجوی به وزارت اطلاعات ایران)". There are social media sharing icons for Twitter, Facebook, and Tumblr. The article includes a small image of a building and a caption: "بنیاد خاندان مسعود، تیرانه، آلبانی، بیست و هشتم نوامبر 2017... بعد از چند روز سکوت مریم رجوی در خصوص انتشاری دو روزگرم از یکی از شبکه های تلویزیونی آلبانی که واقعیتها داخل نمایندگی فرقه رجوی را برملا کردند. باز هم مریم رجوی به ترفند رخ نمایی این شباهت یعنی "وزارت اطلاعات" رو آورد و به خوبی نشان داد که تلا جرفی برای گفتمان ندارد. قاضی مریم رجوی صرفاً...".

زندگی شماره تلفن خودش را به من داد و گفت از این بعد با منشی سفارت تماس نگیر و به خودم زنگ بزن و فقط با واتساپ ارتباط برقرار کن. در آذرماه ۹۵ در منطقه فرزکو- در تیرانا در مجموعه آپارتمان‌هایی بنام هتل «شاتن لینزا» اسکان پیدا کردیم در این محل آپارتمان‌های ۳ طبقه و هر طبقه هم سه واحد داشت و در هر آپارتمان هم ۳ الی ۴ نفر زندگی می‌کردند که مربوط به کمیساریا بود. من در همان خانه بودم که یک شب زندگی با من تماس گرفت و گفت: آقای ثانی خانی، این شماره تلفن جدید من را فقط شما و غلامرضا شکری دارید، من درخواستم این است که یک کاری برای ما انجام بدهید... می‌خواهم که شما به جدا شده‌ها مراجعه کنید و به آنها بگویید که دلیل محدودیت‌هایی که دولت آلبانی گذاشته است دیگر به سفارت مراجعه نکنند و شما مشکلات آنها را به من منتقل کنید. با بریده‌ها صحبت کنید آنها را جذب نمایید و همین کارهایی که خودتان انجام می‌دهید آنها نیز انجام بدهند. مثل مقاله نویسی، عکس گرفتن از مقرات و نفرات مجاهدین و اینکه مجاهدین در کجا بیشتر رفت و آمد دارند را به شما اطلاع بدهند و شما هم به ما اطلاع بدهید.

من آن موقع نمی‌دانستم که او می‌خواهد یک شبکه جاسوسی از بریده‌ها درست کند و این کار را به من و غلامرضا شکری محول می‌کند. من به زندگی گفتم اکثر بریده‌ها از مجاهدین کمک هزینه می‌گیرند و جذب و بکارگیری آنها سخت است. او اصرار می‌کرد که شما سعی خودتان را بکنید و می‌توانید این کار را پیش ببرید. از این پس من به نفرات جدا شده مراجعه می‌کردم و می‌گفتم که شما می‌توانید هم از سفارت و هم مجاهدین پول بگیرید، نیازی هم به فعالیت علنی علیه سازمان نیست؛ می‌توانید مطالبی با اسم مستعار بنویسید و بدهید. سفارت هم به شما نفری ۲۵۰ یورو می‌دهد و اگر کار بیشتری انجام بدهید تا ۴۰۰ یورو می‌دهد و بستگی به میزان همکاری شما دارد. برخی‌ها نیز قبول می‌کردند درقبال دریافت پول بیشتر از سفارت، به عنوان خاطرات، مصاحبه یا به مناسبت‌های مختلف سازمانی، مطالبی را منتشر کنند. چون مجاهدین متوجه شده بودند که من با سفارت و مسعود خدابنده و

ابراهیم خدابنده در ارتباط هستیم، به نفراتیکه مراجعه می کردم تاکید می کردم با من و غلامرضا شکری ارتباط علنی نگیرند تا مرز بندی اعلام شده از طرف مجاهدین را در ظاهر امر مراعات کرده باشند.

من و غلامرضا شکری مستقیم به زندی در سفارت وصل بودیم و هر یک از ما براساس خط و خطوطی که او می داد به نفرات بریده مراجعه و خط او را پیش می بردیم. او کارهای اصلی را به من می سپرد و در واتساپ می گفت کارهایی که به تو می دهم به غلامرضا شکری اطلاع نده.

زندی میگفت اینجا مثل عراق نیست که سفارت بصورت علنی و یا از طریق گروههای وابسته به جمهوری اسلامی کارها را پیش ببرد. لاجرم تمرکز اصلی را بایستی روی جذب و بکارگیری بریده ها بگذاریم، چون از این نفرات می توان اطلاعات مجاهدین را بگیریم و سفارت پشت پرده قضایا را مدیریت و حمایت بکند. سرشبکه اصلی من بودم و سرشبکه دوم غلامرضا شکری بود. احسان بیدی هم کارهایی را دنبال می کرد که از طریق مسعود خدابنده و علی اکبر راستگو و محمد کرمی برای او مشخص می شد.

بمرور سفارت شبکه‌ای از مزدوران را برای گردآوری اطلاعات مجاهدین شکل داده بود. مزدورانی نظیر حسن حیرانی، احسان بیدی، بیت مشعل، غلامرضا شکری، غلامعلی میرزایی، موسی دامرودی، علی هاجری، عبدالرحمان محمدی، پرویز حیدرزاده، رضا اسلامی و حسن شهباز در خدمت این شبکه جاسوسی بوده و هستند.

در اواسط ۱۳۹۶ که من سرشبکه بودم و تعدادی از بریده ها به من وصل بودند زندی به من گفت:

«چون سفارت تحت مراقبت سرویس های آلبانی است، هیچ کدام از نفرات حق ندارند به سفارت مراجعه کنند. هر بریده ای که فکر می کنی مورد نیاز دستگاه و شبکه ما هست، خودت تصمیم بگیر. در مواردی هم که تشخیص می دهی نفر مورد نظر برای سفارت و شبکه ما مناسب نیست، از شبکه اخراج کن و نیاز به همفکری با سایر نفرات در سفارت و بیرون سفارت نیست.»

## ماموریت شناسایی مقرات و مسئولین سازمان مجاهدین

در اوایل سال ۱۳۹۶ فریدون زندی از من خواست از برخی اماکن مجاهدین عکس بگیرم. او تاکید داشت که خودم به تنهایی این کار را انجام بدهم و حتی به غلامرضا شکری چیزی نگویم. اولین سری از عکس ها را که برای زندی فرستادم، او خواست که از سایر مقرات سازمان مجاهدین نیز عکس بگیرم. گرفتن عکس و فیلمبرداری از مقرات مجاهدین عمدتاً بین اردیبهشت تا مرداد ماه ۱۳۹۶ انجام شد. در ادامه کار برای فیلمبرداری و گرفتن عکس، یک نفر دیگر هم نقش محافظت از من را داشت. از زندی خواستم یک دوربین برایم تهیه کند، چون نمی خواست این کار لو برود قبول نکرد. در آن زمان یک موبایل خوب داشتم چند عکس گرفتم و او چک کرد و بعد گفت کیفیت عکس ها خوب است و با همین موبایل عکسبرداری و فیلمبرداری بکنم.

شناسایی مسئولین و مقرات اصلی مجاهدین در اولویت اصلی سفارت رژیم ایران بود. هر وقت یک خبر یا اطلاعاتی از یک مسئول مجاهدین به سفارت می دادیم به ما پاداش می دادند.

زندی در تماس ها، از من خواست عکس گرفتن و فیلمبرداری را ادامه بدهم. او می خواست از ادارات پلیس هم عکس و فیلم بگیرم و تاکید داشت که کیفیت عکس ها و فیلم ها باید خوب باشد. در آن زمان من و منوچهر عبدی و سعدالله سیفی و ... در یک سوئیت هتل بودیم. به عبدی گفتم کارهایی که می خواهیم انجام بدهیم کسی نباید متوجه بشود، حتی شما به سفارت هم نباید چیزی بگویید. چون زندی تاکید کرده بود این موضوع را به کسی مطرح نکنم. شروع به گرفتن عکس از مقرات مجاهدین و برخی مراکز پلیس کردم. کارهایم طوری بود که از خودرو نمی توانستم استفاده بکنم. روز اول ۶ الی ۷ ساعت عکسبرداری کردم و حدود ۱۰۰ عکس گرفتم. زندی مرتباً تاکید می کرد، مواظب باش که پلیس متوجه نشود. یک کپی از عکس ها را

به کامپیوترم منتقل می کردم و یک نسخه برای زندی می فرستادم و تلفن را پاک می کردم.

یک روز جایی رفتم که حفاظت شده بود، حین عکس گرفتن، پلیس متوجه شد و گفت اینجا ممنوع است. با عادی سازی گفتم که اشتباه کردم و مشکل حل شد.

زندگی روی شناسایی و عکسبرداری از مقرات سازمان بنام های «مفید» و «گیتی» و «حسینی» اصرار داشت. عکس گرفتن از این مقرات را با یک نفر دیگر که خودرو داشت انجام می دادم. یک بار هم ماشین کرایه کردیم، همواره ترس داشتیم که توسط مجاهدین شناسایی بشویم.

یک روز زندگی تماس گرفت و گفت طوری عکسبرداری کن که محل های مجاهدین خوب مشخص باشد و نگهبانان، کنترل ها و ورودی ها و خروجی ها کاملاً دیده شود. وقتی ۲۰۰ الی ۳۰۰ تا عکس از اماکن مختلف گرفته بودم، سؤال کردم که این عکس ها برای چه کاری هست؟! در پاسخ من گفت: «دیگر سوال نکن...»

مقر «مفید» بزرگترین محل مجاهدین بود و برای زندی هم موقعیت «مفید» مهم بود. این محل چون در انتهای یک محله فرعی واقع شده بود، مجبور بودیم پیاده برویم و عکس و فیلم بگیریم. این کار را با منوچهر عبدی انجام می دادیم. ساعت ۱۳ که مجاهدین برای نهار می رفتند، برای شناسایی می رفتیم. یک بار هم از زمین فوتبال به مقر «مفید» رفتیم. پشت این مقر، آپارتمان های مسکونی اهالی بود و رستوران و مغازه هم در آنجا وجود داشت. خودم را مخفی کرده و عکس گرفتن و فیلمبرداری را شروع کردم. منوچهر عبدی هم در یک نقطه مناسب نگهبانی می داد.

یک شب دیگر زندگی تماس گرفت و گفت: دو روز دیگر می خواهیم به ایران بروم، می خواهیم از مزار مجاهدین عکس بگیریم... من شب با منوچهر عبدی تماس گرفتم و ساعت ۴ صبح برای فیلمبرداری رفتیم. بعد از فیلمبرداری و گرفتن عکس از همه مزارهای مجاهدین، برای زندی ارسال کردم. او گفت

که عکس‌ها خوب است. یک ربع هم از همه مزارها و اطراف آن فیلم گرفته بودم. گفت این فیلم‌ها سایه افتاده و یک بار دیگر فیلم بگیر و ارسال کن. که همان کار را کرده و فیلم را فرستادم، او گفت عالی شده و یکی دو بار تشکر کرد. متعاقباً روی چت آمد و گفت جایزه داری و پس از برگشتن از ایران به تو کمک می‌کنم. من برای درمان دندانم ۶۰۰ یورو درخواست کرده بودم ۶۰۰ یورو را دریافت کردم و به زندی رسید دادم.

یکی دیگر از کارها، شناسایی مکان مسئولین مجاهدین بود. زندی می‌گفت شما باید محل نشست مسئولین سازمان که همه از زنان مجاهد هستند را در بیاورید. او مشخصاً دنبال محل مژگان پارسایی، زهرا مریخی، زهره اخیانی و صدیقه حسینی بود. یک بار گفت وقتی مژگان پارسایی را دیدید او را تعقیب کنید تا محلش را پیدا کنید. گفتم این کار سخت است. او می‌خواست از مقر مجاهدین که در منطقه سیتی پارک بود نیز فیلمبرداری کنیم.

قبلاً شنیده بودم محل ثابت مسئولین ارشد سازمان در مقری بنام «حسینی» است. زندی از من می‌خواست، از آنجا نیز فیلم و عکس تهیه کنم. اما به او گفتم امکانپذیر نیست، چون مقر اصلی است و محافظت دارد. اما او هر روز اصرار می‌کرد که زمان رفت و آمد مسئولین و اینکه با چه ماشینی تردد می‌کنند را در بیاورم.

زندی هر روز مطالباتش را بیشتر می‌کرد و تاکید داشت که کسی متوجه نشود. من برای اینکه خودم را از این ورطه نجات بدهم چندبار اطلاعات غلط دادم و گفتم با ماشین ون رفت و آمد می‌کنند یا ساعت ۶ صبح تردد می‌کنند. ولی همین اطلاعات دروغ هم به ضرر خودم تمام شد. چون در ادامه گفت:

**« باید مکان خانم رجوی را در بیاوری که چندتا محافظ دارد.»**

به زندی گفتم این کار را نزدیکترین نفرات هم نمی‌توانند در بیاورند، این کار سخت است باید وقت داشته باشم. هدفم این بود که کوتاه بیاید، و دست از سرم بردارد.



تقریباً دو سال اول که من سرشبه بودم، زندی این نوع درخواست‌ها را زیاد می‌کرد. ابتدا طوری وانمود می‌کرد که جهت اشراف بیشتر و عینی شدن نسبت به تحرکات مجاهدین، عکس‌ها و فیلم‌ها را می‌خواهد و من هم به رغم اینکه شک می‌کردم ولی فکر نمی‌کردم که رژیم بخواهد در خاک آلبانی دست به کار تروریستی بزند. بعدها که طرح‌های تروریستی آنها لو رفت متوجه شدم که سفارت رژیم از ابتدا دنبال کار تروریستی بوده، ولی علت عکسبرداری و فیلمبرداری را به من نمی‌گفت. آنها می‌خواستند با کمترین هزینه اهداف خود را پیش ببرند. اگر این کارها را می‌خواستند غیر از بریده‌ها، توسط نفرات دیگر انجام بدهند باید بهای زیادی به لحاظ مالی و سیاسی می‌پرداختند.



## فصل ششم

اخراج دیپلمات تروریست‌ها و مرکز  
پوششی وزرات اطلاعات



در آذرماه ۱۳۹۷ دولت آلبانی سفیر رژیم و مصطفی رودکی را اخراج کرد. محمدعلی ارض پیما به عنوان مسئول ایستگاه اطلاعاتی، جایگزین رودکی شد. آلبانی در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۹۸ اعلام کرد محمدعلی ارض پیما نعمتی و سید احمدحسینی را «به خاطر انجام فعالیت‌هایی که با استاتوی موقعیت آنها و اصول کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک مغایرت دارد به عنوان عناصر نامطلوب اخراج کرده است.

بعد از اخراج ارض پیما و احمدحسینی الست، سفارت رژیم آخوندی از طریق حسن حیرانی به ما صراحتاً پیام داد که از یک کیلومتری سفارت هم نباید رد بشوید و دیگر حق تماس و مراجعه به سفارت ندارید. باید سفارت را حفظ کنیم تا شرایط عوض شود و با رفتن ترامپ و تغییر سیاست دولت آمریکا علیه رژیم، مجدداً بتوانیم روابط با سفارت را به حالت نرمال در بیاوریم. سفارت رژیم نمی‌خواست هیچ ریسکی را بپذیرد. چون برای دستگاه امنیتی آلبانی مشخص شده بود که سفارت رژیم عمده کارهای جاسوسی خودش را از طریق بریده‌ها انجام می‌دهد. به همین دلیل گفته شده بود که مراجعه بریده‌ها به سفارت هم باید طبق پروتکل رسمی و اداری باشد. برای ثبت و سند کردن علت مراجعه، آدرس «سایت موج» مربوط به وزارتخارجیه را به حسن حیرانی داده بودند تا کسانی مثل غلامعلی میرزایی، پرویزحیدرزاده، رحمان محمدیان که درخواست رفتن به ایران را داشتند، برای انجام کارهای

اداری و کنسولی خود اگر بخواهند به سفارت مراجعه کنند. یعنی اول از طریق «سایت موج» قرار ملاقات بگیرند و بعد به سفارت بروند. یک بار که غلامعلی میرزایی از همین طریق به سفارت رفته بود، راجع به اینکه چند ماه است به آنها پول نرسیده صحبت کرده بود ولی نفر سفارت گفته بود راجع به این امور مطلقاً نباید صحبت کند.

در این دوران بود که نقش حسن حیرانی بعنوان سرشیکه و مسئول پیشبرد اهداف رژیم، بیشتر برجسته می شد و او هم تلاش می کرد از فرصت بدست آمده برای منافع خود بیشترین بهره برداری را بکند.

### کافه فرانک مرکز جاسوسی رژیم در آلبانی

پس از اخراج سفیر و تعدادی از دیپلمات تروریست های رژیم از آلبانی، سفارت عملاً کارایی قبلی برای جاسوسی - تروریستی را از دست داد. وزارت اطلاعات از طریق حسن حیرانی ایجاد یک مرکز پوششی را در تیرانا برای ادامه کارهای جاسوسی و تروریستی طراحی کرد.

حیرانی مستمراً وضعیت بریده ها را علاوه بر سفارت، به وزارت اطلاعات در داخل نیز گزارش می کرد. هرکجا هم می رفت، عکس و موقعیت خودش را می گرفت و می فرستاد و می گفت که من در این مکان هستم که بیشتر بتواند نظر وزارت اطلاعات را جلب بکند. بعد از اینکه احسان بیدی در سال ۲۰۱۹ به زندان افتاد، و من هم در اوائل سال ۱۳۹۸ قصد خروج از آلبانی را داشتم و ارتباطم با سفارت را کم کرده بودم؛ سفارت رژیم کارها را به حسن حیرانی و غلامرضا شکری محول کرد. به شبکه هر کدام از اینها چند نفر وصل بودند. حسن حیرانی هرماه یک بار به صورت حضوری به سفارت می رفت و گزارشات خود را می داد و توسط نفرات سفارت برای ادامه کار توجیه می شد. برای دریافت پول در بیرون از سفارت قرار می گذاشتند.

حسن حیرانی که مزدوری خود به وزارت اطلاعات و سفارت را به نحو مطلوبی به اثبات رسانده بود از طرف وزارت اطلاعات مأمور شد تا یک مرکز پوششی و تجاری در تیرانا دایر بکند.

## دایر کردن یک «کافه» محلی برای جاسوسی و توطئه های تروریستی

نامه حسن حیرانی به اطلاعات رژیم در مورد کارایی کافه و درخواست راه اندازی یک سایت

ز: حسن حیرانی

به: .....

موضوع: ضرورت نیاز به یک پیج به زبان البانیایی

تاریخ: یکشنبه 4 خرداد 99

باسلام

همانطور که قبلا هم من درخواست کرده بودم که البته به دلیل انقطاع پیش آمده در اولویت مورد توجه چندانی هم قرار نگرفت که البته طبیعی هم بود و خودمم هم به جد پیگیر آن

مانطور که قبلا هم من درخواست کرده بودم که البته به دلیل انقطاع پیش آمده در اولویت مورد توجه چندانی هم قرار نگرفت که البته طبیعی هم بود و خودمم هم به جد پیگیر آن بودم.

علی الحال با توجه به اینکه ما در ابتدا که استارت مرکز فعالیتها را زدیم یکی از اهداف مورد نظر ایجاد یک محل ثابت جهت ارتباط هر چه بیشتر با مردم و شهروندان البانیایی و اینکه به عنوان یک پایگاه افشاگری و برکنشیدن نقاب از چهره منافقین در این کشور باشد که البته تا کنون به میزان زیادی به این هدف رسیدیم و تقریبا هر مشتری که به این محل جهت نوشتن یک کافه می آید یک ملاقات افشاگرانه هم پیش می آید و الان ایرانیها در منطقه فرزکو در تیرانا با داشتن این مکان ثابت برای مردم اینجا به میزان زیادی شناخته شده و مورد توجه مردم اینجا قرار گرفته اند و البته که با اعتباری بیشتر از گذشته و دیگر مثل سابق به صورت یک سری افراد منفرد و تک نیستند که به چشم نیابند مخصوصا که ما مصاحبه ها با خبرنگار های خارجی و البانیایی را در این مکان برگزار میکنیم که خیلی به چشم می آید.

و اما ضرورت و نیاز به یک پیج به زبان البانیایی

از آنجایی که خط مقدم ما در مقابل منافقین در آلبانی میباشد و فعالیتهای کثیف منافقین به خصوص مسموم سازیها و سیاه نمایی هایشان از ایران آنها به طور گسترده با ابزار امکانات و خرج زیاد هر روزه همانند آنچه که در عراق میکردند در این کشور هم در جریان است فقدان يك مرجع ثابت خبري و آگاهی بخش به زبان آلبانیایی کاملاً بارز و احساس میشود که حداقل بتوان بخشی از جنایتهای فرقه را جهت تنویر افکار عمومی به اطلاع مردم آلبانی رساند.

ملاحظه : من در این رابطه قبلاً با مسعود خدابنده هم صحبت کردم و کاملاً به این امر واقف و موافق است که امیدوارم با موافقت دوستان در انجا و تامین هزینه آن که البته به این شیوه بسیار ارزان برای ما تمام میشود هر چه سریعتر انشالله استارت آنرا بزنیم.

پایان گزارش

با تشکر

در دورانی که «مصطفی رودکی» هنوز از آلبانی اخراج نشده بود، قرار بود در منطقه ای از تیرانا یک دفتر کار بزنیم که گرداننده آن حسن حیرانی باشد؛ ولی بدلائل مختلف نتوانستیم این کار را بکنیم. یک علتش این بود که سفارت می گفت نمی توان روی آن حساب کرد. چون بعد از مدتی کارهای این دفتر زیر ذره بین دولت آلبانی قرار می گیرد و دلیل بازکردن دفتر را سوال می کنند و اینکه پولش از کجا تامین می شود که جواب دادن به آن سخت می بود و نشانه ها به سمت سفارت می رفت. لذا تاسیس دفتر منتفی شد.

متعاقباً براساس دستورات وزارت اطلاعات، به جای دفتر قرار شد کافه اجاره کنیم. نفر جدیدی که در سفارت به جای «مصطفی رودکی» کارهای شبکه بریده ها را دنبال می کرد، با تهیه و راه اندازی کافه موافق بود که تحت پوش بیزینس این کار صورت بگیرد و مورد حساسیت دولت آلبانی قرار نگیرد. از طرف دیگر چون کارهای جاسوسی و تروریستی سفارت برملا شده بود و گفته بودند به سفارت رفت و آمد نکنید، این کافه خود بخود کار سفارت و مرکز



وزارت اطلاعات در آلبانی را انجام می داد. حسن حیرانی تاکید داشت به آن کافه «مرکز فعالیت ها» گفته شود.

در مهر ۱۳۹۸ مغازه را در منطقه فرزکو پیدا کردیم که ۱۵۰ متر بود و از سه ماه قبل تعطیل شده بود. صاحب آن جوانی بنام «الویس» و ۳۷ سال سن داشت، شغل او خرید و فروش خودرو بود. قرار شد مغازه را یک ساله به حسن حیرانی اجاره بدهد.

با تاکید سفارت، بریده ها برای راه اندازی «کافه» کار کردند و من (هادی ثانی خانی) و حسن حیرانی و فردی بنام داشمیر اهل آلبانی کارهای اداری «کافه» را دنبال کردیم. از قبیل گرفتن دستگاه پسکو، خریدن اینترنت و کارهای مالیاتی و تهیه تابلوهای مختلف برای «کافه» که چند روز طول کشید. سفارت رژیم برای راه اندازی اولیه کافه بیش از دو هزار یورو پرداخت کرد. کافه را در اوایل آبان ماه ۱۳۹۸ راه اندازی کردیم. حسن حیرانی با فرستادن یک کارت و عکس خود برای تعدادی از بریده ها دایر کردن کافه را تبلیغ می کرد تا پاتوق جاسوسان شکل بگیرد.

Ju mund të jeni pjesëmarrës në hapjen e **FRANCK** kafe bar. Në datën 07/11/2019 nga ora 08<sup>00</sup> deri në oren 20<sup>00</sup>.

Ju sherbejmë falas

Adresa : Rruga nacionale Tiranë-Dajt pallati AIC përballë ish Pyjores

Faleminderit!



تبلیغ کافه با ارسال کارت و عکس خودش (حسن حیرانی)

باز نگه داشتن «کافه» اولویت اطلاعات و سفارت رژیم بود. اگر پول نفرات با تاخیر داده می شد ولی پول «کافه» بدون هیچ تاخیری به حساب حسن حیرانی واریز می شد.

در این «کافه» هر روز با آدم های مختلفی برخورد داشتیم و تلاشمان این بود که به آنها القا کنیم که ما در یک سازمان تروریستی بودیم، و از آن جدا شده ایم. لجن پراکنی هایی که سفارت رژیم و وزارت اطلاعات به ما آموزش داده بود همان ها را برای اهالی آنجا مطرح می کردیم. به مراجعین «کافه» می گفتیم که سازمان مجاهدین در آلبانی جز ضرر و کارهای تروریستی سود دیگری ندارد. در «کافه» با تعدادی از مغازه دارها و اهالی محل آشنا شدیم و همان سمپاشی ها را انجام می دادیم.

هم چنین «کافه» جای مناسبی برای خبرنگارانی بود که با هماهنگی سفارت یا مسعود خدابنده برای مصاحبه می آمدند و بدون اینکه در معرض دید باشند می توانستند با بریده ها جمع شده و مصاحبه ترتیب بدهند. قبلاً مصاحبه ای که می خواستیم ترتیب بدهیم از کافه رستوران ها و جاهای دیگر استفاده می کردیم و جمع کردن چند بریده در یک محل یا یک کافه زیر ذره بین بود و نمی خواستیم این مسائل پیش بیاید. مصاحبه هایی که در این «کافه» برگزار شد عبارت بود از:

- مصاحبه با جرجی تاناسی، مصاحبه ژیار گل از بی بی سی فارسی با غلامعلی میرزایی، فاکس نیوز (آلبانی)، مصاحبه اولسی یازگی و  
- مصاحبه های هفتگی با « مردم تی وی -پارسا سربی» که در هماهنگی با مسعود خدابنده و علی اکبر راستگو در آلمان و سفارت رژیم در آلبانی صورت می گرفت.

## اجازه کار « کافه » به اسم داشمیر اهل آلبانی



حسن حیرانی برای «کافه» هرماه ۵۰۰ یورو کرایه می داد. «کافه» فرانک در منطقه فرزکو بود. چون حسن حیرانی به لحاظ قانونی نمی توانست «کافه» باز کند، به دستور وزارت اطلاعات چند نفر از بومی های کشور آلبانی را برای کارهای اداری خودش اجیر کرده بود. یکی از این نفرات بنام «داشمیر» از اهالی منطقه کورچا بود. مشخصات داشمیر بقرار زیر است:

اسم: مرسولی

فامیل: داشمیر

تاریخ تولد: ۲۲ ژوئن ۱۹۵۶

داشمیر اصالتاً از شهر بیلیشت در نزدیکی شهر کورچا در آلبانی است، اما در حال حاضر در تیرانا زندگی می کند. او در سال ۱۹۸۰ از منطقه کامز فارغ التحصیل شده و فوق لیسانس اقتصاد در زمان انورخوجه است. شماره



این کافه، نفرات داخل مناسبات را نیز تشویق می کند که در بیرون می توانند کار کنند و به بقیه بریده ها نیز امید می دهد که در آلبانی بمانند. « کارهای جاری «کافه» عمدتاً زیر نظر من بود. استفاده اصلی از «کافه» برای پیش بردن خط و خطوط وزارت اطلاعات بود که حسن حیرانی دنبال می کرد. حسن حیرانی هم چنین داشمیر را به عنوان وکیل خود معرفی می کرد. خیلی از سفرها و ملاقات هایی که حسن حیرانی می رفت، داشمیر را هم با خودش می برد.

داشمیر دوست و آشنا زیاد داشت. وزارت اطلاعات از داخل به حسن حیرانی تاکید کرده بود به هر ترتیبی شده داشمیر را نسوزاند و به عنوان وکیل هم از او استفاده بکند تا کارهای خلاف قانون بریده ها را حل و فصل بکند. «میراندا» همسر داشمیر معلم مهد کودک است. حسن حیرانی به خانه آنها رفت و آمد می کند و از پوش آنها استفاده می کند. مثلاً برای شناسایی اشرف سه، با محمل رفتن به کنار دریا، داشمیر و همسر و دخترش با او بودند و در حالی که حسن حیرانی راننده بود دختر داشمیر از جلوی اشرف سه، فیلم و عکس گرفته بود.

گرفتن کارت اقامت در آلبانی برای بریده ها سخت بود، لذا از طریق داشمیر کارت اقامت در آلبانی تهیه می کردیم. حسن حیرانی برای مراجعه به ادارات و یا سمپاشی علیه مجاهدین، به همراه داشمیر می رفت. هر کجا هم حسن حیرانی یا یک بریده مزدور گیر می افتاد، داشمیر برای حل و فصل آن وارد می شد. حسن حیرانی قوانین آلبانی را نمی دانست، براساس رهنمودهای داشمیر به کارهای خلاف خود ادامه می داد و هر جایی گیر می افتاد داشمیر مأمور جمع وجور کردن آن موضوعات می شد.

حیرانی بارها به منطقه کورچا محل تولد داشمیر که نزدیک مقدونیه بود می رفت. در آبان ۹۸ و خرداد ۹۹ چند روز به آنجا رفت. در خرداد ۹۹ به داخل خاک مقدونیه رفته و با افرادی ملاقات کرده بود که در این باره به ما چیزی نگفت. ولی غیرمستقیم متوجه شدم که تحت پوشش گردش با استفاده از

خانواده داشمیر، جهت اجرای قرار با وزارت اطلاعات به مقدونیه رفته است. درست کردن کارهای پوششی برای سایر بریده ها نیز از طریق داشمیر وحسن حیرانی صورت می گرفت. مثلا برای پرویز حیدرزاده کار پوششی نقاشی ساختمان و برای مالک بیت مشعل هم شغل پوششی در کارخانه گونی سازی ایجاد کرده بود تا به این وسیله جیره و مواجب دریافتی از سفارت را کتمان و برای کارجاسوسی محمل مناسب داشته باشند. همین شغل های پوششی را نیز در سایت ها منتشر می کردند تا وانمود کنند به کار مشغول هستند. چون داشمیر مشکلات اقتصادی داشت حسن حیرانی از راه های مختلف به داشمیر و خانواده او کمک می کرد. یکی از دخترهای داشمیر در اوسلواکی دانشجو و دو دختر دیگرش در تیرانا بودند. به دستور وزارت اطلاعات حسن حیرانی به آنها کمک می کرد. وزارت اطلاعات گفته بود اگر «کافه» به هر دلیل بسته شد تا زمانی که بریده ها در آلبانی هستند ماهیانه پول داشمیر داده می شود و مشکلی از این بابت نخواهد داشت. زمانی که کرونا آمده بود و سه ماه در قرنطینه بودیم و کافه ها هم در آلبانی سه ماه تعطیل شده بود، حقوق ماهیانه داشمیر و کرایه «کافه» پرداخت می شد.

راه اندازی کافه برای من و حیرانی پوشش خوبی ایجاد می کرد که اگر پلیس به ما شک می کرد و محل درآمد ما مورد سوال قرار می گرفت از پوشش کار کردن در «کافه» استفاده می کردیم. هم چنین «کافه» محل تجمع نفرات بریده و انگیزه دادن به آنها می شد تا در آلبانی بمانند و تصور کنند که در آلبانی می توانند کار و کاسبی راه بیندازند و علیه سازمان مجاهدین فعالیت بکنند و به کشورهای دیگر نروند.

### **کافه فرانک محل تجمع مزدوران و عناصر اطلاعاتی رژیم**

تصاویری که در صفحه بعد نشان داده می شود، گویای کارکرد « کافه » برای سفارت و وزارت اطلاعات رژیم می باشد.





تصویری از کافه فرانک



تجمع تعدادی از بریده مزدوران در کافه حسن حیرانی بعد از آزادی احسان بیدی از زندان در سال ۲۰۲۰



حسن حیرانی و داشمیر





رحمان محمدیان و دانشمیر در کافه حسن حیرانی



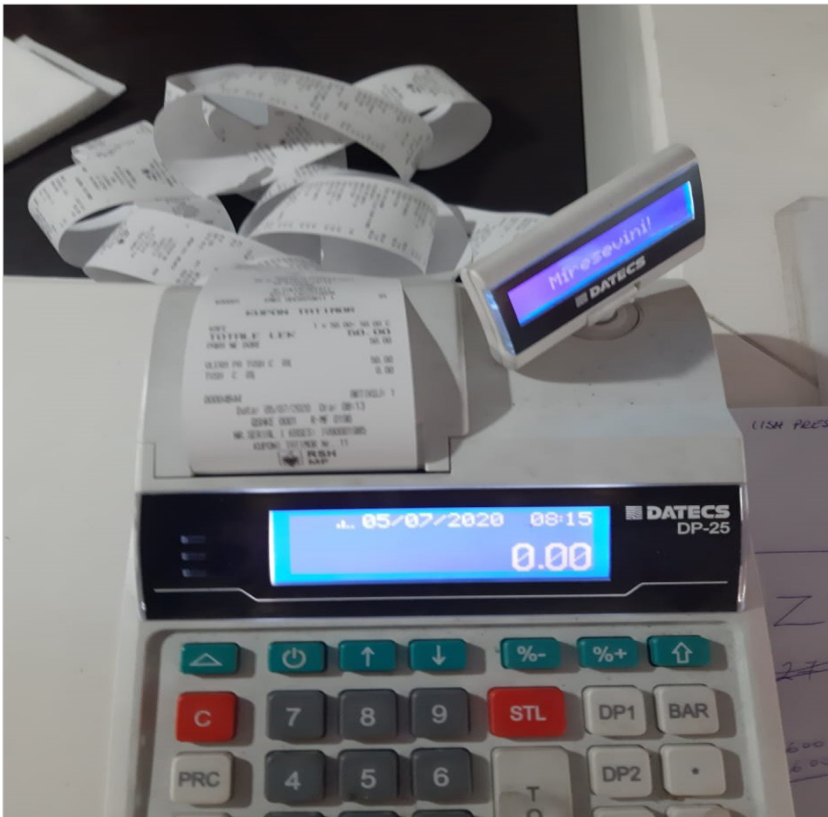
ماشین حسن حیرانی که برای شناسایی مقرهای مجاهدین از این خودرو استفاده می کند



جرج تانسی و دانشمیر در کافه حسن حیرانی

## تولید فیش های فروش جعلی در کافه حسن حیرانی

درآمد کافه بسیار پائین بود ، به طوری که حتی بخشی از هزینه های آن مانند اجاره ماهانه و هزینه آب و برق را نیز تامین نمی کرد، چه رسد به تامین هزینه زندگی حداقل دونفر ( من و حسن حیرانی ) که تمام وقت در آنجا کار می کردیم . برای اینکه این موضوع جلب توجه نکند، حسن حیرانی هر شب تعداد زیادی فیش جعلی تولید می کرد که وانمود کند کافه درآمد زیادی دارد و او هزینه هایش را از درآمد کافه تامین می کند .



## فصل هفتم

### توطئه های رنگارنگ



## توزیع CD علیه مجاهدین بین شخصیت های آلبانی

در اوایل ۱۳۹۶ که با زندگی ارتباط مستمر داشتم یک بار او روی چت برای من نوشت که بروم کل پول ماهانه نفرات را بگیرم و بعد سهمیه نفراتی که به غلامرضا شکری وصل بودند را به او بدهم. او محل قرار را برای دریافت پول «مجموعه تجارتي تگ» در تیرانا مشخص کرده و نوشته بود در آن محدوده یک کافه انتخاب بکن که دوربین نداشته باشد و به لحاظ امنیتی مشکلی پیش نیاید.

یک ساعت قبل از قرار با «فریدون زندی علی آبادی»، من به فروشگاه زارا<sup>(۱)</sup> رفتم. روبروی آنجا یک کافه بود که صندلی چیده بودند و منطقه خلوتی بود که دوربین نداشت و به لحاظ امنیتی هم چک کردم دیدم جای مناسبی است. آدرس محل را به زندی دادم او به همان محل آمد. ابتدا من رسید پول هایی که از نفرات گرفته بودم را به او دادم، زندی هم ۱۵۰۰۰ یورو را در یک پاکت روی میز گذاشت و من برداشتم. او با خودش ۸۰ عدد CD در یک بسته بزرگتر آورده بود که نمی خواست در آنجا رد و بدل کند. گفت: «من می روم فروشگاه زارا و یک پیراهن برمی دارم و می روم اتاقی پروف، تو

هم یک پیراهن بردار و بیا اتاق پروف آنجا CDها را تحویل بدهم که کسی متوجه نشود.»

پس از رفتن زندگی من هم به دنبال او به اتاق پروف رفتم. او بسته حاوی CD که علیه رهبری مجاهدین بود را در ساک من گذاشت و رفت. اولویت کار من براساس توجیه زندگی ارسال CDها بود. چون همراه داشتن همه CDها شک برانگیز بود، برای توزیع و ارسال آنها هر بار ده عدد CD را برای پارلمانترها، خبرنگاران و تلویزیون ها از طریق پست ارسال می کردم



آدرس و مشخصات محلی که با گرداننده ایستگاه اطلاعات در آنجا قرار می گذاشتم.



فروشگاهی که CDها را از فریدون زندی آبادی تحویل گرفتیم

## رابطه مزدور علی اکبر راستگو با زندی و شبکه جاسوسان در آلبانی

علی اکبر راستگو از مهره های قدیمی وزارت اطلاعات در خارج کشور است. در ادامه دریافت و توزیع CDها، متوجه شدم که علی اکبر راستگو نیز به صورت هماهنگ برای شیطان سازی علیه مقاومت CD مشابهی را در کشورهای اروپایی برای رسانه ها و پارلمانترها ارسال می کنند. من هر روز به علی اکبر راستگو گزارش می دادم که چه تعداد CD به چه کسانی ارسال کردم.

در این مراودات برای من مسجل شد که مسعود و ابراهیم خدابنده و راستگو مستقیماً با سفارت رژیم در آلبانی در ارتباط هستند و خط کار با بریده ها را هماهنگ می کنند.



ابراهیم خدابنده در ایران      مسعود خدابنده در انگلیس      علی اکبر راستگو در آلمان

## تشکیل سایت «نجات یافتگان در آلبانی» توسط علی اکبر راستگو

یک روز در ۱۳۹۶ از ندی با من چت کرد و گفت: «می‌خواهم یک سایت در آلبانی درست کنی، ارزیابی کن تاسیس و اداره سایت چقدر هزینه بر می‌دارد. نفراتی که می‌توانند در این زمینه کار کنند را نیز آماده کن.»

من به او گفتم چون خودم به فضای مجازی و کارکرد آن وارد نیستم، تشکیل و مدیریت این سایت را به نفر دیگری محول کنید. او قبول نکرد و گفت: «من هر چیزی که به تو می‌گویم همان را انجام بده.»

با کمک یک نفر بریده که در کار فضای مجازی و سایت وارد بود برآورد کردیم. برای گرفتن یک دفتر و یک اتاق کار و درست کردن یک سایت حدود دو هزار یورو نیاز هست و در ادامه اگر بخواهم دو نفر برای این کار استخدام کنم، ماهیانه با پول اجاره دفتر و سایر هزینه‌های جانبی تقریباً ۱۵۰۰ یورو هرماه هزینه دارد. من موضوع را به ندی گزارش دادم، او گفت با تهران مشورت می‌کنم. ولی بعداً از تهران این موضوع را منتفی کردند. چون قبلاً راه اندازی سایت «نجات یافتگان در آلبانی» را به علی اکبر راستگو محول و مشخص کرده بودند که مزدوران به صورت متمرکز از این سایت استفاده



بکنند. مدیریت این سایت نیز با علی اکبر راستگو بود. احسان بیدی و چند بریده مزدور دیگر، خبرها و مقالات را از آلبانی مستقیماً به علی اکبر راستگو می دادند و او در سایت نجات یافتگان درج می کرد. علی اکبر راستگو به ما گفته بود سعی کنید نفراتی که به صورت علنی اعلام بریدگی کرده اند مقالاتشان را در سایت «نجات یافتگان در آلبانی» بگذارید و مطالب نفرات غیرعلنی را در سایت های دیگر منتشر می کنیم.

وزارت اطلاعات می خواست وانمود کند که این سایت در آلبانی راه اندازی شده است و نمی خواست مشخص شود در آلمان راه اندازی شده است. درحالی که این سایت توسط علی اکبر راستگو در شهر کارلسروهه آلمان ثبت شده بود.

**نجات یافتگان در آلبانی:**  
اجازه ندهید در آلبانی قلعه اشرف ساخته شود

خانه دربارہ ما تماس با ما خانواده قربانیان نجات یافتگان در آلبانی سایت انگلیسی سایت آلبانیایی

مسعود ره  
اربع 26  
1368  
هبر مادام  
مریم  
سنول اول  
مجاهد



رحمان محمدیان: سوء استفاده فرقه رجوی از نام و آوازه استاد شجریان



موسی داصودی: مگر می شود در زندان و اسارتگاه شاد بود ؟

```

org-name: 141 IONOS SE
org-type: LIR
address: Brauerstraße 48
address: 76135
address: Karlsruhe
address: GERMANY
phone: +49 721 91374 0
fax-no: +49 721 91374 212

address: Brauerstraße 48
address: 76135
address: Karlsruhe
address: GERMANY
phone: +49 721 91374 0
fax-no: +49 721 91374 212
e-mail: ripe-role@oneandone.net

created: 2004-04-17T11:11:55Z
last-modified: 2020-10-06T15:50:06Z
source
    
```

اساساً کار با سایت «نجات یافتگان در آلبانی» و سایت های دیگر، بدست مزدورانی مثل: محمد کرمی- محمد حسین سبحانی- علی اکبر راستگو- مسعود خدابنده- می باشد. آنها موضوع مقالات را برای بریده مزدوران آلبانی مشخص می کنند که در باره چه مسائلی و چطوری بنویسند. بریده ها مطالب نوشته شده را به آنها بر می گردانند تا پس از چک نهایی در سایت ها زده شود. مقاله نویسی ها و صاحبان سایت ها ماهیانه حقوق بیشتری از وزارت اطلاعات می گیرند. وقتی مزدوران مطالبی علیه سازمان می نویسند از طریق مسعود خدابنده در سایت اینترلینگ- علی اکبر راستگو در سایت کانون آوا و ... به صورت زنجیره ای به همه سایت ها لینک می دهند. مسعود خدابنده گرداننده بسیاری از سایت های وزارت اطلاعات در خارج و ابراهیم خدابنده گرداننده کل انجمن نجات وزارت اطلاعات و سایت های آن می باشند.

### تلویزیون اینترنتی "مردم تی وی" - پارسا سربی

ریل داستان سرایی بریده مزدوران در تلویزیون مردم تی وی متعلق به پارسا سربی به این صورت است که محمد کرمی و علی اکبر راستگو اسامی مزدوران مشخص شده را از یک هفته قبل به «پارسا سربی» می دادند. سربی در تلویزیون خود، آگهی مصاحبه را از قبل منتشر می کرد، مزدوران هم در قالب مصاحبه تمامی حرف های وزارت اطلاعات را علیه مجاهدین تکرار می کردند. سوالات و پاسخ ها را محمد کرمی یا علی اکبر راستگو به بریده مزدور مورد نظر می دادند تا برای روز مصاحبه آن را حفظ کند یا از رو بخواند. همین سوالات را به پارسا سربی هم می دادند.

مزدور منوچهر عبدی بارها درخواست رفتن به ایران داده بود. شرطی که برای او گذاشته شده بود مصاحبه با پارسا سربی بود. سفارت رژیم مرا برای ترتیب دادن این مصاحبه مشخص کرد. منوچهر عبدی را بر اساس خط داده شده سفارت توجیه و آماده سازی کردم. این مصاحبه برای سفارت رژیم و

وزارت اطلاعات در داخل خوشآیند بود. پس از این مصاحبه بود که وزارت اطلاعات موافقت کرد تا منوچهر عبدی به ایران برگردد. محمد کرمی نیز از این کیس ابراز خوشحالی می کرد و می گفت:

« در داخل وزارت اطلاعات هم از این مصاحبه استقبال کردند.»

به مرور کاندید نفرات برای مصاحبه با « مردم تی وی -پارسا سربی » را زیادتر کردیم. زندی می گفت:

« پارسا سربی نفر ما و مجری کارهایی است که از طریق علی اکبر راستگو و محمد کرمی مشخص می کنیم. تمام مواجب او را وزارت اطلاعات از طریق علی اکبر راستگو می پردازد. »

بعد از اینکه یک نفر مصاحبه اول را با پارسا سربی به عمل می آورد، ما سعی می کردیم نفرات دیگر را وارد کنیم. چون برخی مزدوران در پشت پرده بکار گرفته می شدند و تعداد نفراتی که به صورت آشکار مزدوری می کردند کم بود، لذا مجبور بودیم هر نفر را چندین بار به مصاحبه با پارسا سربی بفرستیم. سفارت نیز روی حسن حیرانی، منوچهر عبدی، سعدالله سیفی، رحمان محمدیان، غلامعلی میرزایی و... متمرکز شده بود. بعد از مدتی با تایید زندی، مسئولیت انتخاب بریده ها برای مصاحبه با پارسا سربی به منوچهر عبدی محول شد و تا زمان رفتن به ایران این کار را برعهده داشت. بعداً این کار روال ثابت شد که هر بریده پس از علنی کردن مزدوری اش، و انتشار مطالب او در سایت های نجات و وزارت اطلاعات در داخل و خارج ایران، بایستی در تلویزیون مردم تی وی مصاحبه می کرد تا مورد تأیید وزارت اطلاعات قرار می گرفت.

### ارزیابی سفارت رژیم از تلویزیون مردم تی وی - پارسا سربی

ارزیابی سفارت رژیم در آلبانی این بود که یک مصاحبه با سربی به اندازه چند مقاله در ماه است و این را نیز در پرداخت پول به مزدوران محاسبه

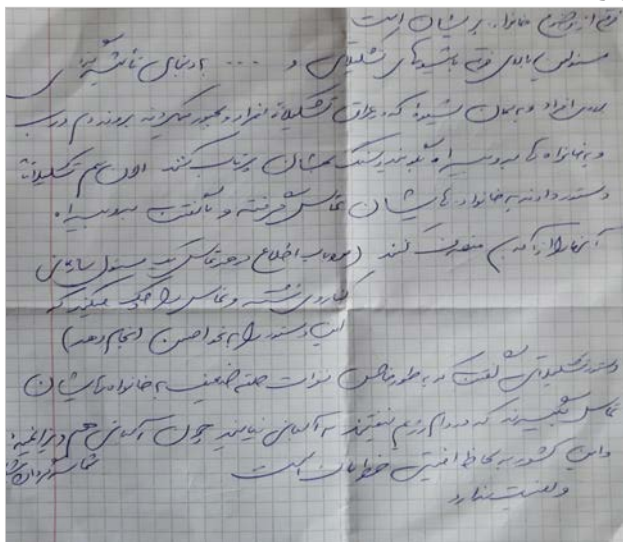
می کردند. مأموران اطلاعاتی مستقر در سفارت برای تشویق بریده ها به مصاحبه، پرداختی ماهانه به آنها را افزایش می دادند و حتی به من می گفتند: « کسی که در ماه یک یا دو مرتبه با پارسا سربی مصاحبه می کند ارزشش بیشتر از کسی است که ۱۲ مقاله می نویسد.»

با این شیوه سفارت و وزارت اطلاعات مزدوران را تشویق می کردند تا بیشتر مصاحبه کنند. یکی از نفرات هر ماه ۲۵۰ یورو از سفارت می گرفت، به توصیه سفارت به او گفتم که اگر با پارسا سربی مصاحبه کنی ماهانه ۵۰۰ یورو دریافت خواهی کرد که او نیز این کار را قبول کرد و بعد از آن یکی از نفرات ثابت مصاحبه با پارسا سربی شد. مدتی بعد، از سفارت به من تاکید کردند که تو هم به عنوان سرشبهه بایستی با پارسا سربی مصاحبه بکنی تا روی شبکه تاثیرگذار باشد. متعاقباً محمد کرمی با من تماس گرفت و گفت آمادگی مصاحبه با پارسا سربی را داشته باش. از قبل سئوالات و پاسخ ها را به من داد. آن مطالب را حفظ کرده و برای مصاحبه آماده شدم. من هم پس از گذشت دوسال که از مناسبات مجاهدین بیرون آمده بودم، در بهمن ۱۳۹۷ (فوریه ۲۰۱۹) با پارسا سربی مصاحبه کردم. چون درخانه مشکل کامپیوتر و وایفا داشتم برای مصاحبه به خانه احسان بیدی رفتم که آنجا تضادهایش را حل کرده بودند. پس از مصاحبه از سفارت با من تماس گرفتند و گفتند از مصاحبه راضی هستند.



مصاحبه من (هادی ثانی خانی) با پارسا سربی

در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۲۰ حسن حیرانی با پارسا سربی قرار مصاحبه داشت. موضوع مصاحبه در رابطه با نامه نگاری خانواده های مجاهدین به دولت آلبانی برای ملاقات با نفرات اشرف در آلبانی بود. صبح همان روز، نفر اطلاعات از تهران به حسن حیرانی که در کافه بود زنگ زد و او را توجیه کرد. حسن حیرانی نکات توجیهی را یادداشت می کرد تا طبق آن در تلویزیون پارسا سربی مصاحبه بکند. کلیشه دستخط حسن حیرانی برای مصاحبه با پارسا سربی در زیر آمده است:



حضرت امام رضا (ع) سلام بر شما  
مسئله اینست که ما در این خصوص  
با شما در این خصوص که در این خصوص  
و به شما در این خصوص که در این خصوص  
دستور داریم به شما در این خصوص  
آنها را که در این خصوص  
که در این خصوص و ما در این خصوص  
این دستور را که در این خصوص  
و در این خصوص که در این خصوص  
ما در این خصوص که در این خصوص  
و این که در این خصوص  
و در این خصوص





شرکت مزدوران در مصاحبه های پارسا سربی به یک سوژه خنده و تمسخر تبدیل شده بود. چون یکی از موضوعاتی که در سوال و جواب مکتوب شده برای نفرات می فرستادند، نوع شکنجه و تاثیرات آن روی فرد را می نوشتند. بعضی از بریده ها می گفتند در متن های قبلی کم شکنجه کرده بودند و در متنی که برای من آمده، مفصل تر از نفرات دیگر شکنجه شده ام.

خودم سال ها در مناسبات مجاهدین بودم و شاهد این قضایا و مصاحبه های مزدوران با پارسا سربی و سایر سایت های وزارت اطلاعات هم بودم. یک کلمه آن حرف ها واقعیت نداشت. این هم یکی از موضوعات عذاب وجدان من شده بود که چگونه وزارت اطلاعات و سفارت جعلیات تولید کرده و به مزدوران می دادند.

اکثر موضوعات مثل شکنجه در مناسبات، فرقه، طلاق اجباری، کردکشی، و این قبیل جعلیات برای خود ما نیز قابل هضم نبود. خیلی از نفراتی که در شبکه من بودند می گفتند دیگر خیلی مزخرف می بافند. آدم بخواهد دروغی را هم بگوید باید یک طوری بگوید که باور کنند. ولی این که من ۶ ماه شکنجه شدم بعد با محبت با من رفتار کردند، این موضوعات کسی را فریب نمی دهد. کسی که شکنجه شده باشد نمی تواند با مجاهدین بماند. کسانی مثل غلامرضا شکری که مدعی هستند شکنجه شده اند، چطور بعد از شکنجه شدن می توانند سال ها در سازمان بمانند. در صورتی که کسی که شکنجه شده باید همان موقع علیه مجاهدین و علیه رفتار آنها شورش کند و صدایش را به همه برساند.

من شاهد بودم که همه اینها کذب بود و همه اینها سئوالات و جواب هایی است که رژیم از قبل برای بریده مزدورها آماده کرده و آنها طوطی وار در سایت ها و تلویزیون های دست ساز وزارت اطلاعات بیان می کردند.





## فصل هشتم

هماهنگی سفارت و مزدوران و زرات  
اطلاعات در خارج کشور



## برادران خدابنده

در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۹۵ (۹ نوامبر ۲۰۱۶) که از مقر مجاهدین خارج شدم، سه چهار روز بعد ابراهیم خدابنده از تهران روی واتساپ من آمد. به من به خاطر بیرون آمدنم تبریک گفت. بلافاصله مسعود خدابنده نیز از طریق ابراهیم خدابنده ارتباط خود را با من وصل کرد.

پس از اولین مراجعه من به سفارت، ابراهیم خدابنده مجدداً از تهران روی واتساپ من آمد و گفت:

«... در جریان قرار گرفتیم که به سفارت ایران رفته‌ای، شما می‌توانید کمک زیادی بکنید. با مقاله نویسی شروع بکنید. مطالب را برای من هم بفرستید تا در سایت نجات منتشر کنیم.»

اولین مقاله‌ای که نوشتم و به ابراهیم خدابنده دادم او گفت که با اسم مستعار بدهید. اسم مستعار «زینال شهیدی» را انتخاب کردم و مدتی کارم همین بود که با اسم مستعار مقاله و مطلب می‌نوشتم و یک نسخه را به مسعود خدابنده و همسر او به نام «آن سینگلتن» و محمد کرمی در فرانسه می‌فرستادم. تمامی مطالب طبق توجیهات قبلی، سمپاشی علیه مجاهدین بود.

یک نمونه از مطالبی است که براساس توجیهات مسعود خدابنده با اسم

## مستعار «زینال شهیدی» در تاریخ ۲۷ آبان ۹۷ نوشته بودم و درسایت ایران اینترلیک و سپس در سایر سایتهای وزارت اطلاعات منتشر شد.

فاجعه انسانی در راه است! هشدار در خصوص جابجایی فرقه رجوی به محلی دور افتاده در آلبانی!  
2017/11/19

فاجعه انسانی در راه است! هشدار در خصوص جابجایی فرقه رجوی به محلی دور افتاده در آلبانی!  
انسان...  
بنام خداوند سخن بگویم، آلبانی، نوزدهم نوامبر 2017... طبق خبرهایی که بدست آمده فرقه رجوی سه روز است که مشغول جابجایی به محلی جدید موسوم به اشرف 3 می باشد. این محل جدید که خیلی دور از شهر است تماماً با دیوار و سیم های خاردار مرتفع محصور است و امکان ارتباط با دنیای بیرون به هیچ وجه از آن وجود ندارد. فرقه رجوی از سمت ما قبل نگاهی می کرد تا نفرت خود را به ...

به اعضایی که فرقه رجوی باید بخوریم که هر خونه امکاناتی که وعده آنها به شما بدهند جای ارادی و ارتباط با خانواده را نمی خورد. اگر چه همان امکاناتی که وعده آنها می دهند هم دروغ است و صرفاً برای نورچشمی ها و بالایی هاست. شما میدانید که ارتباط با دنیای بیرون در این فرقه ممنوع است. شما اگر حتی بهترین امکانات را داشته باشید اما مثلاً دسترسی به اینترنت نداشته باشید و نتوانید با خانواده تماس بگیرید چه ارزشی دارد؟ در دنیای رجوی شما نمیتوانید از خیلی چیزها آگاهی پیدا کنید و نمی توانید با مردم عادی برخورد داشته باشید.

من از همه اعضا عاوانه درخواست می کنم که باز مجدداً فریب فرقه را نخورند و با پای خود به یک زندان بزرگ که بدترین نوع در دنیا هست قدم نگذارند و ذهن خود را دوباره به دست فرقه ندهند. در این راستا همه باید کمک کنند تا نفرت داخل فرقه آگاهی پیدا کنند و به جای بی بازگشت قدم نگذارند.

جات یافته از فرقه رجوی در آلبانی... زینال شهیدی  
27 آبان 96

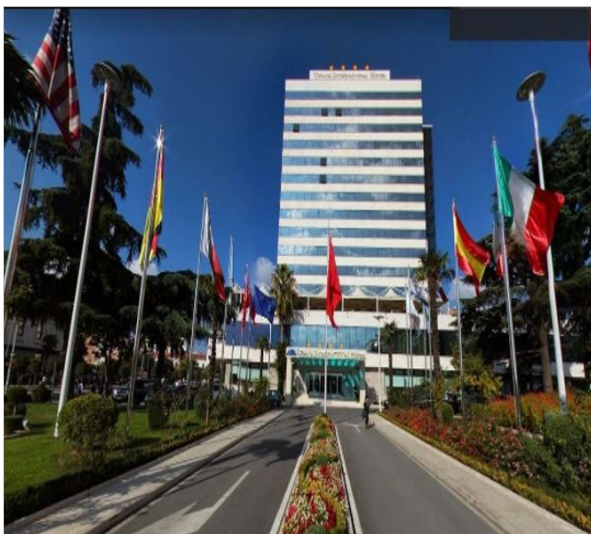
زندگی به من گفته بود برای اینکه به نفرت حقوق بدهیم، هر کدام باید در ماه ۱۲ مقاله بنویسند. ما هم باید گزارش می دادیم که هر نفر چند مقاله یا چند خبر راجع به مجاهدین نوشته است. یک بار که من گزارش مطالب و مقاله های نوشته شده را به او دادم، آمار مطالب پایین بود، زندگی به من گفت که این ماه به جای ۲۵۰ یورو به آنها ۱۵۰ یورو بده، در حالی که رسید ۲۵۰ یورو نوشته بودند. من گفتم اگر این کار را بکنید اینها همین مطالبی را هم که به زور می نویسند دیگر ادامه نمی دهند. چطور به آنها بگویم که بجای ۲۵۰ یورو سفارت ۱۵۰ یورو داده است. شب که با خداینده تماس داشتم این مسأله را به او گفتم. مسعود خداینده گفت اشکال ندارد من با سفارت صحبت می کنم.

پس از صحبت خداینده با سفارت، زندگی با من چت کرد و گفت اشکال ندارد به همه ۲۵۰ یورو بده، ولی بگو که از این به بعد باید بیشتر کار کنند. خیلی روشن بود که مسعود خداینده در هماهنگی کامل با سفارت خط کار

مزدوران را مشخص می کنند و مواجب پادوها را بالا و پایین می برند. در این دوران کار اصلی ما در آلبانی نوشتن مقاله با اسم مستعار بود. در آن زمان فقط دو نفر به نام های مالک بیت مشعل و منوچهر عبدی را علنی کرده بودیم. در مرحله بعد سعدالله سیفی را علنی کردیم. برنامه ریزی علنی کردن مزدوران توسط زندی و مسعود خدابنده دنبال می شد و هدف این بود که افراد بتوانند با رسانه ها بخصوص رسانه های خارجی با هویت اصلی خودشان مصاحبه کنند.

### آمدن «آن سینگلتون»<sup>(۲)</sup> به آلبانی

در نوامبر ۲۰۱۷ «آن سینگلتون» که شهروند انگلیسی و همسر مسعود خدابنده است با کمک سفارت به آلبانی آمد و در هتلی بنام اینترنشنال در مرکز تیرانا مستقر شد. همسر اولسی یازچی مزدور آلبانیایی سفارت، او را همراهی می کرد. او حدود ۴ روز در این هتل بود.



زندگی با من چت کرد و نوشت «آن سینگلتون» به تیرانا آمده است و مأموریت تو این است که نفرات را پیش او ببری تا مفصل با او صحبت کنند. از شکنجه‌ها و نبودن آزادی در مناسبات و طلاق اجباری و... برای او توضیح دهند. من با نفرات شبکه چت کرده و گفتم که ساعت ۱۰ صبح به میدان اسکندربیگ بیایند.

منوچهر عبدی، سعدالله سیفی، هادی ناصری مقدم، غلامرضا شکری و یکی دو نفر دیگر جمع شدند. قرار بود احسان بیدی هم بیاید. چون نفرات از قبل گفته بودند اگر احسان بیدی بیاید، به دلیل منفوریتی که دارد ما نمی‌آییم؛ لذا آمدن بیدی را لغو کردیم. «آن سینگلتون» به همراه خانم اولسی آمده بود. او می‌خواست با نفرات عکس بیاندازد. چون نمی‌خواستیم عکس‌ها منتشر بشود، فقط نفراتی مانند سعدالله سیفی و منوچهر عبدی و ... که علنی با سفارت کار می‌کردند با «آن سینگلتون» عکس گرفتند.

«آن سینگلتون» خواست برای نفرات میهمانی نهار بدهد، من پیشنهاد دادم در همان نزدیکی، فروشگاه بزرگی بنام «تایفونی» هست آنجا برویم. نفرات را به طبقه پنجم بردیم او برای همه نفرات پیتزا و هرچه می‌خواستند سفارش داد. در حین صحبت با «آن سینگلتون» نفرات علیه مجاهدین سمپاشی می‌کردند و انواع و اقسام دروغ را به عنوان خاطرات خودشان به او توضیح می‌دادند. «آن سینگلتون» هم که به فارسی مسلط بود، صحبت‌های همه آنها را می‌شنید و تائید می‌کرد تا بیشتر بگویند.

در ادامه صحبت‌ها، سعدالله سیفی گفت ما مشکل مالی داریم. «آن سینگلتون» مرا به یک گوشه ای برد و گفت: مسعود خدابنده پشت خط تلفن هست، تو با او صحبت کن و گوشی تلفن را به من داد. مسعود خدابنده گفت به «آن سینگلتون» گفتم که مقداری پول به سعدالله سیفی و نفرات دیگر بدهد. من آنجا قبول نکردم و گفتم، چون از سفارت پول می‌گیرند، بهتر است پول را ندهیم و النهایه از دادن پول منصرف شدند. پس از دو ساعتی که با «آن سینگلتون» بودیم دیدار تمام شد. مسعود خدابنده شب

زنگ زد و گفت چون احسان بیدی نیامده بود و «آن سینگلتون» دوست دارد احسان بیدی را هم ببیند، اگر می شود یک ملاقاتی هم با احسان بیدی ترتیب بده. هماهنگی دیدار «آن سینگلتون» با احسان بیدی را انجام دادم «آن سینگلتون» گفت یک رستوران ترکیه ای بنام «سفره» هست، دیدار با احسان بیدی همان جا باشد. من و احسان بیدی و او و همسر اولسی بازچی باهم دیدار کردیم. احسان بیدی تحت عنوان خاطره علیه سازمان سمپاشی می کرد. «آن سینگلتون» این صحبتها را برای خانم اولسی یازچی هم بازگو می کرد تا او را نیز بر علیه سازمان مجاهدین کوک کند. از قول مزدوران به «آن سینگلتون» گفتیم مایل هستیم مسعود خدابنده هم به آلبانی بیاید «آن سینگلتون» گفت احتمالاً یکی دو ماه دیگر، مسعود خدابنده به آلبانی بیاید. اما چندی بعد مسعود خدابنده با من تماس گرفت و گفت با توجه به



احسان بیدی و سعدالله سیفی، دو مزدوری که با آن سینگلتون بودند

انجمن نجات

صفحه اصلی - انجمن - خانوادهها - مراکز انجمن - اعضا جداشده از فرقه رجوی - فرقه رجوی - چند رسانه‌ای - تلکس - تغییر

صفحه نخست - انجمن نجات کرمانشاه - گردهمایی تعدادی از خانواده های کرمانشاهی در دفتر انجمن استان

### گردهمایی تعدادی از خانواده های کرمانشاهی در دفتر انجمن استان

انجمن نجات مرکز کرمانشاه - سه شنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۷

عده ای از خانواده های اسیران فرقه رجوی در دفتر انجمن نجات استان کرمانشاه حضور به هم رساندند و از نزدیک با هم به بحث و تبادل نظر درخصوص چاره اندیشی برای رهایی عزیزانشان پرداختند.

مزدور سعدالله سیفی، در جلسه وزارت اطلاعات در کرمانشاه-دیدار در دفتر نجات کرمانشاه



مزدور عظیم میثم مست در آغوش ملایان حاکم بر ایران



افشاگری مجاهدین در باره سفر سینگلتون احتمالاً من دیرتر بیایم. در واقع از آمدن به تیرانا منصرف شده بود.

سعدالله سیفی بعد از این که مزدوری خود را به سفارت و وزارت اطلاعات به اثبات رساند مجوز رفتن به ایران را دریافت کرد و در خدمت وزارت اطلاعات در داخل ایران قرار گرفت.

ابراهیم خدابنده اولین نفری بود که از داخل ایران با من تماس گرفت و از من خواست مطالب مورد نظرش را بنویسم تا در سایت های وزارت اطلاعات منتشر بشود. پس از این که از سفارت و جمع جاسوسان جدا شدم، در مورد کارکرد و مأموریت این مزدور وزارت اطلاعات در اینترنت تحقیق کردم. در «روزنامه رسمی رژیم وابسته به قوه قضائیه» مطلب زیر منتشر شده بود.



The screenshot shows the official website of the Islamic Republic of Iran. At the top, there is a navigation bar with the following links: صفحه اصلی (Home), ورود اعضا (Member Login), ارتباط با ما (Contact Us), درباره ما (About Us), راهنما (Guide), and ویژه همکاران (Special for Partners). The main header features the title "روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران" (Official Newspaper of the Islamic Republic of Iran) and the logo of the Ministry of Information and Public Relations. Below the navigation bar, there is a section for "جزئیات آگهی" (Advertisement Details) with the following information:

- شماره روزنامه: ۲۱۶۴۶ تهران
- شماره صفحه روزنامه: ۵۰
- تاریخ روزنامه: ۱۳۹۸/۴/۱۹
- شماره نامه اداره ثبت: ۱۳۹۸۳۰۴۰۰۹۰۱۰۳۶۵۷۷
- تاریخ نامه اداره ثبت: ۱۳۹۸/۴/۱۲
- شماره پیگیری روزنامه رسمی: ۹۸۰۴۱۲۳۵۲۱۷۷۹۰۰

The main content of the advertisement is as follows:

آگهی تغییرات انجمن نجات آسیب دیدگان از خشونت موسسه غیرتجاری به شماره ثبت ۳۸۱۸۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۷۰۰۰۰۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۱/۱۲/۱۳۹۷ و محور وزارت کشور بشماره ۵۲۱۰۲ مورخ ۲۰/۳/۹۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای ابراهیم خدابنده به کد ملی ۰۰۲۱۰۶۹۸۵۴ بعنوان رئیس هیات مدیره و مدیرعامل و آقای هادی شسانی به کد ملی ۲۲۷۹۶۱۱۸۹۹ بعنوان نایب رئیس هیات مدیره و خانم تراب عبدالهی میرزاق به کد ملی ۱۴۶۴۹۶۷۵۰ بعنوان خزانه دار تعیین سمت گردیدند حق امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضای مدیرعامل و خزانه دار و در غیاب خزانه دار با امضای رئیس هیات مدیره و با مهر انجمن معبر خواهد بود.

ب. ۹۸۰۴۱۲۳۵۲۱۷۷۹۰۰ اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری

At the bottom of the page, the URL <https://www.rrk.ir/News/ShowOldNews.aspx?Code=14686136> is displayed.



## مزدور مصطفی محمدی در آلبانی

وزارت اطلاعات در تیرماه ۱۳۹۷ (جولای ۲۰۱۸) مصطفی محمدی و همسرش را از کانادا به آلبانی اعزام کرد.

**او که ظاهراً یک پناهنده در کانادا بود به گفته خودش بارها به ایران سفر کرده بود و از سفرهای خود به ایران به ما می‌گفت. مصطفی محمدی یک بار به حسن حیرانی جلو جمع گفته بود:**

«آقای حیرانی در اطلاعات ایران از بابت کمک‌هایی که به من کرده‌اید، خیلی از شما راضی بودند و تشکر می‌کردند.»

مجموعه صحبت‌هایی که مصطفی محمدی می‌کرد، بیانگر این بود که او با وزارت اطلاعات در ایران در کانادا و در آلبانی ارتباط داشت. حسن حیرانی به برخی از بریده‌ها گفته بود: مخارج مصطفی محمدی در پروسه‌ای که در آلبانی بود ۳۰ هزار یورو بود که تمام آن را سفارت پرداخت. در یک مورد به سفارت گفتیم هزینه وکیل مصطفی محمدی ده هزار یورو شد، که بلافاصله آن را پرداخت کردند. مسعود خداینده هم کارهای مصطفی محمدی را از انگلستان دنبال می‌کرد. هزینه اقامت مصطفی محمدی در هتل، شبی ۶۰ یورو بود. در مدتی که در آلبانی بود سفارت رژیم در تیرانا حدود ۵ هزار یورو پول اقامت او در هتل را پرداخت کرده بود. خریدهایی که می‌کرد و لباس‌های گران‌قیمتی که می‌خرید و هزینه‌هایش را سفارت می‌داد. علاوه بر این هزینه‌ها، هرماه سه هزار یورو نیز از سفارت رژیم در آلبانی موجب دریافت می‌کرد. بطورکلی سفارت رژیم در کیس مصطفی محمدی از لحاظ مالی هیچ چیزی کم نگذاشتند و خرجهای کلانی می‌کردند.

کلیشه پاسپورت مزدور مصطفی محمدی و ویزاهای صادر شده در تهران برای رفتن به عراق

(برگرفته از شبکه خبری بگونه)





رفتن مصطفی محمدی به آلبانی در سایت های وزارت



محمد تورنگ در انجمن نجات



مصطفی محمدی و تورنگ در بندر عباس



## قربانعلی حسین نژاد در آلبانی

در اسفند ۱۳۹۵ (آوریل ۲۰۱۷) از سفارت به ما خبر دادند که قربانعلی حسین نژاد به تیرانا آمده است، این فرد در بین بریده‌ها به شدت منفور بود و او را تحویل نگرفتند. قربانعلی حسین نژاد در مجموع دو سه روز بیشتر نماند، چون می‌ترسید که پلیس آلبانی به دلیل ارتباطاتش با وزارت اطلاعات او را دستگیر کند. او خودش را از همه مخفی می‌کرد و به جز چند نفر، کسی از آمدن او به آلبانی اطلاعی نداشت. حسین نژاد برای آمدن به آلبانی از ترس اینکه او را دستگیر نکنند با هواپیما نیامده بود. اول به یونان رفته و از آنجا با اتوبوس که کنترل کمتری داشت به تیرانا آمده بود. بعد از دو سه روز نیز آلبانی را ترک کرد، ولی به اندازه‌ای برای وزارت اطلاعات جاسوسی و مزدوری کرده بود که هر جا می‌رفت ترس و دلهره داشت و احتمال می‌داد که هر لحظه ممکن است پلیس آلبانی او را دستگیر کند. به همین خاطر مخفیانه به آلبانی آمد و مخفیانه هم از آلبانی رفت. پس از مدتی که از تیرانا به فرانسه برگشت تصاویر زیر را در فیسبوک خود منتشر کرده بود



Ali Hossein Nejad  
April 13, 2017 · 🌐



## فصل نهم

بکارگیری مزدوران محلی توسط سفارت  
و وزارت اطلاعات رژیم





اطلاعات از همان اولی که مجاهدین وارد آلبانی شده بودند، در صدد نفوذ در جوامع آلبانیایی و مزدورگیری از میان آنها بود. اولسی یازچی و جرجی تاناسی دو تن از مزدوران رژیم در آلبانی بودند که در ارتباط فعال با حسن حیرانی قرار دارند و بارها به ایران رفته‌اند.

### اولسی یازچی<sup>(۳)</sup>

اولسی یازچی ۴۲ساله، متولد تیرانا و در منطقه کومینات بزرگ شده است. او در کوالامپور (مالزی) رشته «ارتباطات جمعی» خوانده است. از سال ۹۳(۲۰۱۴) تحت پوشش روزنامه نگار و مقاله نویس برای رژیم ایران کار می کند. ارتباطات او اساساً روی تلگرام و رمز شده بود. وقتی که سرشبکه بودم، اولسی بیشترین ارتباطش با من بود. در آن دوران سایت متعلق به «اولسی یازچی» را همسر او اداره می کرد. اولسی در این سایت با احسان بیدی و منوچهر عبدی و برخی دیگر از بریده‌ها مصاحبه می کرد. منوچهر عبدی به صورت علنی مزدوری می کرد و تحت فرمان من بود، در مهرماه ۱۳۹۶(سپتامبر ۲۰۱۷) او را با احسان بیدی برای اولین بار به

مصاحبه با اولسی (کانال ایمپکت) فرستادیم که انعکاس خیلی بدی داشت و باعث شد که بریده‌ها هم این مصاحبه را زیر علامت سوال ببرند. از طرف سفارت به ما تاکید می‌کردند، کسانی که برای مصاحبه می‌روند، پوشش خوب و مناسبی داشته باشند که مجاهدین وقتی آنها را می‌بینند متوجه شوند که مزدوران بدون اینکه سازمان به آنها کمک مالی بکند وضع خوبی دارند. به خیال خودشان می‌خواستند مجاهدین را به این وسیله تشویق به بریدگی بکنند. اما در این مصاحبه احسان بیدی یک شلوارک نامناسب پوشیده بود از سفارت به من گفتند خانم اولسی که مصاحبه کننده بوده است با دیدن سر و وضع بیدی خیلی ناراحت شده بود. وقتی به احسان بیدی گفتم چرا با پوشش نامناسب برای مصاحبه رفتی گفت با این پوشش می‌خواستم به سازمان نشان بدهم که ما چقدر آزادی داریم و بریده‌ها را نمایندگی می‌کردم. بعد از این مصاحبه منوچهر عبدی هم می‌گفت که پیش خانم اولسی خیلی آبروریزی شد، فکر نکنم دیگر با ما مصاحبه‌ای بکند.



صحنه‌ای از مصاحبهٔ احسان بیدی با همسر اولسی یازچی

در بهمن ماه ۱۳۹۶ مسعود خدابنده از انگلستان با من تماس گرفت و گفت: «نفراتی که به صورت علنی و مستقیم علیه سازمان مجاهدین فعالیت می‌کنند

و به نظر تو شرایط مناسب دارند را جهت مصاحبه با برنامه تلویزیون " فیکس فاره" آماده کن. قرار ما را با یک خانم چفت کرد که دوست اولسی یازچی بود. در کافه نزدیک تلویزیون این خبرنگار را دیدم. اسامی احسان بیدی، منوچهر عبدی، سعدالله سیفی و ... را برای مصاحبه به مسعود خدابنده دادم. همان شب زندی از سفارت با من تماس گرفت و پیشرفت کار را اطلاع دادم که خیلی استقبال کرد و گفت:

«برنامه تلویزیون فیکس فاره سراسری آلبانی هست که باید سنگ تمام بگذارید و یک امتحان بزرگ هم برای خودت هست. تا پایان مصاحبه، غلامرضا شکری نباید از موضوع بویی ببرد و اصلاً او را در جریان نگذار.» مجدداً مسعود خدابنده با من تماس گرفت و گفت:

« نفرات سعی کنند از شکنجه‌هایی که در مناسبات مجاهدین متحمل شده‌اند و یا نبودن آزادی در تشکیلات و کارکرد فرقه بگویند و سوالات خبرنگار هم حول همین موضوعات شکل بگیرد.»

چون باید طوری نفرات را راضی می‌کردم که تن به مصاحبه بدهند و همان مطالبی را بگویند که سفارت رژیم و مسعود خدابنده خواسته بودند، قبل از مصاحبه کلیه نفراتی که قرار بود در مصاحبه شرکت کنند را جمع کرده و به آنها گفتم این مصاحبه شرط رفتن به ایران هست و موضوعات مورد نظر سفارت و وزارت اطلاعات برای طرح در این مصاحبه را یادآوری کردم.

یکی از آن بریده‌ها مقداری زبان انگلیسی بلد بود او را به عنوان مترجم تعیین کردم. ساعت ۹ صبح به محل شبکه تلویزیونی رسیدیم و به نگهبان اطلاع دادم که ما برای مصاحبه آمده‌ایم و خانم مجری در جریان هست. بعد از ده دقیقه خانم و آقای آمدند. من به آنها گفتم که از بریده‌های سازمان مجاهدین هستیم و از طرف اولسی یازچی آمده‌ایم. ما را تحویل گرفتند و همه ما را به اتاق کوچکی برده و از تک تک نفرات مصاحبه گرفتند.

اولسی یازچی که نمی‌خواست کسی او را با مزدوران ببیند، در محل مصاحبه حاضر نشد به کافه حسن حیرانی هم نمی‌آمد تا لو نرود. ولی بعد که توسط

سازمان مجاهدین افشا شد، به صورت علنی خودش مصاحبه می گرفت. آن روز مصاحبه انجام شد و گزارش کار را به زندی دادم. او و مسعود خدابنده خیلی اصرار می کردند که مصاحبه هرچه زودتر و در وسط یکی از برنامه های مهم آن شبکه پخش بشود. بعداً متوجه شدم که رژیم پول زیادی برای این مصاحبه داده بود.

بعد از فعال شدن حیرانی، اولسی یازچی به حسن حیرانی وصل شد و طرح های رژیم را پیش می برد. در برخی کارهایی که از طرف وزارت اطلاعات به حسن حیرانی و اولسی یازچی داده می شد؛ بسته به موضوع کار، بریده ها را نیز بکار می گرفتند. اولسی یازچی بخاطر ترس از لو رفتن ارتباطات خود با وزارت اطلاعات، تلاش می کرد مستقیماً با بریده ها و بخصوص مزدوران علنی ارتباط برقرار نکند. او توسط وزارت اطلاعات توجیه شده بود که آلبانیایی های مستعد را با تطمیع عضوگیری بکند تا خط و خطوط وزارت اطلاعات را از طریق آنها نیز پیش ببرد. اولویت کاری که برای اولسی مشخص کرده بودند ترتیب دادن مصاحبه با بریده مزدوران بود.

برخی خبرنگاران که توسط مسعود خدابنده به آلبانی فرستاده می شدند، از طریق اولسی با بریده ها دیدار می کردند. پس از مدتی که اولسی نتوانست در جذب خبرنگاران مستقل موفق بشود، وزارت اطلاعات طرح دیگری را در پیش گرفت. او از طریق خانواده های اطلاعاتی در داخل ایران، مصاحبه و کال کنفرانس ترتیب می داد. یا از زبان آنها به مقامات آلبانی نامه نگاری می کرد. اولسی یازچی موظف بود این مطالب را بازنشر کند. تمام خبرنگارانی که توسط مسعود خدابنده از خارج به آلبانی اعزام می شوند به اولسی یازچی وصل می شوند و خط و خطوط وزارت اطلاعات را در رابطه با آن خبرنگار پیش می برند و بعد به بریده ها ابلاغ می کنند.

↻ Massoud khodabandeh Retweeted



Olsi Jazexhi @Olsij · 6h

...

#Maryam\_Rajavi, #MEK, #NCRI n her jihadi ex-terrorist soldiers based in #Albania will never be able to silence me speaking the truth . While I am not afraid from #CCP and #China to speak about the #Uyghur concentration camps in #Xinjiang, I will not be silent even about MEK camp.

2

7

9



Show this thread

↻ Massoud khodabandeh Retweeted



Massoud khodabandeh @ma\_khodabandeh · 2h

...

@SinaToossi: For Iranian Americans, election of Donald Trump was more

توییت اولسی یازچی و مسعود خدابنده در تاریخ ۹۹/۸/۲۵ (۱۵۶ نوامبر ۲۰۲۰)

دکتر اولسی یازچی: مجاهدین خلق ابزاری برای دخالت و خرابکاری در امور داخلی کشور آلبانی است

Dr. Awlsey Yazchy: The Mujahideen of people are a tool for interfere and vandalized in the internal affairs of the country of Iran.

⚙ Rate this translation



IRAN-INTERLINK.ORG

Olsi Jazexhi : MEK Helping Albania Slide Toward Authoritarianism -

توییت اولسی یازچی و مسعود خدابنده در تاریخ ۹۸/۵/۱۹ (۱۰ اوت ۲۰۱۹)

اولسی که زمانی تحت پوش خبرنگار با بریده‌ها و سفارت رژیم ارتباط فعال داشت، پس از بسته شدن سفارت، ارتباطات خود با مسعود خدابنده را بیشتر از قبل کرد و در «کافه» حسن حیرانی با بریده مزدوران مصاحبه می‌کرد و در فیسبوک خودش می‌گذاشت. او با خانواده‌های وزارتی در ایران نیز کال کنفرانس می‌گذاشت.

زن اولسی نیز به عنوان وکیل بریده‌ها نقش ایفا می‌کرد. زن اولسی به کمیساریا مراجعه می‌کرد و خط رژیم را در کمیساریا طرح می‌کرد و بر علیه مجاهدین خلق در کمیساریا صحبت می‌کرد، کمیساریا و رمسا هم می‌دانستند که اینها عوامل رژیم هستند و به حرف‌های آنها اهمیت نمی‌دادند. اما از آنجایی که اولسی و زنش مهره‌های سوخته‌ای بودند، ما در بیرون مطرح نمی‌کردیم که ما چنین وکیلی داریم. چند بار هم رژیم تلاش کرد برای بریده‌ها وکیل آلبانیایی بگیرد، اما وکلا که مقاصد رژیم را می‌فهمیدند حاضر به همکاری با سفارت رژیم در آلبانی و بریده‌ها نبودند.

اینها واقعیتی بود که قبلاً خود ما هم اطلاع نداشتیم. ولی در عمل متوجه شدیم که رژیم چگونه با صرف هزینه‌های گزاف، مزدور استخدام می‌کند و علیه مجاهدین شیطان‌سازی می‌کند. طی چهار سال گذشته در عمل به یک مورد هم برنخوردیم که یکی از بریده‌ها بدون ارتباط با وزارت و سفارت به دشمنی و ضدیت با مجاهدین پردازد و به عکس حتی یک مورد هم ندیدیم که سازمان به یکی از بریده‌ها بدون اینکه موجب بگیر سفارت باشد، مارک مزدوری بزند.

آنها واقعاً مزدور تمام عیار بودند و بر علیه سازمان لجن‌پراکنی و جاسوسی می‌کردند. اینکه سازمان مجاهدین همیشه می‌گفت بریده مزدوران تیغ جلا را تیز می‌کنند عین واقعیت بود.

## جرجی تاناسی<sup>(۴)</sup> مزدور آلبانیایی رژیم

تاناسی در دانشگاه شهر دورس کار میکند. کلیه ارتباطات خود با بریده‌ها را از طریق حسن حیرانی پیش می‌برد. تاناسی مرتب به ایران سفر می‌کند و خط کار علیه مجاهدین را علاوه بر سفارت مستقیماً از وزارت می‌گیرد. او رابطه‌ی فعالی با مسعود خدابنده در انگلیس دارد. یکی از کارهایی که به دستور وزارت اطلاعات انجام داد، گرفتن مصاحبه از تعدادی از بریده‌ها بود. این مصاحبه‌ها در سایت‌های وزارت اطلاعات در داخل و خارج ایران و هم‌چنین به زبان آلبانی منتشر می‌شد.

من تاناسی را چند بار در «کافه» حسن حیرانی دیدم و با او صحبت کردم. او به غایت پول پرست است و به خاطر پول حاضر بود هرکاری انجام بدهد و به رژیم آخوندی خدمت کند. اکثر مواقع به «کافه» حسن حیرانی می‌آمد و با بریده‌ها صحبت می‌کرد. او در سفرهایش به ایران انبوهی پول دریافت کرده بود و خودش را وفادار به رژیم آخوندی معرفی می‌کرد.

یک بار حسن حیرانی به طور خصوصی به من گفت:

«جرجی تاناسی و اولسی یازچی هرماه بیش از ۱۰۰۰ یورو از رژیم پول می‌گیرند. اولسی یازچی در آلبانی چند باب خانه خریده است که از پول‌های سرازیر شده از طرف رژیم است.»

او با دریافت پول هنگفت، به صورت تمام وقت برای سفارت رژیم و برعلیه سازمان مجاهدین لجن پراکنی می‌کرد.

جرجی تاناسی و اولسی یازچی هرچه وزارت اطلاعات به آنها در مورد مجاهدین می‌داد، همان را بازنشر می‌کردند. من می‌دانستم مطالبی که تاناسی و اولسی منتشر می‌کنند هیچ‌کدام واقعیت ندارد؛ تنها انگیزه آنها، گرفتن پول و امکانات از رژیم بود. زمانی فکر می‌کردم تاناسی دانشگاهی است حتماً سطح سواد بالایی دارد و اگر بخواهد مطلبی بنویسد یا خبری

منتشر کند، حداقل هایی از واقعیت را می نویسد ولی در عمل مشاهده کردم مطالب او کلیشه ای از مطالب مسعود خدابنده و وزارت اطلاعات بود. انبوهی از عکس های جرجی تاناسی و اولسی یازچی با نفرات سفارت و مراجعات مکرر آنها به سفارت نیز گویای همین مسئله بود. آنها کارهای غیرقانونی حسن حیرانی و احسان بیدی و غلامرضا شکری را نیز رفع و رجوع می کردند. اکثر نفرات بریده رغبت چندانی برای ارتباط با تاناسی نداشتند به جز حسن حیرانی و چند بریده مزدوری که می خواستند به ایران برگردند که به دستور وزارت اطلاعات با تاناسی ارتباط برقرار می کردند. در کافه فرانک برخی از بریده ها می گفتند این آدم عوضی برای چه اینجا آمده است او در یکی از سفرهایش به ایران تندبسی از اصفهان برای کافه هدیه آورده بود که تندیس را حسن حیرانی برای یک آلبانیایی هدیه برد تا او را طعمه خود کند.

تاناسی در کارهای مختلف به حسن حیرانی مشورت می دهد و در مواردی که حسن حیرانی به دلیل کارهای غیرقانونی با مشکلاتی مواجه می شود از طریق تاناسی حل و فصل می کند.

اما آن طوری که من از نفرات سفارت و حسن حیرانی شنیدم، مأموریت اصلی جرجی تاناسی تاثیرگذاری روی افکار عمومی آلبانی و شیطان سازی علیه مجاهدین می باشد. نمونه عکس های زیر گویای ارتباط گسترده تاناسی و اولسی با سفارت رژیم در آلبانی و وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران در ایران می باشد

مصاحبه جرجی تاناسی با من که در هماهنگی با مسعود خدابنده و سفارت انجام شده بود، در ۵ آبان ۱۳۹۹ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۰) در سایت انجمن نجات آلبانیایی نیز منتشر شده بود.



Shopeta Newsbot

Bullona Video Brevet News Shorabakti Qipar Postime

**Cfarë terroristi qënkam unë, që punoj 14 orë në ditë si kamarier**

Hadri Sani Khani

39 vjeç dhe 15 vjet anëtar i MEK-ut

— Si u lidhe me MEK-un? —

Komshia im në Iran ishte trafikant shtetërisht i lidhur me MEK-un. Ai më ndihmoi kundrejt pagesës, që të shkoja në Turqi. Ai më premtosi, që po të shkoja e të rrija 2 muaj në Irak do të më dërgonte në cilin vend evropian, që të deshiroja. Fatkeqësisht, kur shkova në Irak, nuk përfundova në Evropë por në Kampin Ashraf të MEK-ut dhe më pas në Kampin Liberty afër Bagdatit.



**Lajme të fundit**

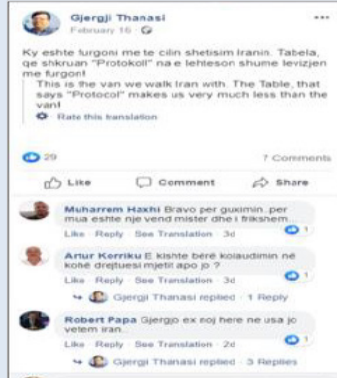
- Cfarë terroristi qënkam unë punoj 14 orë në ditë si kamarier
- SHIC demancohet bashkë me ministratshkrimet dhe besuesit tyre në Shqipëri
- "Njëzet, Vitebimet e Haxhem Ismaili letër Lumbard: Jeta fotografike për organizatën e... Elhami Bili
- Kampani i MEK-ut dhe shërbetë Corvid-19 për Ministrinë
- Shkollë trimesore i MEK-ut Shqipëri për qytetëzërit që shpeshin publikisht
- Transaksionet e Kulturës MEK shpeshohen në hapësirë shtetërore
- Intervistat me një grup transaksionist, që e kanë shprehur...



جرج تاناسی زیر پرچم رژیم و درکنار نفربرهای سپاه پاسداران در ایران



جرج تاناسی با سپاه پاسداران در ایران - سال ۱۳۹۸



### جرجی تاناسی و ماشین تشریفات رژیم در ایران



### جرج تاناسی در سفارت رژیم در آلبانی با ارض پیما، تقی خانی، آخوند حسینی- بهمن ۱۳۹۷



تعدادی از دوستان فیسبوکی تاناسی عبارتند از ابراهیم خدابنده، مسعود خدابنده، سایت اینترلینک-مصطفی محمدی-رحمان محمدیان-سایت فریاد آزادی-احسان بیدی



جرجی تاناسی ، در نامه ای به ابراهیم خدابنده از اقدامات وی حمایت کرده است



## فصل دهم

اعزام خبرنگاران خارجی به آلبانی



آوردن خبرنگاران خارجی به آلبانی در هماهنگی با مزدوران وزارت اطلاعات خبرنگارهایی که از خارج به آلبانی می آمدند مثل خبرنگاران گاردین، اشپیگل، بی بی سی فارسی، روزنامه نروژی DN و ... عمدتاً توسط مسعود خدابنده و در هماهنگی با وزارت اطلاعات برای مصاحبه با مزدوران توجیه میشدند و در آلبانی هم معمولاً با همکاری اولسی یازچی یا جرجی تاناسی مستقر و راهنمایی می شدند

ابراهیم خدابنده در ایران و مسعود خدابنده و همسرش «آن سینگلتون» در انگلستان - نقش اصلی در توجیه و اعزام خبرنگار به آلبانی را بر عهده داشتند. به مرور حسن حیرانی عامل اصلی اجرایی مسعود خدابنده در آلبانی در ارتباط با خبرنگاران شد. خدابنده به حیرانی می گفت فلان تاریخ فلان خبرنگار خواهد آمد و مأموریتی را برای هر نفر مشخص می کرد. نفرات را توجیه و در کافه فرانک جمع می کردیم تا خبرنگار برای مصاحبه بیاید. سوژه مصاحبه ها هم ثابت بود: شکنجه هایی که درون مجاهدین متحمل شدم، در مناسبات آزادی نیست، خانواده نیست، فرقه هستند، اعتراف نسبت به تفکرات جنسی، پول از آمریکا و عراق و اسرائیل و عربستان می گیرند علاوه بر توجیهات مسعود خدابنده، برخی از مزدوران مثل غلامرضا شگری،

علی هاجری، رضا اسلامی، غلامعلی میرزایی و عظیم میش مست نیز از طریق حسن حیرانی توسط وزارت اطلاعات توجیه می شدند.

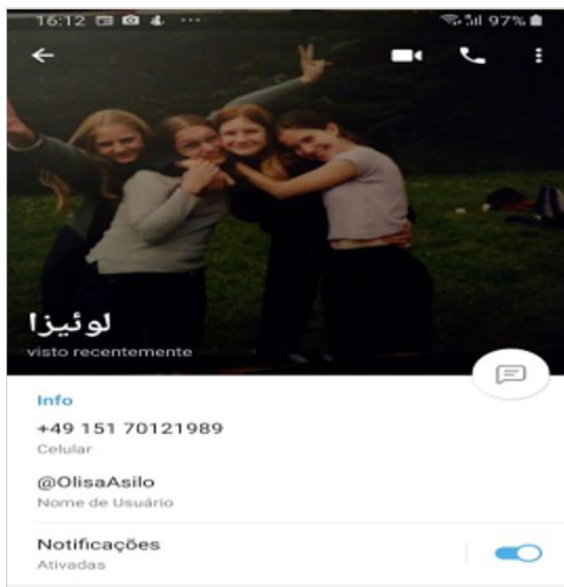
## آوردن خبرنگار اشپیگل به آلبانی

مسعود خدابنده و ابراهیم خدابنده بارها در صحبت های خود گفته بودند که مصاحبه بریده های جدید در آلبانی به اندازه صد برابر کسانی که در عراق جدا شدند ارزش دارد و تاثیرگذار خواهد بود.

یک نمونه از اقداماتی که سفارت رژیم در آلبانی انجام داد و من در جریان ریز آن بودم، آوردن خبرنگار اشپیگل بود. در سپتامبر ۲۰۱۸ از سفارت به ما گفتند که خبرنگار اشپیگل به آلبانی خواهد آمد و موضوعاتش مهم است و همه نوع همکاری لازم را انجام بدهید. مواردی از شکنجه های سازمان مجاهدین در مناسبات، طلاق های اجباری، فرقه، کارهای که مجاهدین در آلبانی انجام می دهند و اینکه مجاهدین در عراق وابسته بودند و از این قبیل حرف ها را به خبرنگار اشپیگل بگویید. خبرنگار مذکور یک خانم حدود ۳۰ساله بود. تعدادی از بریده های مرتبط با سفارت در محیط رمسا که زیر نظر کمیساریا بود جمع شدیم و آنجا با خبرنگار اشپیگل صحبت کردیم. مجموعه رمسا در منطقه ای از میدان زاگوزی واقع بود که یک آپارتمان ۷طبقه ای بود و محیط بازی داشت. در آنجا کافه ای بود که نفرات جمع شدند و در کافه با خبرنگار اشپیگل صحبت کردند.

همه نفرات براساس توجیهات قبلی علیه سازمان حرف می زدند و تحت عنوان خاطراتی که از سازمان داشتند، همه نوع دروغ را بکار می بردند. خیلی از چیزهای که بریده ها می گفتند برای خبرنگار باور نکردنی بود. وقتی صحبت نفرات تمام شد، خبرنگار اشپیگل شماره تلفن خودش را به من داد و گفت اگر من کار دیگری یا سئوالاتی داشتم با شما تماس می گیرم. ارتباط من با خبرنگار اشپیگل به مدت سه ماه ادامه داشت و هر از گاهی علیه سازمان مجاهدین سئوالاتی را مطرح می کرد و من هم همان مطالبی که سفارت مشخص می کرد به او می گفتم.





پرو فایل لوئیزا خبرنگار اسپیکل



ارتباطات حسن حیرانی با خبرنگار اسپیکل و ابراهیم خداوند

گزارش اشپیگل در تاریخ ۲۷ بهمن ۹۷ (۱۶ فوریه ۲۰۱۹) تحت عنوان «زندانیان شورش» منتشر شد. نکته قابل توجه اینکه بخشی از همین گزارش دو ماه و نیم قبل یعنی در پنجم آذر ۹۷ در سایت «انجمن نجات استان کرمانشاه» با عنوان «سرگذشت غم‌انگیز یک بریده» منتشر شده بود. متعاقباً همین مطلب در همه سایت‌های وزارت اطلاعات از قبیل: اینترلینک، جدا شدگان در آلبانی، کانون آوا، یاران ایران و... منتشر شد. من پس از کنده شدن از سفارت و سایر مزدوران، از اینترنت اسم خبرنگار را سرچ کرده و متوجه شدم خبرنگار اشپیگل «لویزا هومریش» یک دانشجوی آلمانی بوده که از سپتامبر ۲۰۱۶ تا ژوئن ۲۰۱۷ در دانشگاه تهران در زمینه معارف اسلامی درس خوانده و با بسیجیان رژیم مراوداتی داشته است.



میان‌نامه به تیر و سوسه‌زور دادن با طرفه. ۱۹ آذر ۹۷. گزارش اختصاصی اشپیگل از کتب معادین خلق در آلبانی کب بیشتر به یک زبان شیشه‌آلود نوشته‌ای که زبانی خندان هستند

**SPIEGEL ONLINE** SPIEGEL INTERNATIONAL

**Presence of their Own Religion: The Cult-Like Group Fighting Iran**

Members of the Young administration have been providing support for a political sect that aims to topple the Islamic regime in Tehran. Around 5,000 of its members live in a camp in Albania. System operators are an interesting subculture to torture and psychological tests.

اشپيگل می‌نویسد که گروهی از اعضای کمیل که با ۱۵ تن سابق این سازمان همکاری کرده‌اند تا حدی اینست که «اشپيگل» گزارش اختصاصی در مورد کتب سازمان معادین خلق در آلبانی منتشر کرده‌اند این گزارش با اشاره به سخنان شماری از اعضای سابق معادین خلق آغاز می‌شود که از تیرهای هفتگی خود برای پریدن گویا جانها، نیکست، سهند و با رون جنبو با انگشت گفتند

www.koroonline.com

پایگاه خبری آنلاین کورون

گروه انتشارات و چاپ کورون

گروه نشر و توزیع کورون

گروه خدمات مشتریان کورون

گروه خدمات فنی کورون

گروه خدمات حقوقی کورون

گروه خدمات مالی کورون

گروه خدمات بازاریابی کورون

گروه خدمات ترانسپورت کورون

گروه خدمات هتلداری کورون

گروه خدمات گردشگری کورون

گروه خدمات ورزشی کورون

گروه خدمات سلامت کورون

گروه خدمات آموزشی کورون

گروه خدمات فرهنگی کورون

گروه خدمات اجتماعی کورون

گروه خدمات تخصصی کورون

گروه خدمات مشاوره کورون

گروه خدمات روانشناسی کورون

گروه خدمات حقوق کیفری کورون

گروه خدمات حقوق مدنی کورون

گروه خدمات حقوق تجارت کورون

گروه خدمات حقوق بین‌الملل کورون

گروه خدمات حقوق کار کورون

گروه خدمات حقوق خانواده کورون

گروه خدمات حقوق کودک کورون

گروه خدمات حقوق سالمندان کورون

گروه خدمات حقوق معلولین کورون

گروه خدمات حقوق زنان کورون

گروه خدمات حقوق مردان کورون

گروه خدمات حقوق اطفال کورون

گروه خدمات حقوق نوجوانان کورون

گروه خدمات حقوق بزرگسالان کورون

گروه خدمات حقوق کلیه افراد کورون

## مصاحبه بی بی سی فارسی با غلامعلی میرزایی

مأموریت غلامعلی میرزایی که از اوایل سال ۱۳۹۷ در ارتباط برای سفارت و اطلاعات مزدوری می کرد مصاحبه با رسانه های داخلی و خارجی بود. او هم چنین در نقش مترجم بریده ها در مصاحبه با خبرنگارهایی که از خارج و یا داخل آلبانی برای مصاحبه با نفرات می آمدند، ظاهر می شد. او مقالات و مطالبی در فیسبوک تحت عنوان خاطره می نوشت که در اختیار انجمن نجات استان لرستان هم قرار می داد.

در سالگرد جنگ رژیم و عراق در سال ۹۹ مسعود خدابنده خبر داد که با بی بی سی فارسی هماهنگ کرده تا با غلامعلی میرزایی مصاحبه کند. موقع آمدن فیلمبرداران بی بی سی فارسی، من با غلامعلی میرزایی و پرویز حیدرزاده در یک خانه زندگی می کردم. تاکید شد که خبرنگار بی بی سی با غلامعلی میرزایی در خانه خود غلامعلی میرزایی مصاحبه خواهد کرد. غلامعلی میرزایی می گفت این خبرنگار خیلی مهم است و وقتی با بی بی سی مصاحبه کنم، حتماً وزارت اطلاعات با رفتن من به ایران موافقت می کند. به همین دلیل هم بود که هرچه می توانست دروغ بافی کرد تا رفتنش به ایران پس از این مصاحبه تسریع بشود.

غلامعلی میرزایی توسط مسعود خدابنده توجیه شد که روی موضوعاتی مثل اردوگاه اسرا در عراق، مرا گول زدند، بدون اطلاع صلیب به اشرف بردند، روی عاطفه خانوادگی و این که سی سال است نگذاشتند خانواده خودم را ببینم و... حرف بزند و به او گفتند تنها تو نیستی و ادوارد ترمادو نیز از آلمان در این برنامه، مصاحبه خواهد کرد. در روز مصاحبه دو فیلمبردار از آلبانی به خانه ما آمدند.

«ژیارگل» خبرنگار بی بی سی فارسی از طریق تلفن از غلامعلی میرزایی سوالات را می پرسید و غلامعلی هم جواب می داد. وسط کار «ژیار گل» می گفت این طوری بگو که مثلاً بچه ام و خانواده ام را سی سال است ندیدم. حرف هایت را عاطفی بزن و...، غلامعلی را توجیه می کرد.



عکس و دکور محل مصاحبه با ژیارگل

## نامه غلامعلی میرزایی برای رفتن به ایران وهماهنگی باوزارت اطلاعات

به: حسن حیرانی

از: غلامعلی میرزایی

با سلام.

حسن الان که دارم این نامه را برای شما می نویسم چند روز است که مشکل جسمی داشتم ونتوانستم برایت این را بنویسم الان هم در استرس هستم. الان حرفم با شماست که الان چند ماه است که می گویی گفته شده که برگشت میرزایی به ایران مشکلی ندارد و دوستان گفتند که در حال اقدام هستیم ومیرزایی در اولویت قرار دارند. من هم به خاطر اینکه شما رابط ومسئولیت ما را دارید به خانواده ام مرتب گفته ام که ایشانرا درست میشه. وهمانطور که خودت در جریان هستی قبل از عید آقای تقوی که اینجا بود گفتند تا شب عید در

خانه هستی حتی اگر هم شده از طریق کشور ثالث این کار را انجام می دهیم. از آن طرف هم یعنی ایران به خانواده ام گفتند که همه کارها درست شده و از کمیسیون هم همگی دوستان موافقت کردند وبه کنسولی جهت اقدامات بازگشت فرستادیم. آخرین بار هم که خودت از قول دوستان پیام دادی حدود 40روز پیش بوده که گفته شده در اولویت هستند؟! الان هم از شما درخواست دارم ضمن سلام به دوستان این مشکل را بگوئید وخواهش! هم من وهم خانواده ام را از این بلا تکلیفی مطلع کنید. چون خانواده ام مرتب مراجعه می کنند وجواب آنها این است که همه چیز درست شده بایستی سفارت در آلبانی اقدام کند.

ضمن اینکه الان پروازها هم از آلبانی به ترکیه راه افتاده گفتم تا موج جدید شروع نشده شما اقدام کنید.

با تشکر غلامعلی میرزایی

1399/5/4

شماره تلفن غلامعلی میرزایی که با وزارت اطلاعات و بریده ها ارتباط می گرفت ۰۰۳۵۵۶۹۹۵۱۶۴۹۹ بود.

پس از گذشت پنج ماه از نامه فوق سایت های وزارت اطلاعات اعلام کردند که غلامعلی میرزایی به نزد وزارت اطلاعات در ایران برگشته است.



### دانیال کسرای، خبرنگار یا تروریست مرتبط با رژیم؟

در تابستان ۹۸ روزی در کافه‌ای به نام «کافه سلیتا»<sup>(۵)</sup> که نزدیک محل سکونت ما بود با تعدادی از بریده‌ها جمع شده بودیم. «دانیال کسرای» را که تا آن موقع ندیده بودم و نمی‌شناختم در کافه دیدم که خیلی شبیه به ایرانی‌ها بود. از احسان بیدی سوال کردم که این فرد چه کسی است؟ احسان



بیدی گفت یکی از دوستان جدید است که هم خبرنگار است و هم جزو نیروهای پلیس می‌باشد و خیلی آدم گردن کلفتی است. بعد از مدتی من به خانه احسان بیدی رفتم متوجه شدم «دانیال کسرای» در خانه احسان بیدی است. احسان بیدی به من گفت این خبرنگار می‌خواهد از چند بریده

گزارش تهیه کند و در تلویزیون تی وی کلان<sup>(۶)</sup> آلبانی برنامه را پخش کند، ما هم قبول کردیم. چند روز ما همراه دانیال کسرایبی در خانه احسان ماندیم. یک فیلمبردار جوان هم به جمع ما پیوست. از من و رحمان محمدیان و احسان بیدی و ۰۰۰ گزارش تهیه کرد. احسان بیدی با او دوست صمیمی شده بود. اکثر روزها ما با «دانیال کسرایبی» و احسان بیدی و... در کافه «سلیتا» جمع می شدیم و او خاطراتی برای ما تعریف می کرد. شب ها هم به خانه احسان می رفتیم. من نسبت به رفتار «دانیال کسرایبی» مشکوک شده بودم، ولی احسان بیدی می گفت نه این بهترین فرصت هست که با این طور آدم ها که در نیروی امنیتی هست و گفته درجه سرگردی هم دارد ارتباط مستمر داشته باشیم. «دانیال کسرایبی» یک دوستی بنام «روبرت» داشت که احسان بیدی با او هم ملاقات کرده بود و می گفت که «روبرت» هم سرهنگ است، نباید او را ول کنیم.

دانیال می گفت: «پدر بزرگم در دربار شاه بوده و پدرم در ایتالیا بیزنس دارد و برادرم هم به ایران رفت و آمد می کند.»

دانیال کسرایبی پاس ایتالیایی خودش و عکسی که در سفارت ایران در ایتالیا گرفته بود را به ما نشان می داد. او مدعی بود با فرمانده ناتو در منطقه بالکان که آمریکایی است دوست می باشد و خانه این فرد در کوزوو هست. چند وقت یک بار که به آلبانی می آید من با او ملاقات می کنم. احسان بیدی از «دانیال کسرایبی» درخواست کرد ترتیب ملاقات او با آن فرد آمریکایی را بدهد تا در ملاقات با او در رابطه با خطر مجاهدین صحبت بکند. «دانیال کسرایبی» می گفت من هم از مجاهدین متنفرم و می خواهم آنها را رسوا کنم.

یک بار از احسان شنیدم که «دانیال کسرایبی» به سفارت رژیم در آلبانی هم رفته است و از او خیلی پذیرایی کرده اند.

او با چند کارمند تلویزیون تی وی کلان کار می کرد و به همین دلیل هم یک ربع از مصاحبه های ما را در برنامه تی وی کلان پخش کرد.

یک روز می گفت در خیابان یک ماشین مجاهدین را دیدم و از آنها عکس

گرفتم و عکس‌هایی که از مجاهدین در خیابان‌های تیرانا را گرفته بود نشان می‌داد. یک بار هم با یکی از بریده‌ها جلو اشرف سه، رفته و فیلم برداری کرده بود.

یکی دیگر از کارهای دانیال کسرایي جذب بریده‌هایی بود که می‌خواستند دنبال زندگی شخصی بروند.

یک بار که دانیال کسرایي و من در ماشین دانیال بودیم از او سوال کردم تو چرا این همه با سازمان مجاهدین ضدیت داری در حالی که قبلاً با مجاهدین نبودى و بدلیل سن و سالت هم هیچ شناختی از سازمان نداری و این حرف‌ها و کارهای تو با سابقه‌ای که از خودت می‌گویی، همخوانی ندارد. دانیال کسرایي به من پاسخ داد

«: می‌خواهم طوری وارد شده و اسم در کنم که سازمان ۱۰۰ هزار یورو به من بدهد تا با آنها کاری نداشته باشم. دیگر برای من مسجل شده بود که اینها بهانه‌ای بیش نیست و دانیال کسرایي برای مأموریت شومی به آلبانی اعزام شده است.

حسن حیرانی در ابتدای بریدگی وردست احسان بیدی محسوب می‌شد. آن موقع حسن حیرانی کلیه اطلاعات خود را از احسان بیدی می‌گرفت و آنها را به اسم خودش به سفارت و وزارت اطلاعات گزارش می‌کرد. متعاقباً حسن حیرانی مزدور اصلی رژیم در آلبانی شد و به همین دلیل احسان بیدی همیشه با حسن حیرانی ضدیت داشت و به هر نحوی زیر آب همدیگر را می‌زدند. احسان بیدی که فهمیده بود حسن حیرانی او را خراب می‌کند، با هم‌دستی دانیال کسرایي می‌خواست حسن حیرانی را از دور خارج کند. یک روز در خانه احسان بیدی شاهد گفتگوی زیر بین احسان بیدی و دانیال کسرایي بودم: احسان بیدی به دانیال کسرایي می‌گفت دست به کار شده و حسن حیرانی را یک جوری از بین ببریم.

من فکر می‌کردم که دارند شوخی می‌کنند و لذا وارد قضیه نشدم چون می‌خواستند مرا نیز وارد بحث کنند. به آنها گفتم من خسته شده‌ام و دنبال این نوع مسائل هم نیستم. هر کاری دوست دارید بکنید. من وارد این مسائل



نم شوم. ولی شما چطوری می خواهید او را بکشید و از عواقب این کار نمی ترسید؟ احسان بیدی گفت:

« او را با یک تصادف ساختگی و یا کشاندن به یک جایی از بین می بریم و تبلیغات راه می اندازیم که سازمان مجاهدین او را کشته است و همه روی سازمان کوک می شوند و کسی به ما شک نمی کند.»

دانیال کسرایی مصرانه دنبال این قضیه بود و می گفت: من توان از بین بردن حسن حیرانی را دارم. به مدت دو هفته این کار موضوع مورد بحث احسان بیدی و دانیال کسرایی بود. این قضیه تمام شد، در آبان ماه ۹۸ از طریق رسانه های آلبانی متوجه شدم که دانیال کسرایی به دلیل کارهای غیرقانونی و محل امنیت عمومی از آلبانی اخراج شده است.

بعد از اخراج او، عوامل وزارت اطلاعات برای پاک کردن رد خود مدعی شد که دانیال کسرایی را نمی شناسند که چه کسی بوده و کجا بوده است؟ پس از مدتی که از اخراج دانیال کسرایی گذشته بود، وزارت اطلاعات به ما پیام داد که از وضعیت دانیال کسرایی یک گزارش تهیه کنیم. احتمال می دادم وزارت اطلاعات بخواهد با گرفتن این گزارش از بریده ها، ارزیابی بکند که اطلاعات و مأموریت دانیال کسرایی پیش ما چقدر لو رفته است. لذا من ابتدا به درخواست وزارت اطلاعات تن ندادم تا اینکه مجدداً پیام دادند تو که مدتی در خانه احسان بیدی با دانیال کسرایی ارتباط داشتی، هر چه می دانی گزارش بنویس. همان موقع چون احسان بیدی در زندان بود، مجبور شدم یک موضوعات کلی در رابطه با دانیال کسرایی بنویسم که به وزارت اطلاعات فرستاده شود. متنی که برای وزارت اطلاعات نوشته بودم به این مضمون بود: «... دانیال کسرایی» مدعی بود ماهی ۷ هزار یورو درآمد دارد و با یک دختر آلبانیایی زندگی می کند، ولی اخیراً با او مشکل پیدا کرده است که باید مدت دو هفته در خانه احسان بیدی بماند و جای دیگری ندارد. «دانیال کسرایی» حرف های متناقضی می زد و کنجکاوی خاصی داشت و می خواست از همه چیز سر در بیاورد. احسان بیدی خیلی بیشتر از من می داند که او هم می تواند به شما کمک کند. چون در خیلی از موارد من در صحبت های



خصوصی او نبودم که ببینم چه صحبت‌هایی بین آنها رد و بدل شده، که به نظرم مواردی بوده که به ضرر ما تمام شده است. احسان بیدی آدم رویاپردازی بود که بخاطر رسیدن به جایگاه، ممکن است خیلی چیزها به او گفته باشد»

...یک بار از دانیال کسرای سوال کردم که شما ایتالیایی هستید چرا در ایتالیا کار نمی‌کنید و در آلبانی کار می‌کنی، در پاسخ من گفت: «برای من چند مزیت دارد. اولاً که آلبانی برای زندگی کشور خوبی هست. دوماً احترامی که به من در اینجا می‌گذارند در کشور خودم نمی‌گذارند. سوماً من سرگرد در ماموریت هستم و زودتر درجه‌ام بالا می‌رود، یک سال یا دو سال دیگر سرهنگ می‌شوم که جوانترین سرهنگ ایتالیا خواهم شد. چون در جنگ آمریکا و افغانستان جزو نیروهای ایتالیایی و ائتلاف بودم، درجه‌ام بالا رفته است.»

او خاطراتی هم از افغانستان می‌گفت که یک سال در آنجا بوده است. دو هفته قبل از اینکه احسان بیدی به زندان بیفتد من رابطه‌ام با احسان بیدی به هم خورده بود و از «دانیال کسرای» خبری نداشتم. دو روز بعد از اینکه احسان بیدی را به کمپ فرستاده بودند «دانیال کسرای» به من زنگ زد و گفت می‌دانی که احسان در کمپ هست و او را گرفتند؟ من گفتم بله می‌دانم و حالا دوستی خود را ثابت کن و با آشناهایی که داری، احسان را از کمپ بیرون بیاور. ولی پس از این تماس، من را بلاک کرد.



## فصل یازدهم

واکنش های وزرات اطلاعات به  
گردهمایی سالانه سازمان مجاهدین



گردهمایی سالانه مجاهدین در سال ۹۹ برای رژیم غافلگیرکننده بود. رژیم تصور می کرد بدلیل اپیدمی کووید ۱۹، مجاهدین همایش بزرگ نخواهند داشت و ناچار خواهند بود به یک جلسه درونی بسنده کنند. و از این بابت ابراز خوشحالی می کرد و به بریده ها هم روحیه می داد. قبل از شیوع کرونا، سفارت به همه بریده ها اطلاع داده بود که چون وضعیت مجاهدین در فرانسه خوب نیست؛ همایش آنها ممکن است در آلبانی برگزار بشود. چون از کشورهای دیگر نمی توانند نیروهای هوادار و شخصیت های سیاسی بیاورند، ممکن است با دادن پول به مردم روستاهای اطراف اشرف ۳، تعدادی را برای این همایش بیاورند و این یک شکست برای مجاهدین خواهد بود. به همین دلایل سفارت از تمام بریده ها خواسته بود یک تجمع کوچکی هم در میدان اصلی شهر تیرانا برگزار کنند تا آن را در بوق و کرنا ببرد. سفارت و وزارت اطلاعات هم زمان به تمام بریده مزدوران در آلبانی و خارج کشور گفته بود که در سالگرد همایش مجاهدین هرچقدر می توانند مقاله و گزارش و مطلب در مورد این همایش بنویسند و ارزش و اهمیت همایش سالانه مجاهدین را کمرنگ کنند. طبق دستور سفارت و وزارت اطلاعات، بریده هایی که در آلبانی بودند مطالبی که می نوشتند، بایستی شامل موضوعات زیر می بود:

این همایش‌ها ارزشی ندارد، در مناسبات هم که بودیم به این همایش اهمیت نمی‌دادیم، برای روحیه دادن به مجاهدین و هواداران است، میلیون‌ها دلار به سیاستمداران از دور خارج شده داده‌اند، این هزینه‌ها از کجا تامین می‌شود، جنگ طلبان در این همایش شرکت می‌کنند از رودی جولیانوی و ترکی فیصل اسم ببرند، همدستی سازمان با دشمنان ایران از جمله عربستان و اسرائیل و آمریکا قید شود، این همایش‌ها تکراری است و... بریده‌ها به دستور وزارت اطلاعات همین مطالب را در سایت‌های خودشان نوشتند و چند مصاحبه هم با پارسا سربی انجام دادند.

اما این که مجاهدین در تیرماه ۹۹ همایش سالانه خود را با استفاده از امکان اینترنت در ۳۰ هزار نقطه در بیش از ۱۰۰ کشور به هم وصل کردند، انعکاس عجیبی در بین بریده‌ها داشت و همه آنها را ترس برداشته بود. به قول نفر وزارت اطلاعات در ایران، در قبال این کار مجاهدین آچمز شده و هیچ چیزی بریده مزدوران از گستردگی برنامه و اجرای بی نقص آن دچار بهت و ناباوری شده بودند و هیچ چیزی برای گفتن نداشتند.

بریده مزدوران از گستردگی برنامه و اجرای بی نقص آن دچار بهت و ناباوری شده بودند.

من با حسن حیرانی در «کافه» نشسته بودیم و در مورد برنامه سالانه مجاهدین صحبت می‌کردیم و منتظر بودیم که وزارت اطلاعات یک کار جدید در قبال این برنامه به ما محول کند. ولی هیچ واکنش جدی نتوانستند نشان بدهند و برنامه هم به پایان رسیده بود. برخلاف سال‌های قبل پس از اتمام برنامه هم نتوانست جنگ روانی راه بیندازد.

## **برنامه وزارت اطلاعات در داخل ایران در آستانه گردهمایی سالانه مجاهدین در سال ۹۹**

در سال ۱۳۹۹ رژیم، با الگوبرداری از برنامه‌های مجاهدین از طریق برنامه

اینترنتی زوم، به دو شوی مضحک و مسخره دست زد. اولین شو تبلیغاتی، بسیج تعدادی از خانواده‌های اطلاعاتی توسط انجمن‌های نجات بود. دومین شو ترتیب دادن یک برنامه زوم توسط پارسا سربی و وصل حدود ۳۰ مزدور خارج کشوری به آن بود. آنها مدعی بودند که با این برنامه‌ها مجاهدین را کیش و مات می‌کنند!؟

ابراهیم خدابنده که مسئول انجمن نجات در سراسر ایران می‌باشد، گرداننده یکی از این نمایشات بود. انجمن نجات در روز پنجشنبه ۲۶ تیر ۹۹ اعلام گردهمایی سراسری نمود. در این رابطه وزارت اطلاعات از داخل ایران به حسن حیرانی نامه داده بود که از سایر مزدوران ساکن آلبانی بخواهد در این گردهمایی شرکت نکنند، چون خودمان برنامه جداگانه‌ای خواهیم داشت. در نمایش داخل کشور، ابراهیم خدابنده سعی کرد به شعبات انجمن نجات استان‌ها وصل شود و از هر استان ۲ الی ۳ نفر سخنرانی کنند. صحبت شرکت کنندگان و پاسخ ابراهیم خدابنده در این برنامه آن قدر مضحک و تصنعی بود که مایه خنده برخی از مزد بگیران وزارت اطلاعات در آلبانی قرار گرفته بود. برای ما هیچ ابهامی نبود که سوالات و جواب‌ها توسط وزارت اطلاعات طراحی شده است. کرونا هم به داد رژیم رسید، چون بهانه خوبی بود تا کسادی نمایش و تعداد اندک شرکت کنندگان را به بهانه کرونا رفع و رجوع کنند و مدعی شدند که اگر کرونا نبود نفرات بیشتری می‌آمدند.

بریده‌های آلبانی نیز پس از اتمام این نمایشات به همدیگر می‌گفتند رژیم بهای مبارزه با مجاهدین را نمی‌دهد یا توان آن را ندارد که با این همه خرج و تبلیغ، دو برنامه با اقتباس از مجاهدین راه بیندازد. ولی کل شرکت کننده و بیننده هایش به ۱۰۰ نفر هم نرسید و اجرای آن هم یک افتضاح و نف سربالا به همه رژیم و بریده‌ها بود.

یک نفر از بریده‌ها که در ایران است و در برنامه وزارت اطلاعات شرکت کرده بود بعداً در تماسی که با او داشتم می‌گفت:

«به رغم اینکه شرکت بریده‌ها در این برنامه اجباری بود ولی بازهم تعدادی از آنها به بهانه‌های مختلف در آن برنامه شرکت نکردند.»

صفحه اصلی - انجمن - استانها - رسانهها - تماس - زبانهای دیگر - درباره

صفحه نخست - فعالیت های انجمن نجات - گردهمایی سراسری انجمن نجات

**گردهمایی سراسری انجمن نجات**

انجمن نجات - 25 تیر 1399

**پخش زنده:**

گردهمایی سراسری انجمن نجات  
همبستگی با خانواده های اعضای دریند فرقه رجوی در آلبانی  
پنجشنبه 26 تیر 99 ساعت 10:30 صبح

**پخش زنده:**

**گردهمایی سراسری انجمن نجات**  
همبستگی با خانواده های اعضای دریند فرقه رجوی در آلبانی

پنجشنبه 26 تیر 1399 - ساعت 10:30 صبح

**برنامه وزارت اطلاعات در خارج ایران در آستانه گردهمایی سالانه  
مجاهدین در سال ۹۹**

بدنبال نمایش انجمن نجات در داخل ایران که توسط ابراهیم خدابنده برگزار شد. نمایش دوم با هماهنگی مسعود خدابنده از انگلستان و علی اکبر راستگو در آلمان با پارسا سربی برای بریده های آلبانی ترتیب داده شد. روز یکشنبه ۲۸ تیر ۹۹ مزدوران خارج کشور، برنامه نشست سراسری را اعلام کردند. مزدوران رژیم در آلبانی که ۱۰ نفر بودند در «کافه» حسن حیرانی جمع شدند و همه توجیه شده بودند که هر نفر ده دقیقه صحبت داشته باشد.



در این برنامه مجموعاً ۲۲ مزدور را بعنوان سخنران از کشورهای مختلف جمع آوری کرده بودند. حرفهای همه نفرات دیکته شده و تکرار مطالبی بود که سالیان سال در سایتهای وزارت اطلاعات منتشر می شود و پارسا سربگی گرداننده آن بود.

⚡ نشست سراسری جادشدگان و قریباتیان سازمان تروریستی مجاهدین خلق ایران در تلویزیون مردم

⚡ MardomTV.com

موضوع: تبادل نظر درباره گردهمایی اینترنتی اخیر این سازمان در 17 جولای 2020

نشست سراسری جادشدگان و قریباتیان

روزیکشنبه 19 جولای 2020 برابر با 29 تیرماه 1399  
ساعت 12 ظهر بوقت واشنگتن - ساعت 18 بوقت آلمان  
وساعت 20:30 بوقت ایران  
مجری برنامه آقای یازاسرربی مدیر برنامه تلویزیون مردم هستند.  
ترجمه همه علامتدان را به دین و شپین این برنامه جالب جلب می کنیم.  
فایل نکرمی باشد که این برنامه همزمان از صفحه فیسبوک تلویزیون مردم تحت آدرس زیر توییتش می گردد:  
<https://www.facebook.com/mardomtv/?fref=ts>

## سند برنامه ریزی و ریل برنامه که پارسا سربی به حسن حیرانی داده بود

لیست مردم تی وی					
ردیف	نام	نام خانوادگی	کشور	Skype-ID	ساعت
1	علی	جهانی	آلمان	ali_jahany11	18:00 - 18:10
2	قربانعلی	حسین نژاد	فرانسه	Ali Hosseinnejad	18:10 - 18:20
3	محمد	رزاقی	فرانسه	sarab faryad	18:20 - 18:30
4	مهرداد	ساغرچی	آلمان	Mehrdad Sagharchi	18:30 - 18:40
5	غفور	فتاحیان	فرانسه	mr rahman	18:40 - 18:50
6	محمد	کریمی	فرانسه	محمدکریمی	18:50 - 19:00
7	حمیرا	محمدنژاد	آلمان	Dariusch2005	19:00 - 19:10
8	زهرا	معینی	آلمان	zahra moeini	19:10 - 19:20
9	امیر	موتقی	آلمان	sayedamir mowasaghi	19:20 - 19:30
10	منصور	نظری	فرانسه	mansour naz	19:30 - 19:40
19:40 - 20:00	بخش یک ویدیوی کوتاه				
11	حسن	حیرانی	آلبانی	Hassan Heyrany	20:00 - 20:10
12	غلامرضا	شکری	آلبانی	Reza Shekari	20:10 - 20:20
13	عبدالرحمان	محمدیان	آلبانی	rahman mohammadi	20:20 - 20:30
14	مالک	بیت مشعل	آلبانی		20:30 - 20:40
15	موسی	دامرودی	آلبانی		20:40 - 20:50
16	علی	هاجری	آلبانی		20:50 - 21:00
17	حسن	شهباز	آلبانی		21:00 - 21:10
18	هادی	ثانی خانی	آلبانی		21:10 - 21:20
19	پرویز	حیدرزاده	آلبانی		21:20 - 21:30
20	رضا	اسلامی	آلبانی		21:30 - 21:40
21	علی اکبر	راستگو	آلمان	Ali Rastgou	21:40 - 21:50
		MardomTV		Mardom TV USA	

توجه: بچه های آلبانی احتمالاً با یک آی دی ارتباط برقرار می کنند.

## فصل دوازدهم

اصل موضوع ترس از سرنگونی رژیم  
است



زندگی هم چون بازی شطرنجی است  
که انسان‌ها در آن بارها کیش و مات می‌شوند.  
انسان واقعی کسی است، که پس از بارها کیش و مات شدن، باز هم بازی کند

## رفتن من به کرواسی و قطع ارتباط با سفارت

بعد از دو سال کارکردن با سفارت به عنوان سرشبکه بریده‌ها، از ماندن در آلبانی و دیدن کارکرد بریده‌ها و نفر اطلاعات در سفارت، خسته شده و در عذاب وجدان بودم. از شدت دغلكاری و دروغ‌هایی که مطرح می‌کردند هر روز احساس دوگانگی و تهی شدن از ارزش‌های انسانی می‌کردم.

ولی وزارت اطلاعات گفته بود باید برادری مان را به رژیم ایران اثبات کنیم. (همان‌طور که من ۴-۵ سال اثبات کردم) و در نهایت نیز تاکید می‌کردند تا زمانی که سفارت و وزارت اطلاعات مشخص می‌کند باید در آلبانی بمانید و کارهایی که آنها مشخص می‌کنند را انجام دهید.

مجموعه عوامل فوق باعث شد و تصمیم گرفتم همراه با یکی از نفرات، آلبانی را ترک کنیم و از طریق مرز زمینی، خودمان را به کشورهای غربی برسانیم. در سال ۱۳۹۸ این موضوع را از یک هفته قبل برنامه‌ریزی کردیم و به هیچ‌کس اطلاع ندادیم. روز موعدها فرا رسید یکی از نفرات بریده با کرایه یک ماشین ما را به مرز برد و من و نفر دیگر به مونتنگرو رفتیم و

یکی دوبار موفق نشدیم و دوباره برگشتیم. یک بار توانستیم خودمان را به بوسنی برسانیم. در بوسنی می خواستیم از مرز کرواسی رد بشویم که دوبار ما را گرفتند و موبایل ما را شکستند و ما که هیچ پولی به همراه نداشتیم، مجبور شدیم با راهپیمایی، دوباره به آلبانی برگردیم. در این دوران که به آلبانی برگشتم، «مصطفی رودکی» نیز از آلبانی اخراج شده بود و نفر دیگری در سفارت کارهای بریده ها را دنبال می کرد.

غلامرضا شکری که مستقیم با سفارت در ارتباط بود، موضوع برگشت ما به آلبانی را به نفر سفارت اطلاع داد. سفارت از دست من ناراحت بود که چرا بدون اطلاع سفارت، آلبانی را ترک کرده ام. به دلیل اینکه دو سال سرشبهه بودم و اطلاعات زیادی از ارتباطات سفارت با بریده ها و کارکردهای سفارت داشتم، مجبور شدند دوباره مرا بپذیرند؛ ولی به عنوان جریمه حقوق ماهانه مرا از ۷۰۰ یورو در ماه به ۱۰۰ یورو و در ماه های بعد به ۲۰۰ یورو تقلیل دادند. به دلیل وضعیتی که داشتم ارتباطاتم را با سفارت کم کردم و دیگر سرشبهه نبودم. در این دوران غلامرضا شکری که به عنوان سرشبهه کار می کرد، فقط حقوق ماهیانه مرا می گرفت و به من می داد. تا اینکه من به حسن حیرانی وصل شدم و کار در «کافه» را شروع کردم و در عمل دیدم که «کافه» حسن حیرانی، یک محل پوششی برای وزارت اطلاعات است.

### وحشت بریده مزدوران از اخراج سفیر رژیم از تیرانا

بریده های آلبانی در ابتدای بریدگی، از انسانیت بطور کامل تهی نشده بودند. دورانی که هنوز به سفارت و وزارت اطلاعات وصل نشده بودند گاهاً بین خودشان بحث صورت می گرفت که فلان مزدور اطلاعات در مطلبش یک حرف راست وجود ندارد یا دروغ هایی شاخداری مطرح کرده است. اما از روزی که همین نفرات با سفارت و وزارت اطلاعات مرتبط شدند و به لجنزار ولایت رفتند همه نوع اراجیف در مورد مناسبات می گفتند. برای من

خیلی سنگین بود که بخواهم حرفهائی که اینها می‌زنند را باور کنم چون سال‌ها در مناسبات مجاهدین بومد اخلاق و رفتار مجاهدین را دیده بودیم. موقعی که سفیر رژیم از آلبانی اخراج شد همه بریده‌ها ترس داشتند و می‌دانستند که با اخراج سفیر رژیم از تیرانا روزی نوبت بریده مزدوران خواهد رسید. چون رژیم ایران و سفارت را پشتوانه قوی خودشان می‌دانستند و می‌گفتند که تا موقعی که عناصر سفارت هستند ما هم کارمان را انجام می‌دهیم. ولی بعداً افشاگری مجاهدین علیه غلامحسین محمدنیا سفیر رژیم و مصطفی رودکی گسترده شد و نقش آنها در توطئه‌های تروریستی برای دولت آلبانی اثبات گردید و آنها از آلبانی اخراج شدند. من در صحبت با سایر بریده‌ها هم می‌دیدم یک دلهره عجیبی در بین آنها ایجاد شده و پشتوانه قوی و کارآیی قبلی را از دست داده بودند. نگران پولی بودند که از سفارت می‌گرفتند و اینکه چطوری می‌توانند در آلبانی برعلیه مجاهدین فعالیت بکنند. بخاطر کارهایی که کرده بودند هر لحظه ممکن بود که پلیس آنها را دستگیر بکند. حتی به این نتیجه هم رسیدیم که اگر اوضاع خراب شد، از نظر مالی یک ذخیره‌ای داشته باشیم که بتوانیم به یونان فرار کنیم و از طریق یونان به ایران یا کشور دیگر برویم.

### قیام آبان ۹۸، وحشت مزدوران از سرنگونی رژیم

موقعی که قیام آبان ۹۸ شعله‌ور شد خیلی از بریده‌ها به ترس افتاده بودند. چون می‌دانستند که اگر این تظاهرات‌ها به سرنگونی رژیم ختم بشود، تمامی پرونده و ارتباطات آنها با سفارت و وزارت اطلاعات برملا خواهد شد. چون رژیم در آستانه سرنگونی قرار داشت و همه این را به عیان می‌دیدند اما به همدیگر دلداری می‌دادند و آرزو می‌کردند یک‌کاش همین رژیم ملاها بماند. با اینکه کشتار مردم در آبان ماه و اعدام‌ها و سرکوب مردم توسط رژیم را می‌دیدند ولی بخاطر منافع شخصی خودشان ماندگاری رژیم را آرزو

می کردند. وقتی به هم دیگر می رسیدند می گفتند این تظاهرات هم مثل تظاهرات های قبلی می خواهد و رژیم با قدرتی که دارد سرکوب می کند و آمریکا هم نمی خواهد رژیم سرنگون بشود. در مجموع هر اتفاقی که در ایران می افتاد که بوی سرنگونی می داد، بریده ها به ترس و لرز می افتادند. می دانستند بعدها باید جوابگوی مردم باشند که چرا با وزارت اطلاعات علیه مجاهدین همکاری کرده اند.

اما من به یک عامل دیگر که اکثر اوقات به آن فکر می کردم، قیام جوانان در ایران و کشتار آنها توسط رژیم بود. که ای بسا اگرخودم نیز در آن شرایط قرار می گرفتم همراه با همه جوانان به اعتراض و قیام می پیوستم. به همین دلیل هم از وضعیتی که در آلبانی و در ارتباط با سفارت رژیم قرار گرفته بودم بیشتر و بیشتر متنفر می شدم. تا اینکه تصمیم گرفتم به هر قیمتی شده خودم را از لجنزار ولایت و جنایات رژیم دور کنم و یک مسیر جدیدی را برای زندگی شخصی خودم انتخاب کنم. زندگی به دور از رژیم و سرکوبگری، زندگی شرافتمندانه حتی با هر مشکل و سختی همراه باشد.

به سبب این انزوای روحی، فرصتی بدست آوردم  
تا زندگی گذشته ی خود را مرور کنم.  
کوچکترین جزء آن را بشکافم و تشریح کنم.  
در وجودهستی پیشین خودتحقیق کاملی بکنم  
و در باره ی خودم، دقیقاً و بیرحمانه قضاوت کنم

داستایفسکی









## افشای جزئیات بسیج شیطان‌سازی و توطئه‌های جاسوسی و تروریستی وزارت اطلاعات و سفارت رژیم در آلبانی علیه مجاهدین

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت نامه روشن‌گر یکی از همکاران سابق اطلاعات آخوندها در آلبانی به دبیرکل ملل متحد را به اطلاع هموطنان می‌رساند. در این نامه که رونوشت آن برای کمیسر عالی حقوق بشر، کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد، دبیرکل عفو بین‌الملل، فدراسیون بین‌المللی جوامع حقوق بشر، گروه دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا، وزیر کشور و مدیر کل پلیس آلبانی و همچنین کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ایران ارسال شده است، جزئیات جدید و تکان‌دهنده‌ای از بسیج شیطان‌سازی و توطئه‌های جاسوسی و تروریستی رژیم علیه مجاهدین با جزئیات و بطور مستند بر ملا می‌شود. نویسنده تصریح کرده است که برای گواهی دادن و اثبات مطالب خود همراه با اسناد و جزئیات آماده شرکت در هر دادگاه یا مرجع بی‌طرف است.

در ابتدای نامه نوشته است: «اینجانب هادی ثانی خانی ۴۱ساله، در سال ۲۰۰۳ از ایران به ترکیه و از آنجا به عراق رفته و به سازمان مجاهدین پیوستم و به کمپ اشرف در عراق و سپس کمپ لیبرتی رفتم. در سپتامبر ۲۰۱۶ سازمان مجاهدین ترتیبات انتقال مرا به آلبانی فراهم کرد. دو ماه بعد در نوامبر ۲۰۱۶ چون نمی‌توانستم به مبارزه ادامه دهم، مجاهدین را ترک و نزد کمیساریا رفتم. دو هفته بعد به سفارت رژیم ایران در تیرانا رفته و از آن پس به مدت چهار سال در دامی که وزارت اطلاعات و سفارت رژیم

ایران در آلبانی برایم گسترده بودند افتاده و به همکاری با مأموران رسمی اطلاعات در سفارت مانند فریدون زندی علی آبادی و مزدوران شناخته شده اطلاعات مانند ابراهیم و مسعود خدابنده، غلامرضا شکری و احسان بیدی و در سالهای بعد حسن حیرانی کشیده شدم. آنها مرا در توطئه های شیطان سازی- جاسوسی- جمع آوری اطلاعات و شناسایی برای اقدامات تروریستی علیه سازمان مجاهدین به خدمت گرفتند».

در نامه هم چنین آمده است: «زندی مرا مامور کرد که اطلاعات اماکن مختلف مجاهدین را جمع آوری کرده و از آنها عکس و فیلم تهیه کنم. من بیش از ۳۰۰ عکس و چندین قطعه فیلم از مراکز مجاهدین تهیه کردم. زندی تاکید می کرد باید مکان خانم رجوی و مسئولین مجاهدین را در بیاوری و اینکه چندتا محافظ دارند. دو مزدور دیگر منوچهر عبدی و سعدالله سیفی در این ماموریت با من همراه بودند. در اسفند ۱۳۹۵ مرا سرشبکه گروهی از مزدوران کردند. وظیفه این مزدوران مقاله نویسی علیه مجاهدین بود. موضوعات و محورهای مقالات را زندی و یا برادران خدابنده مشخص می کردند...مزدوران موظفند حداقل یک حساب کاربری در فیسبوک و اینستا گرام ایجاد کنند و هر ماه ۱۲ مطلب علیه مجاهدین تولید و منتشر کنند و موضوعاتی را که سفارت یا وزارت مشخص می کند، بصورت زنجیره ای باز نشر کنند».

در این نامه، مبلغ و شیوه پرداختهای وزارت اطلاعات به مزدوران و نحوه به کار گرفتن آنها در تلویزیونهای اینترنتی از قبیل «مردم تی وی» و به کار گرفتن خبرنگاران علیه مجاهدین (از جمله خبرنگار اسپینگل در سال ۲۰۱۸) و همچنین خط کار مزدوران محلی از قبیل اولسی یازچی (در پوشش روزنامه نگار و درس خوانده در مالزی) و جرجی تاناسی (با سفرهای مستمر به ایران) بر ملا شده است و صحت اطلاعاتیهای مقاومت ایران در این خصوص را نشان می دهد.

نظر به اهمیت اطلاعات مندرج در این نامه به ویژه پس از افشای کارکردهای اطلاعات آخوندها در دادگاه آنتورپ، کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورا خواندن این نامه و دقت در مندرجات آن را به هموطنان توصیه می‌کند. بستن سفارت رژیم آخوندی در آلبانی و دیگر کشورهای اروپایی و محاکمه و مجازات و اخراج ماموران و مزدوران وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس، لازمهٔ مقابله با تروریسم و جاسوسی و سوءاستفادهٔ گشتاپوی ملایان از اماکن و امکانات دیپلماتیک است.

**شورای ملی مقاومت ایران**  
**کمیسیون امنیت و ضد تروریسم**  
**۲۹ بهمن ۱۳۹۹ (۱۷ فوریه ۲۰۲۱)**

# گواهی‌ها و اسناد دربارهٔ یک مزدور نفوذی

ایرج مصداقی

سازمان مجاهدین خلق ایران

اسفند ۱۳۹۹

طرح‌ها و توطئه‌های  
وزرات اطلاعات رژیم علیه مجاهدین

نامه‌ها و اسناد جمشید تفریشی

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم  
شورای ملی مقاومت

# ای جلاد ننگت باد

عوامل دستگاه سرکوب و شکنجه آخوندها  
در خارج کشور چه می کنند؟

## مجموعه شماره ۱

درباره مزدوران وزارت اطلاعات:

کریم حقی

ناصر خواجهنوری

علی راستین

سعید شاهسوندی

علیرضا نوری زاده







